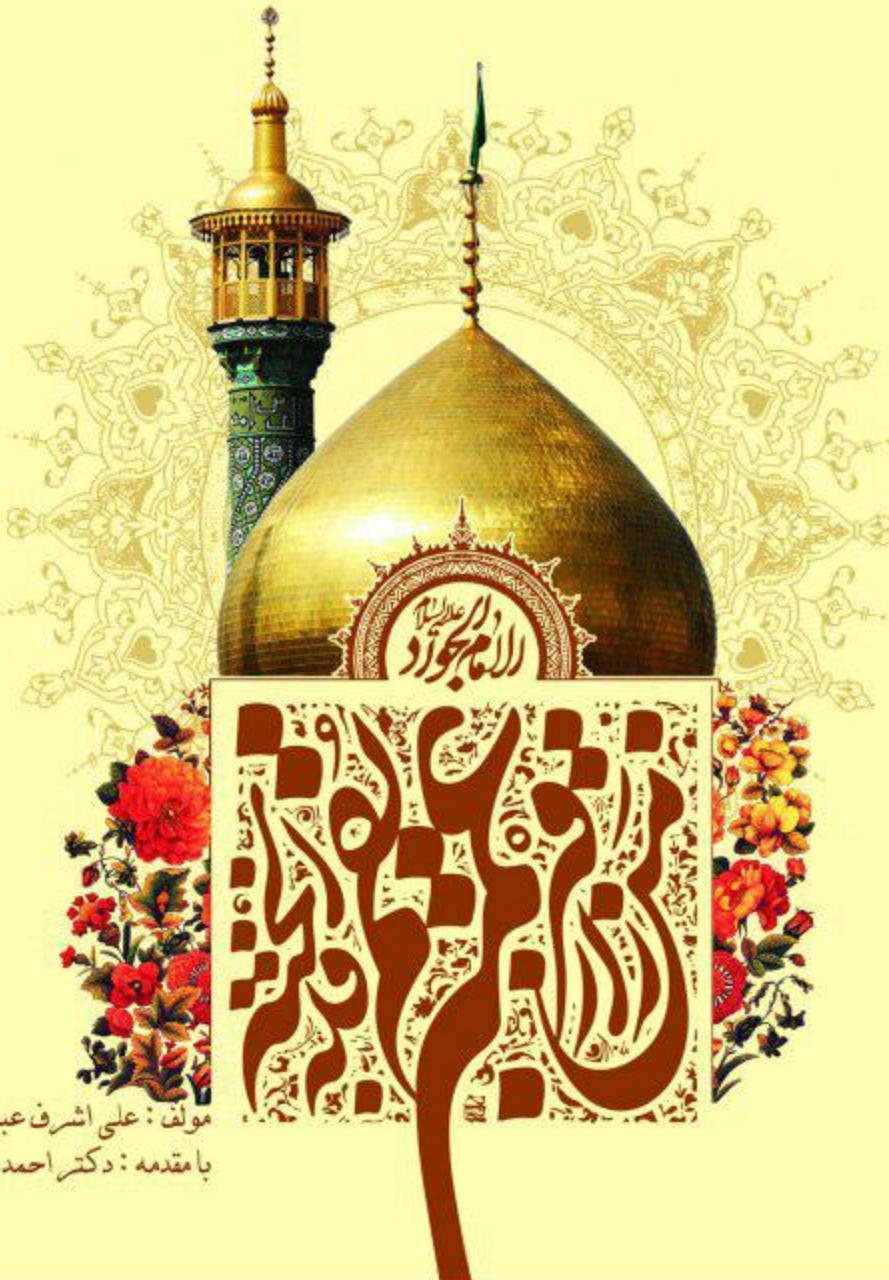




در عصمت

مروی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)



عصمت (مروی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام))

علی اشرف عبدالی

کتابخوانی رضوی
wwwiranpli.ir



مؤلف: علی اشرف عبدالی
با مقدمه: دکتر احمد عبدالی

قم، حرم اهل بیت علیهم السلام است و فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ این شهر و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیهم السلام ارتباطی مستمر دارد؛ به طوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توأمان بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود.

اثری که پیش روی شماست برای آشنایی با زندگی حضرت فاطمه معصومه علیهم السلام و شرح برخی از فضائل آن حضرت نگاشته شده است.



سازمان

سازمان

سازمان

الله عزیز افتخار فاطمه

دفتر مرکزی: قم، میدان شهید مفتح
مؤسسه فرهنگی اقتصادی زائر کریمه
نمایشگاه دائمی کتاب: حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیهم السلام)

محلن صاحب الزمان (علیهم السلام)

۳۷۱۰۳۱۰۶۱-۳ / ۳۷۱۰۳۱۰۶۱-۳

ISBN 9789641800644



9 789641 800644

در عصمت

«نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام»



علی اشرف عبدالی

بامقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکات

سرشناسه: عبدی، علی اشرف
 عنوان و نام پدیدآور: در عصمت، نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها
 علی اشرف عبدی؛ با مقدمه آیت الله احمد عابدی.
 مشخصات نشر: قم: آستان مقدس قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۳.
 فروخت: انتشارات زائر آستان مقدس؛ ۴۷۸. مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم.
 شابک: ۹۷۸-۰۶۴-۱۸۰-۰۶۴-۹۶۴
 موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، ۹۱۸۳-۹۲۰۱ ق. - سرگذشت‌نامه - فضایل
 شناسه افزوده: عابدی، احمد، ۱۳۳۹ - مقدمه‌نویس
 رده‌بندی کنگره: ۲۴۱۳۹۳/۲/۲ دع BP۲۷/۲
 رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۹۳۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۷۸۳۶۳



۴۷۸

انتشارات امام رضا (ع)
فاطمه معصومه



۱۰۳ / شماره اثر در مدیریت پژوهشی آستان مقدس قم

در عصمت (نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها)

مؤلف: علی اشرف عبدی

ناشر: زائر آستان مقدس

چاپخانه: زائر آستان مقدس

حروفچینی و صفحه آرایی: هوایی، زند

نوبت و سال چاپ: هفتم ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۰۶۴-۱۸۰-۰۶۴-۹۶۴

نهاده
نگاهی بر زندگانی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها
كتابخوانی رضوی

www.iranpl.ir



دفتر مرکزی: قم/میدان شهداء/ انتشارات زائر
 نمایشگاه دائمی کتاب: حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام
 صحن صاحب الزمان عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف

تلفن: ۳۲۹۴۰۸۵۱-۳ فاکس: ۳۲۹۳۱۹۴۲

* حق چاپ محفوظ است *

۳۵.....	راز و نیاز.
۳۶.....	کسب معارف.
۳۶.....	نجمه خاتون الگوی ادب و احترام
۳۷.....	وفات و مدفن.
۳۷.....	حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> و خلفای معاصر.
۳۹.....	هجرت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> .
۴۱.....	دلیل هجرت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> به قم.
۴۵.....	چگونگی رحلت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> .
۴۷.....	مراسم دفن.
۴۹.....	سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> .
۵۰.....	تاریخ وفات.
۵۱.....	بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> .

بخش «وم»:

۶۲.....	نقل حدیث
۶۳.....	حدیث اول: یاد کرد غدیر خم
۶۴.....	حدیث دوم: حماسه غدیر
۶۴.....	حدیث سوم: دوستی آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۶۵.....	حدیث چهارم: فضائل شیعه.
۶۷.....	حدیث پنجم: طهارت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۶۷.....	عظمت حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> .

جاگاه علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

فرست مطالب

۹.....	سفن ما
۱۱.....	مقدمه آیت الله احمد عابدی دامت برکاته
۱۵.....	مقدمه مؤلف
۲۱.....	کذربزنی حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
۲۶.....	ولادت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small>
۲۹.....	ذی قعده ماه ولایت
۳۲.....	تریبیت در سایه پدری معصوم
۳۵.....	فضایل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>
۳۵.....	نامهای مادر حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>

بخش اول:

کذربزنی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



۱۲۴.....	۳. برکت قم به واسطه کرامت حضرت مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۲۸.....	۴. پرداخت شهریه به واسطه حضرت مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۳۱.....	۵. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

بخش پنجم:

زیارت، شیعی اسلامی

۱۴۰.....	زیارت در منابع و نگاه اهل سنت
۱۴۲.....	فایده‌های زیارت قبور
۱۴۴.....	زیارت در نظم شعرای اهل سنت
۱۵۴.....	زیارت، ابtagی وسیله نزد خداوند متعال
۱۵۷.....	ائمه <small>علیهم السلام</small> وسیله خدا
۱۶۰.....	روایاتی درباره زیارت حضرت مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۶۳.....	نگاهی به مضمون احادیث
۱۶۵.....	آداب سفر زیارت
۱۶۶.....	۱. آداب ظاهری زیارت
۱۷۰.....	۲. آداب معنوی زیارت
۱۷۷.....	آداب حین تشرف
۱۷۸.....	آموزه‌هایی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۸۱.....	فهرست منابع



بخش سوم:

مح قم، وصف حضرت فاطمه مصصومه علیها السلام

۷۷.....	خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۷۸.....	تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن
۷۹.....	قم دارالمؤمنین
۸۰.....	قم باب الجنه
۸۱.....	حجت بودن قم و اهل آن بر مردم
۸۲.....	قم معدن علم
۸۳.....	اهل قم یاران ما (أهل بیت <small>علیهم السلام</small>) و قم کاشانه آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۸۵.....	اهل قم یاران امام زمان <small>علیه السلام</small> و خواستگاه انقلاب
۸۶.....	قمر حرم اهل بیت <small>علیهم السلام</small> و سلام خدا بر اهل قم

بخش چهارم:

عصر، شغاعت و کرامت حضرت فاطمه مصصومه علیها السلام

۹۶.....	مصطفومه <small>علیها السلام</small>
۱۰۲.....	مقدمه‌ای بر بحث شغاعت
۱۰۵.....	مقام شفاعت حضرت فاطمه مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۱۲.....	کریمه اهل الیت <small>علیهم السلام</small>
۱۱۷.....	صادیقی از کرامات حضرت فاطمه مصصومه <small>علیها السلام</small>
۱۱۷.....	۱. کرامات حضرت مصصومه در تفسیر آیه تطهیر
۱۲۱.....	۲. کرامتی درباره تعویض گنبد مطهر



اثر حاضر در پنج بخش به شرح ذیل تنظیم گردیده است:

بخش اول: گذری بر زندگی نامه حضرت معصومه علیها السلام

بخش دوم: جایگاه علمی و فرهنگی حضرت معصومه علیها السلام

بخش سوم: مدح قم، وصف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بخش چهارم: عصمت، شفاعت و کرامت حضرت معصومه علیها السلام

بخش پنجم: زیارت، سنتی اسلامی

در پایان با سپاس از درگاه الهی به خاطر توفیق این خدمت، از حمایت‌های حضرت آیت الله سید محمد سعیدی دامت افاضاته تولیت محترم آستان مقدس کریمه اهل بیت علیها السلام و همه محققان و پژوهشگران محترم که با این مدیریت همکاری دارند و نیز کلیه دست اندر کاران امور چاپ قدردانی می‌نماییم.

ریس پژوهشکده علامه طباطبائی جهان

آستان مقدس

احمد عابدی

سخن ما

قم، حرم اهل بیت علیها السلام است و فرهنگ و تاریخ تشیع با فرهنگ و تاریخ این شهر و زندگانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ارتباطی مستمر دارد؛ به طوری که پژوهش و مطالعه در موضوع تشیع و قم توانمند بوده و هر کدام بدون دیگری کامل نخواهد بود.

در فرهنگ تشیع، واژه‌ای مانند زیارت، توسل، شفاعت، عصمت و... جایگاه والایی دارد، چرا که این مفاهیم از سازنده‌ترین برنامه‌های تربیتی به شمار می‌آیند. زیارت و احترام و بزرگداشت به انسان‌های پاک و با فضیلت و الهام گرفتن از آنان، موجبات تطهیر روح انسان را فراهم می‌آورد و راه تقرب به خدا و رسیدن به کمالات والای انسانی را هموار می‌کند.

اثری که پیش روی شماست برای آشنایی با زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شرح برخی از فضائل آن حضرت نگاشته شده است. این مجموعه ارزشمند، حاصل تلاش علمی و پژوهشی جناب آقای علی اشرف عبدی است که از درگاه الهی برای ایشان سلامت و توفیق بیشتر مسئلت داریم.

ساختن مسجد و محل پرستش خداوند بر محل قبر اصحاب کهف که انسان‌هایی موحد و الهی بودند مورد تأیید خدای متعال و قرآن کریم است؛ هرچند که این مسئله همچون بسیاری دیگر از معارف عرشی و بلند توحیدی دین به مذاق وهابیان و سلفی‌های تکفیری خوش نیامده و با تخریب مساجد و حرم‌های مطهر و قبور اولیای دین، خوش خدمتی و سرسپردگی خود را به یهود و صهیونیست‌ها و دشمنان اسلام و قرآن به اثبات می‌رسانند.

حزم‌های مطهری که در مکه مکرمه و مدینه منوره بر قبر حضرت خدیجه، حضرت عبدالملک، شهدای بدر، ائمه مظلوم بقیع و... وجود داشته توسط مسلمانان اهل سنت ساخته شده و مورد تأیید و زیارت تمام مسلمانان بوده است، اما پیروان نابخرد محمد بن عبدالوهاب و ابن تیمیه تنها گروهی هستند که با زیارت و آثار عظیم معنوی و الهی مخالفت ورزیده، به تخریب و اهانت به این مرآقد مطهر و منور روی آورده و بیشترین خدمت را به دشمنان اسلام و قرآن نموده اند. اینان در واقع پیروان بنی امیه‌اند و عقاید و افکار خود را از شجره خبیثه یا شجره ملعونه معاویه و ابوسفیان گرفته‌اند که تا آخرین سال‌های عمر مبارک رسول خدا با آن حضرت می‌جنگیدند و هرگز حتی چشم بر هم زدنی به رسول خدا ایمان نیاورند.

علی رغم نظر نادرست وهابیت، نماز و ذکر و عبادت خداوند در کنار جسم و روح اولیای الهی علاوه بر اجر و ثواب معنوی آن، در بردارنده هزاران درس عبرت و آموزش اخلاق و مکارم و آداب دینی و شرعی است.

زيارت و توسل جزء شعائر دینی و تعظیم و بزرگداشت آن مورد اهتمام و توجه قرآن کریم است. البته زیارتگاه‌هایی که اکنون وجود دارند از جهت اعتبار

مقدمه آیت الله احمد عابدی
وامت برکات

تاریخ تشیع با تاریخ قم، پیوندی ناگستینی دارد و تحقیق و پژوهش در هر کدام بدون دیگری ابتر و ناقص است؛ همچنانکه نیز تاریخ قم با تاریخ حضرت سنتی گوهر و صدف ولایت حضرت فاطمه بنت باب الحوائج الى الله حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام عجین شده و غیر قابل تفکیک هستند.

در سرتاسر دنیای اسلام و حتی در فراتر از آن، مرآقد مبارک و نورانی امامزادگان و اولاد و نوادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام و نیز مقابر اولیا و علماء و صالحان، هر کدام چون هاله‌ای از نور پرتو افشاری نموده، خرمنی از نور و معنویت و صفا در اطراف آنها احساس می‌شود. زیارتگاه‌هایی که مسلمانان گردانگرد این قبور ساخته و مساجدی که بر آنها برآفرانشته و در آنها به عبادت و پرستش خدای متعال پرداخته اند همه الهام گرفته از آیه کریمه **﴿قَالَ الَّذِينَ عَلَّبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَحَدَّثَ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا﴾**^۱ است.

۱. سوره کهف، آیه ۲۱.

در یک سطح نیستند، بلکه برخی از آنها به صورت قطعی و یقینی است و برخی از آنها وثوق کمتری دارند.

قبر مطهر رسول خدا^{علیه السلام} و یازده امام جانشین آن حضرت^{علیهم السلام} و نیز مرقد بزرگانی در قبرستان‌هایی همچون بقیع، بدر، احد و کربلا همه به صورت قطعی است و هیچ تردیدی در محل آنها وجود ندارد.

برخی از امام زادگان نیز این‌گونه هستند که در رأس آنان باید از حضرت فاطمه مصعومه^{علیها السلام} در قم یاد کرد. اگر هم اندکی اختلاف یا تردید در سال ولادت یا برخی جزئیات زندگی آن بانوی کرامت وجود داشته باشد، اما در اینکه مدفن آن فرزند رسول الله در «باغ بابلان» و حرم مطهر کنونی بوده تردیدی وجود ندارد. همچنین در اینکه آن بزرگوار از بزرگ‌ترین اولیائی‌الهی است و با بانوی چون حضرت زهرا، حضرت خدیجه، حضرت زینب، حضرت مریم و حضرت آسیه و حضرت هاجر علیه‌نافع افضل الصلوات قابل مقایسه بوده تردیدی نیست. این بانوان افضل زنان عالم و سيدة النساء و برگزیدگان خدای متعال و مطهر از هرگونه عیب و قدراتی هستند و این افتخار بسیار بزرگی است که قم، میزان و صد چنین دری و انگشتی چنین نگینی است.

تاکنون در خصوص معرفی این بانوی کرامت و ترسیم و تبیین قطره‌ای از فضائل و مناقب ایشان، آثار گرانبهای ارزنهای تدوین شده که یکی از جدیدترین و بهترین آنها اثری است که اکنون پیش روی شماست و به قلم وزین جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای علی اشرف عبدی^{زید عزّة نگارش} و سامان یافته است.

جامعیت این اثر در موضوع خود، استناد به منابع قوی و معتبر و نیز گسترده‌گی اطاعات آن از جمله امتیازات این اثر است که مطالعه آن را به همه علاقه مندان به آستان حضرتش سفارش می‌کنیم.

احمد عابدی

بِزَوَالِ النُّعْمَةِ؛^۱ خداوند در هر نعمتی حقی دارد و کسی که حقش را
ادا کند نعمت او را افزون کند و کسی که کوتاهی کند نعمت را در
خطر زوال قرار می‌دهد.

ادب اقتضا می‌کرد که از باب تشکر و تسبيح و تقدیس در برابر عنایت
خداوند حکیم و دانا و مهربان و سپاس در برابر کرامات کریمه اهل بیت علیهم السلام
ادای دین و تلاشی ناقص کرده، به فرمایش امام هادی علیه السلام جامه عمل
پوشانیم که فرمود: «برای نعمت‌ها پیش از آنکه از شما جدا شوند همدی نیکو
باشید».^۲

از این رو عذر تقصیر به پیشگاه رفیع آن بانوی عظیم الشأن آوردهایم تا
شاید جرعه نوشی «اللهم انی اسئلک ان تختم لی بالسعادة فلا تسلب منی ما
انا فیه»^۳ برای همیشه شامل حالمان گردد.

امیدوارم نوشتار حاضر مورد عنایت پروردگار عالمیان و ارواح طیبه
معصومین علیهم السلام قرار گیرد.

همچنین انتظار می‌رود محققین و اهل قلم و خوانندگان عزیز از
راهنمایی‌های دلسوزانه خود دریغ نفرمایند تا نواقص احتمالی کتاب برطرف
گردد.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۴۴.

۲. منتخب میزان الحکمة، ص ۷۶۱.

۳. بخشی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیهم السلام؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵.

مقدمه مؤلف

خدمت در بارگاه ملکوتی حضرت فاطمه معصومه علیهم السلام عنایتی الهی است و
بهره‌مندی از آن، به هر کس بی‌گمان نشانه توفیقی خدایی است که باید آن را
پاس داشت.

خادم حریم کریمه اهل بیت باید این فرصت بی‌نظیر و بهره‌مندی از حضور
در چنین جایگاهی را که آشکارا نشان از فردوس بربن دارد، قدر بداند چرا که
این بارگاه، تجلی‌گاه وادی عشق و تمثیلی از مرقد مبارک و مزار پنهان زهرای
اطهر و زیارت ضریح دخترش فاطمه معصومه علیهم السلام معادل بهشت بربن است.

نگارنده حدود بیست سال است که جیره‌خوار سفره این بانوی آسمانی و
شفیعه آخرت، در عصمت، مریم آل طه، محدثه غدیر و تجلی کوثر بوده، از
نعمات بارگاه عش آل محمد علیهم السلام و ملجا و مأمون عشاق اهل ولاء متنعم و از
سفره کریمانه‌اش بهره‌ها جسته و کرامات دیده است.

امیرالمؤمنین علی علیهم السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقَّاً فَمَنْ أَذَاهُ زَادَهُ وَ مَنْ قَصَرَ عَنْهُ خَاطَرَ

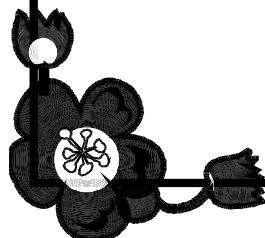
در اینجا فرصت را غنیمت شمرده از ریاست محترم پژوهشکده علوم و معارف قرآنی آستان مقدس، استاد ارجمند حضرت آیت الله عابدی دام توفیقاته و حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن تقیی و آقایان محمدرضا هوایی و محسن زند و همچنین ویراستار محترم جناب آقای محمد سعید رضایی که ما را یاری نمودند صمیمانه سپاس گزاری می‌نماییم.

علی اشرف عبدالی

۹۳/۵/۲۰

بخش اول:

گذری بر زندگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



اما به عقیده بیشتر محققان و نویسنده‌گان ولادت آن حضرت در ابتدای ذی قعده است.^۱

مرحوم عمامزاده اصفهانی می‌گوید:

«حضرت معصومه علیها السلام در مدینه در ماه ذی قعده سال ۱۷۳ق. متولد شد و در ربيع الثانی ۲۰۱ دیده از جهان فروبست.»^۲

۲. برخی، میلاد دخت گرامی موسی بن جعفر علیهم السلام را سال ۱۸۳ق. مصادف با سال شهادت پدر بزرگوارش می‌دانند؛ از جمله؛ مرحوم فیض در کتاب انجم فروزان^۳ و گنجینه آثار قم.^۴ وی به نقل از کتاب «الواقع الانوار فی طبقات الاخبار»^۵ و «نزهة الابرار فی نسب اولاد الائمه الاطهار علیهم السلام»^۶ چنین می‌آورد؛ تاریخ تولد و وقت حضرت معصومه علیها السلام تا این زمان بر عامه خلق مکتوم و غیر معلوم بود، ولی جناب حجت الاسلام آقای شیخ جواد مجتهد در مسافرت خود به مکهٔ معظمه زاده‌الله شرفا و تعظیماً در مدینه طیبه در کتابخانه مبارکه به زحمت زیادی به دست آورده‌اند. در کتاب نزهة الابرار فی نسب اولاد ائمه

۱. شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۲۸؛ مهدی منصوری، حیاة السنت، ص ۱۰؛ محمدهادی امینی، فاطمه بنت الامام موسی الكاظم علیهم السلام، ص ۲۱.

۲. زندگانی حضرت موسی بن جعفر، ج ۲، ص ۳۷۵.

۳. انجم فروزان، ص ۵۸.

۴. گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۸۶.

۵. تأییف عبدالوهاب شعرانی شافعی، متوفی ۹۳۷هـ ق.

۶. تأییف سید موسی برزنگی شافعی مدنی.

ولادت فاطمه معصومه علیها السلام

به واسطه محدودیتی که محبین اهل بیت علیها السلام در برخی از اعصار و قرون داشته‌اند، تاریخ آن دوره‌ها به خصوص دوره امام هفتم علیهم السلام به صورت کامل تدوین نشده یا اینکه آثار پیشینیان و تأییفات آنان در پی حوادث و رویدادها از بین رفته است. این موضوع در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام نیز مطرح است و حتی در آن اختلاف نیز وجود دارد. در این باره حداقل سه قول بیان شده است:

۱. اول ذی قعده ۱۷۳ق، قول مشهوری که آن را دانشور متبحر و متّبع، شیخ علی نمازی^۱ بیان کرده،^۲ ولی دلیلی بر اثبات تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بیان نکرده است؛ گرچه این تاریخ با شواهد و قرائن، هماهنگی و تطبیق دارد.

۱. متوفی ۱۴۰۵ق. مرقد ایشان در یکی از حجره‌های صحن رضوی در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیهم السلام قرار دارد.

۲. مستدرک سفينة البحار، ج ۸، ص ۲۵۷.

الاطهار و کتاب لواحق الانوار فی طبقات الاخبار که کتاب مفصلی است چنین
ضبط شده است: «ولادة فاطمه بنت موسى بن جعفر علیهم السلام فی المدينة المنورة
غرة ذی القعده الحرام سنة ثلاثة و ثمانين و مائة بعد الهجرة النبوية وتوفيت فی
العاشر من ربيع الثاني فی سنة احادی و مائتين فی بلدة قم»، بنابراین سن
مبارکه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هجده سال بوده است.

در جای دیگری نیز آورده:

هر چند که سن بی بی و میلاد باسعادتش ضبط نگردیده، در شمار
مجهولات است، اما با استفاده از بعضی قرائن باید گفت که از سی سال افزون
بوده چه که فاطمه مدفونه به قم فاطمه کبری و بزرگترین دختران امام
موسی علیه السلام است و... تعیین سن مبارک فاطمه بین هیجده تا بیست و یک سال
مولود از اشتباه فاطمه کبری به فاطمه صغیری بوده است.^۱ با توجه به این
بيانات، خود مرحوم فیض تاریخ خاصی را مشخص نمی کنند و تنها سن مبارک
آن حضرت را در زمان هجرت به قم بیش از ۳۰ سال بوده تخمین می زند. از
طرفی به نقل از دو کتابی که ذکر شان گذشت سال ۱۸۳ را نقل می نماید. پس
بنا به این نقل حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در مدينه منوره و در آغاز ماه
ذی قعده سال ۱۸۳ ق. دیده به جهان گشود و در دهم ماه ربيع الاول ۲۰۱ ق.
در قم وفات یافت.^۲

۱. گنجینه آثار قم، ج ۱، صص ۳۸۵-۳۸۶.

۲. مؤلف کتاب وسیله المعصومیه، ص ۶۵ این چنین نقل می کند: «...و از کتاب نزهه الابرار
فی نسب اولاد ائمه الاطهار نقل شده در روز دوشنبه اول ماه ذیقعده از سال یکصد و



۳. بعضی قول سومی را نیز می آورده اند؛ مثلاً جناب آقای شیخ مهدی
منصوری در تأییف خودش می نویسد:
با تحلیل و تجزیه تاریخی، سال تولد حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در سال
صد و هفتاد و نه (۱۷۹) ق. کمتر تصور ندارد؛ زیرا مطابق گفته ارشاد مفید
حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به دستور هارون الرشید در سال صد و هفتاد و
نه (۱۷۹)، هفتم ماه ذیحجه در بصره زندانی کردند مدتی قریب یکسال در
زندان بصره بود بعداً به بغداد فرستادند سه سال هم در حبس فضل بن ریبع و
سندي بن شاهک بود. چهار سال تمام در زندان به سر برد بعد از گذشتان این
مدت به سال صد و هشتاد و سه مسوموماً از دنیا رفت و ... پس با شواهد
مذکوره فاطمه معصومه علیها السلام بنت موسی بن جعفر علیه السلام در سال یک صد و هفتاد
و نه (۱۷۹) در مدينه منوره متولد شده با تقریبی که ذکر کردم، اما نسبت به
روز و ماه تولد آن بی اظهار عقیده نمی کنم، زیرا مأخذ صحیح به دست
نیامده ممکن است همان روز اول ماه ذی القعده بوده.^۱
به هر حال آنچه که در تاریخ ولادت آن حضرت مسلم است، اول ذی القعده
خواهد بود، اما ولادت آن حضرت در سال ۱۸۳ به دلایل ذیل مخدوش به نظر
می رسد:



هفتاده و سه متولد شده و در روز دهم ماه ربيع الثانی سال دویست و یک در قم وفات
کرد». این نشان می دهد که همان احتمال ضبط اشتباهی سال ۱۷۳ به ۱۸۳ در کتب دیگر
است؛ یعنی برای سال ۱۸۳ مدرک و حتی قرینه ای وجود ندارد.
۱. حیاة السُّتُّ، صص ۶-۷.

۱. سال ۱۸۳ق سال شهادت امام هفتم علیهم السلام می باشد و آن حضرت حدائق
۴ سال در زندان به سر برده اند،^۱ چون در منابع تاریخی تصریح شده که آن
حضرت در سال ۱۷۹ دستگیر شده اند.^۲ بنابراین نمی توان آن سال را سال
ولادت حضرت معصومه علیها السلام دانست.
۲. برخی سال ۱۷۳ را به اشتباه سال ۱۸۳ خسبیط کرده اند که نمونه آن در
پاورقی صفحه بیست و چهارم این کتاب گذشت.
۳. آنچه مسلم است حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام بیش از یک دختر به نام
فاتحه داشته اند.^۳ مطابق نظر برخی از مورخان، آن حضرت چهار دختر به نام
فاتحه^۴ به این شرح داشته اند:
- الف) فاطمه کبری ملقب به «حضرت معصومه علیها السلام» که در قم مدفون
است.

- ب) فاطمه صغیری ملقب به «بی بی هیبت» و «حکیمه خاتون» که در
کشور آذربایجان و ورودی شهر باکو مدفون است.^۵

-
۱. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۱۵؛ شیخ صدوق، عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۸۱.
 ۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۲؛ حسن بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۸۷، چاپ
آستان مقدس.
 ۳. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۲۴۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۱؛ اربلی، کشف الغمة، ج ۳،
ص ۲۶.
 ۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷.
 ۵. جهت آشنایی بیشتر ر.ک: مجموعه آثار کنگره حضرت معصومه، مجموعه مقالات، ج ۱.

ج) فاطمه وسطی، ملقب به «ستی فاطمه» در اصفهان مدفون است.
د) فاطمه اخri، مشهور به «خواهر امام» که در رشت مدفون است.
با این بیان، حضرت معصومه علیها السلام در میان فواتیم اربعه (چهار دختر به نام
فاتحه) از همه فاطمه ها بزرگتر است و اقتضا می کند که چند سالی قبل از
دستگیری امام کاظم علیهم السلام (سال ۱۷۹) متولد شده باشد.
با توجه به این جهت، تولد آن حضرت در سال ۱۸۳ و ۱۷۹ق. غیرممکن
می باشد و سال ۱۷۳ق. را که مرحوم نمازی در مستدرک سفينة البحار آورده اند
تقویت می شود.

ذی قعده ماه ولایت

آغاز ماه ذی قعده برای دودمان نبوت، پیام آور شادی و سرور است؛ زیرا
حضرت نجمه خاتون، همسر گرامی امام در یازدهم این ماه و در سال ۱۴۸ق.
صاحب فرزندی می شود که از ستارگان آسمان امامت است. در اول ذی قعده
سال ۱۷۳ق نیز از این بانوی بزرگوار دختری به نام معصومه علیها السلام دیده به جهان
می گشاید که از ایام الله است. در این تاریخ دختری از آسمان ولایت و امامت
طلوع کرد؛ که قلب ها را سرشار از صفا و چشم ها را روشن کرد و کانون مقدس
أهل بیت علیهم السلام را گرم نمود؛ امام رضاع علیهم السلام دارای خواهری شده که سال ها قبل
جد بزرگوارش به ولادت او بشارت داده بود.
براساس آنچه که ذکر شد نتیجه می گیریم که سن مبارک خورشید ستارگان
قم ۲۸ سال بوده و برای ۱۸ یا ۲۲ ساله بودن مدرک و سندی وجود ندارد.
نکته دیگر اینکه در عصر مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه السلام تحقیقی از
سوی آستان مقدس فاطمه معصومه علیها السلام صورت گرفته که مکاتبات آن موجود

است و نمونه آن مکاتبه دیگری است که تولیت وقت با جناب ابوالقاسم صحاب^۱، تاریخ ولادت و وفات آن حضرت را به زبان شعر چنین سروده است:

اول ذی القعده هفتاد و سه از بعد صد

دفتر موسی بن جعفر (ا) ولادت شد پدید

آفر عشّر اول بعد از ربیع دومین

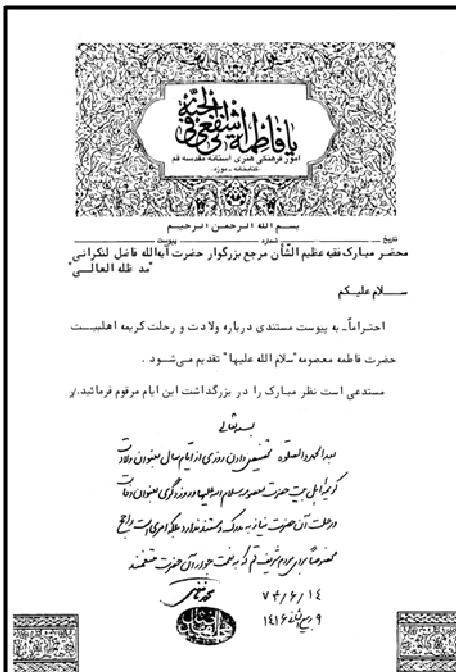
دو صد و یک حضرت معصومه (ا) رحلت رسید

بر این اساس، مدت زندگانی آن حضرت ۲۸ سال و پنج ماه و ده روز بوده است.^۲

در سال ۱۳۷۴ از طرف آستان مقدس، مستندی درباره ولادت و رحلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام خدمت مرجع عظیم الشأن آیت الله العظمی فاضل لنکرانی حبله عرضه شد که ایشان در جواب مرقوم فرمود:

باسم‌هه تعالی

بعد الحمد والصلاه، تخصيص دادن روزی از ایام سال به عنوان ولادت کریمه اهل بیت، حضرت معصومه سلام الله علیها و روز دگری به عنوان وفات و رحلت آن حضرت، نیاز به مدرک و مستند ندارد،



۱. پیام آستان مقدسه (هفته نامه داخلی آستان مقدس) پیش شماره ۳، ص ۴. دوشنبه ۱۳۷۹/۴/۲۰.

۱. برای آشنایی بیشتر ر.ک: ستارگان حرم، ج ۱۵.
۲. برگی از تاریخ قم، ص ۳۸، چاپ آستان مقدس.

بلکه امری است راجح، مخصوصاً برای مردم شریف قم که به نعمت
جوار آن حضرت متنعم‌اند.^۱

محمد فاضل

۱۳۷۴/۶/۱۴

۹ ربیع الثانی ۱۴۱۶

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رسم تجلیل از خاندان موسوی در جمهوری اسلامی ایران با ورود ماه ذی القعده مجالس جشن و سرور از قم آغاز می‌شود و در مشهد به پایان می‌رسد و آن ایام را با عنوان «دله کرامت» نام‌گذاری کرده‌اند. ابتدای این دهه از اول ماه ذی القعده و مصادف با ولادت حضرت معصومه^{علیها السلام} است. در ششمین ماه نیز ولادت احمد بن موسی (شاه چراغ) واقع شده و پایانش نیز با ولادت حضرت علی بن موسی الرضا^{علیهم السلام} نورانی شده است.

این دهه یادآور بسیاری از مفاهیم بلند و سازنده ارزش‌های اسلام و انسانیت و نیز یادآور مهر و وفا و علائق کم نظیر خواهر نسبت به مقام ارزشمند معنوی برادر است. دهه کرامت تداعی کننده عزم و قاطعیت و ارده آهنین زنان بزرگ و بانوان والامقام و گرانقدر و یادآور تحول آفرینی بانوان آسمانی است که می‌توانند رهبری دل‌های میلیون‌ها مسلمان را در طی اعصار و قرون عهددار شوند. این دهه، یادآور وجود مبارک حضرت زهرا و زینب^{علیهم السلام} و تمام خوبی‌ها و جمال انسانی است.

تریتی در سایه پدری معصوم

حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پارسایی و تقوا، راستگویی و بردباری، استقامت در برابر ناملایمات، بخشندگی و پاکدامنی و یاد خدا از صفات تبار پاک پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} بود.^۱

۱. برگرفته از آیه ۳۵ سوره احزاب.

پدران این خاندان همه از برگزیدگان و پیشوایان هدایت بودند و هر یک در انتخاب همسر و تربیت فرزند توجه کافی داشته‌اند.

پدر بزرگوارشان امام موسی بن جعفر^{علیهم السلام} روز یکشنبه ۷ صفر ۱۲۸ق. در ابواء، محلی بین مکه و مدینه به دنیا آمدند و مشهورترین القاب آن حضرت کاظم، باب الحوائج، امین، صابر و عبد صالح و مشهورترین کنیه آن امام همام ابوالحسن^۱ است.

دوران زندگی امام کاظم را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:
بخش اول: دوران قبل از امامت، یعنی از سال ۱۲۸ تا ۱۴۸ق؛ یعنی سال شهادت امام صادق^{علیهم السلام} (۲۰ سال).

بخش دوم: دوران بعد از امامت، یعنی از سال ۱۴۸ تا سال ۱۸۳ق.
(۳۵) امام کاظم^{علیهم السلام} ۴ سال داشت که حکومت ظالمانه بنی امية سقوط کرد و بنی عباس به سرکردگی ابوالعباس سفّاح به حکومت رسید. در بیست سالگی حضرت بود که منصور دوانیقی، پدر بزرگوارش امام صادق^{علیهم السلام} را به شهادت رساند و امام هفتم^{علیهم السلام} به امامت رسید. دوران امامت حضرت امام موسی کاظم^{علیهم السلام} مصادف با زمامداری غاصبانه چهار تن از خلفای عباسی بود. عباسیان که به صورت خزندگ، حیات سیاسی خود را در دوره خلافت امویان شروع کرده بودند با دو پشتونه دینی و دنیایی، حکومت را به دست گرفته، احزاب مدعی را یکی پس از دیگری از سر راه خود کنار زدند.

۱. در کتب اخبار، امام کاظم^{علیهم السلام} را به «ابوالحسن الاول» و از امام رضا^{علیهم السلام} به «ابوالحسن الثاني» و از امام هادی^{علیهم السلام} به «ابوالحسن الثالث» تعبیر می‌کنند، گرچه به امیر المؤمنین علی^{علیهم السلام} و امام زین العابدین^{علیهم السلام} نیز ابوالحسن می‌گویند.

سابقه دنیایی آنها اتکا به سابقه اشرافیت قریشی بود که ریشه در پیمان سیاسی و تجاری یک قرن گذشته اعراب داشت. سابقه دینی آنها نیز اتصال به خاندان نبوت و وراثت فاطمی و علوی بود که در دل مردم مؤمن حجاز و عراق و یمن و ایران ریشه دوانده بود.

عباسیان از خاندان عمومی پیامبر ﷺ «عباس» بودند و از خاندان مکی «هاشم» به شمار می‌آمدند و به همین سبب، ادعای حقانیت خود را برای خلافت در چشم مؤمنان می‌آراستند. با این همه، پس از استقرار حکومتشان، با علیوان همان رفتاری را کردند که پیش از آنها خاندان اموی کرده بودند.

عباسیان در مقابل مقام الهی اهل بیت ﷺ که شایستگی آنها را برای امامت و خلافت به اثبات می‌رساند، خود را بنی اعمام رسول اکرم ﷺ دانسته، این گونه استدلال می‌کردند که در زمان رحلت پیامبر ﷺ عباس، عمومی او زنده بود و با وجود او حقی برای فرزندان عمومه‌ای دیگر رسول خدا ﷺ باقی نمی‌ماند؛ حال آنکه شیعه برای اثبات امامت هرگز به قانون وراثت توجهی نداشت، بلکه نصوص واردہ از پیامبر ﷺ و امام سابق ﷺ را در رابطه با تعیین امام بعدی شرط امامت ائمه اثنی عشری می‌داند.

ده سال از دوران امام کاظم ﷺ در عصر منصور گذشت؛ کسی که در حسادت و کینه نسبت به خاندان وحی بی‌مانند بود. ده سال از عمر شریف امام هفتم ﷺ نیز در عصر مهدی عباسی گذشت و پس از آن یک سال را در عصر هادی عباسی گذراندند که هر کدام از آنها نیز سخت‌گیری‌هایی را داشته‌اند.

چهارده سال پایانی امامت آن حضرت در عصر هارون الرشید سپری شد که دورانی بسیار سخت و جانکاه بود و اغلب امام ﷺ در حبس و زنجیر و شکنجه به سر بردن.

ابن اثیر سبب زندانی شدن امام کاظم ﷺ را این چنین نقل می‌کند:

هارون الرشید در رمضان ۱۷۵ق. به قصد حج عمره به مکه می‌رفت که در سر راه خود به مدینه آمد و وارد روضه رسول خدا ﷺ شد. پس از زیارت مرقد مطهر برای جلب توجه مردم در رابطه با نسب خویش به رسول خدا ﷺ این چنین سلام داد: «السلام عليك يا رسول الله يابن عم؛ سلام بر تو ای رسول خدا، ای پسر عموم». در این هنگام، موسی بن جعفر که در آن مجلس بود، پیش آمد و خطاب به رسول خدا ﷺ فرمود: «السلام عليك يا ابه؛ سلام بر تو ای پدر.»

با شنیدن این سخن رنگ از رخسار هارون پرید و خطاب به امام کاظم ﷺ گفت: «هذا الفخر يا ابالحسن جدًا؛ به واقع این مایه افتخار است يا ابالحسن.»^۱

سپس هارون دستور دستگیری امام ﷺ را صادر و آن حضرت را روانه زندان کرد. سرانجام امام کاظم ﷺ در ۵۵ سالگی در زندان هارون مسموم شدند و به شهادت رسیدند.

فضائل نجمه خاتون مادر حضرت معصومه

نجمه خاتون، انسانی با فضیلت، استثنایی و مورد توجه امام معصوم ﷺ بوده است. حضرت امام موسی کاظم ﷺ با بهره گیری از معرفت غیبی برای خرید او اقدام کردند و دست تقدير الهی او را از نقطه‌های دور مغرب زمین به

۱. الصواعق المحرقة، ص ۲۰۴.

مدينه منوره آورد تا اين رهگذر، مدار افتخار خدمت به ولایت و امامت و همسري امام هفتم به ايشان اعطا شود.

در روایتی درباره اين بانوی گرامی چنین آمده است:

حضرت امام موسى بن جعفر علیه السلام وقتی که نجمه را خريد به گروهی از أصحابش فرمود: «سوگند به خدا اين کنيز را جز به امر خداوند نخريدم» اصحاب پرسيدند چگونه؟ در پاسخ فرمود: خواب دیدم جدم و پدرم نزد من آمدند و پارچه حريری با خود آوردن و آن پارچه را گشودند، دیدم پیراهنی است که در آن عکس اين کنيز نقش بسته است و فرموند: اى موسى! بهترین شخص روی زمين از صاحب اين عکس برای تو به دنيا خواهد آمد.^۱

همچنين هشام بن احمر می‌گويد:

روزی امام موسى بن جعفر علیه السلام من را خواست و پرسيد آیا می‌دانی قافله ای از مغرب آمده است؟ گفتم: نه. حضرت فرمود: آری مردی قافله ای را از مغرب آورده است، برخیز برویم که می‌خواهم کنيزی بخرم. هشام می‌گويد: چون بیرون آمدیم مردی را دیدم که از مغرب آمده و کنيزانی دارد. حضرت فرمود: آنان (کنيزان) را بر من عرضه کن. او هفت کنيز را به حضرت نشان داد و هر بار آن حضرت فرمودند: نيازی به آن ندارم. سپس حضرت فرمود: کنيز دیگری داري، او را عرضه کن، آن مرد پاسخ داد: جاريه بيماري دارم. حضرت فرمود: مانعی ندارد، آن را بياور. مرد مغربی امتناع کرد و آن حضرت برگشت.

۱. عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷-۱۸؛ مرآة العقول، ج ۶، ص ۷۴.

۲. عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰.

۱. متهی الآمال، ج ۲، ص ۴۵۹.

فردای آن روز حضرت دواره مرا طلبید و فرمود: نزد مرد کنيز فروش برو و به او بگو آخرين قيمت کنيز بيمار چقدر است و هر قيمتی که گفت به او بده و آن کنيز را بخر.

هشام می‌گويد: نزد بده فروش رفتم و به او گفتم آخرين قيمت کنيز را چقدر در نظر داری؟ گفت حقیقت اين است که اين بده را کمتر از فلان مبلغ نمی‌فروشم. هشام می‌گويد: کنيز را به همان قيمت خريدم. وقتی تحويل گرفتم، بده فروش گفت: کسی که دیروز همراه تو به اينجا آمد، چه کسی بود؟ گفتم: مردی از بنی هاشم، پرسيد: از کدام قبيله؟ گفتم: بيش از اين نمی‌دانم، چرا درباره ايشان می‌پرسی؟ گفت: اين کنيز را از يكی از شهرهای مغرب خريدم، در راه با زنی از اهل كتاب برخورد كردم، پرسيد اين کنيز که همراه توست، کیست؟ گفتم: او را برای خودم خريده ام. آن زن گفت: امكان ندارد اين کنيز نزد امثال او بماند، بلکه او نزد بهترین شخص روی زمين خواهد رفت و پس از اندکی فرزندی از او به دنيا خواهد آمد که در شرق و غرب جهان بهتر از او نیست.^۱

به همين جهت، لقب «طاهره» نشان اعطائي امام موسى بن جعفر علیه السلام به اين بانوی بزرگوار است. پس از آنکه على بن موسى الرضا علیه السلام به دنيا آمد، امام کاظم علیه السلام او را «طاهره» ناميده، زيرا مهد پرورش حجت خداست.^۲

نامهای مادر حضرت معصومه 

مردان و زنان عرب، علاوه بر اسم و لقب، دارای کنیه نیز می‌باشند. در روایات برای نجمه خاتون نامهای متعددی نقل شده؛ از جمله: نجمه،^۱ تُکَّتم،^۲ طاهره، اروی، سمان و سکن النوبیه.^۳ کنیه ایشان «ام البنین» است و القابی مانند: صقر، شقراء النوبیه، خیزان المرسیه^۴ نیز دارد.

راز و نیاز

آن بانو بعد از بهبودی از بیماری، با راهنمایی های امام موسی بن جعفر  برای زندگی خود برنامه ریزی دقیق و سازنده‌ای تنظیم کرد؛ به طوری که قسمتی را به عبادت و راز و نیاز با خداوند، قسمتی را برای انجام امور داخلی خانه و شوهرداری و قسمتی دیگر را برای فراغیری معارف و احکام دینی اختصاص داد. این بانوی بزرگوار خود را در راهی قرار داد که نهایت و مقصد آن رسیدن به کمال معنوی و انجام مسؤولیتی بزرگ، یعنی همان پرورش فرزندان بزرگوار خود بود و در این راه به قله معرفت نائل گردید.

۱. همان؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲. عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰.

۳. همان؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۵.

۴. مسنده الرضا، ص ۱۴.

کسب معارف

نجمه خاتون، علاوه بر کسب علم و معرفت و آشنایی با اصول و فروع دین نزد امام هفتتم  هر روز در ساعتهای مشخص، نزد حمیده خاتون مادر گرامی امام کاظم  رفته، از محضر آن بانوی بزرگوار معارف و احکام دین را فرا می‌گرفت. استاد بزرگوارش (حمیده خاتون) بانوی آگاه و حدیث‌شناس بود و از اساتید مجتمع علمی بانوان عصر امام صادق  به شمار می‌آمد. از آن سو نجمه خاتون نیز با اشتیاق کامل، مسائل مربوط به مبدأ و معاد و هر آنچه را که در سعادت انسان نقش داشت و او را در انجام وظائف شرعی کمک می‌کرد از محضر مادر گرامی امام کاظم  می‌آموخت.

استعداد فراوان و علاقه زیاد به علم آموزی در نجمه خاتون باعث شد تا ایشان در اندک مدتی به پیشرفت چشم‌گیری دست یابد و از نظر علم و کمال به درجات عالی برسد.

نجمه خاتون الگوی ادب و احترام

این بانوی عظیم الشأن بسیار مؤدب بود؛ چنانکه در این باره آمده است: آن حضرت به مولایش حمیده مادر امام کاظم  احترام خاصی می‌گذاشت تا آنجا که از زمانی که کنیز حمیده شده بود برای احترام و تعظیم به ایشان هرگز جلوی حمیده نمی‌نشست و در مقابل ایشان فقط می‌ایستاد.^۱

۱. عيون اخبار الرضا، ص ۴۷.

حتی منزلش به جای رسید که حمیده در توصیف ایشان فرمود: «من هرگز جاریه‌ای با فضیلت‌تر و بهتر از او ندیده‌ام.»^۱

وفات و مدفن

در مورد سال وفات، محل دفن و مزار نجمه خاتون در منابع تاریخی و روایی مطلبی یافت نمی‌شود، ولی به احتمال قوی چند روز بعد از ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دار فانی را وداع گفته است.

براساس آنچه که نزد گروهی از مردم مدینه شهرت پیدا کرده، احتمال می‌رود قبر آن بانو همراه قبر حمیده خاتون در مشربه «ام ابراهیم» باشد؛ به طوری که تا چند دهه قبل، سه سنگ قبر وجود داشته که یکی از آنها را متعلق به نجمه خاتون دانسته اند. البته تاکنون مشربه ام ابراهیم با دیواری بلند محاصره شده است. از طرفی این مکان، همواره مورد توجه شیعیان به خصوص ایرانیان قرار داشته و دارد و زائران پیامبر گرامی خدا علیه السلام معمولاً بعد از استقرار و خارج از زیارت دوره به این مکان مقدس شتافته، در پشت در بسته می‌ایستند و به دعا و راز و نیاز می‌پردازند.^۲

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و خلفای معاصر

دولت عباسی از سال ۱۳۲ق. با به خلافت رسیدن ابوالعباس سفّاح تأسیس

۱. همان، ص ۴۹.

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۲۱۲.

شد و تا سال ۱۶۶ق. ادامه داشت. خلفای معاصر حضرت معصومه عبارتند از: هارون الرشید، امین و مأمون.

سید جعفر مرتضی عاملی می‌گوید:
عباسیان ناگزیر بودند که میان انقلاب خود و اهل بیت علیهم السلام خط ربطی

ترسیم کنند؛ به چند دلیل:

اول اینکه بدین وسیله توجه فرمانروایان را از خویشتن به جای دیگر منصرف می‌کردند.

دوم اینکه مردم بیشتر به آنان عتماد می‌کردند و از پشتیبانی‌شان برخوردار می‌گردیدند.

سوم آنکه دعوت خود را بدین وسیله از ابتذال و برانگیختن شگفتی مردم می‌رهانیدند.

چون در سرزمین‌های اسلامی از شهرت آنچنانی برخوردار نبودند و مردم نیز برای هیچ یک از آنان بر خلاف علویان، حق دعوت و حکومت را نمی‌شناختند. به این جهت، با وجود علویان، دعوت عباسیان اگر به سود خودشان آغاز می‌شد امری فریب کارانه و به اصطلاح امروزی عوام فریبی وانمود می‌کرد.

چهارم اینکه می‌خواستند اعتبار علویان را به خود جلب کنند و این از همه مهم‌تر بود. در واقع این گونه جلوه می‌دادند که مبلغ علویان هستند و آنها را بدین وسیله خانه‌نشین می‌کردند و از تحرک باز می‌داشتند.^۱

۱. سید جعفر مرتضی عاملی، *الحياة السياسية للامام الرضا عليه السلام*، ص ۳۵.

هجرت حضرت فاطمه معصومه

اسلام با صراحة دستور می‌دهد که اگر در محیطی، به خاطر عواملی نتوانستید به وظیفه خود عمل کنید، به منطقه و محیط دیگری هجرت نمایید. از طرفی روشن است که این حکم مخصوص پیامبران یا پیامبر خاتم ﷺ نبوده است، بلکه قرآن، هجرت را مایه پیدایش آزادی و آسایش می‌داند:

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي أَنَّوْمَانِ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَتَبْوَثُنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جُرْمًا أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۱

(کسانی که پس از ستم دیدن، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه و مقام خوبی به آنها می‌دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند). منظور از جایگاه خوب و مناسب، جامعه اسلامی و پاکی است که در آن جز خدا پرستش نشود و عدالت و نیکوکاری در آن حکم فرما باشد. در حقیقت، علت مهاجرت مؤمنان، تشکیل چنین جامعه‌ای بوده است. هجرت، آثار و برکاتی دارد که اگر در راه خدا باشد حتی اگر مرگ، آن فرد را فرا گیرد اجرش با خداوند منان است:

﴿وَمَنْ يَهْاجِرْ فِي سَبِيلِ اللهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرْعَماً لَيْلَهُ وَسَعَهُ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكَهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللهِ وَكَانَ اللهُ عَفُورًا رَّحِيمًا﴾^۲

۱. سوره نحل، آیه ۴۱.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

(و کسی که در راه خدا هجرت کند تقاطع امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد، و کسی که از خانه اش به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او بیرون رود سپس مرگش فرار سد پاداش او بر خداست و خداوند آمر زنده و مهربان است).

هجرت در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که هجرت پیامبر خدا ﷺ مبدأ تاریخ اسلام انتخاب شده است، در حالی که ولادت، بعثت، رحلت و ابلاغ ولایت و سایر مناسبت‌های دیگری هم در اسلام اتفاق افتاده، ولی به عنوان مبدأ تاریخ اسلام به شمار نیامده است.

پیامبر ﷺ در فضیلت هجرت فرموده‌اند:

کسی که برای حفظ آیین خود از سرزمینی به سرزمین دیگر، حتی به اندازه یک وجب، مهاجرت کند، استحقاق بهشت می‌یابد و بار و همنشین محمد ﷺ و ابراهیم ﷺ خواهد بود.

توسعه موضوع هجرت در آیات قرآن، شامل هجرت حضرت فاطمه معصومه ﷺ نیز می‌باشد و از آنجا که فضای ظالمانه حکومت عباسی در مدینه عرصه را بر همه محبین اهل بیت تنگ کرده بود، حضرت معصومه ﷺ از باب ترویج احکام و علوم اسلامی و امثال آن احکام، از یک طرف و برخورداری از هوش سیاسی از طرف دیگر بر آن شدند تا مدینه را به سوی قم ترک نمایند. شاید بتوان گفت که آن فرهیخته بانو، هوشمندانه، رابطه امام رضا ﷺ و مأمون را زیر نظر داشت و تحلیل می‌کرد. در واقع، اطلاعات روابط و تحلیل آنها، حکایت از آن داشت که حکومت عباسی نقشه‌ای برای شهادت امام علی بن موسی الرضا دارد. از طرفی مأمون به خوبی می‌دانست محبین اهل بیت ﷺ با قیام عليه او زندگی را بر او تباہ خواهند کرد و می‌دانست که بعد از کشتن امین برادرش، خشم بنی عباس عليه او برانگیخته شده است، لذا در پی

این نیرنگ بود که با ولایت عهدی امام رضا علیه السلام نظر شیعیان و در حد توان، علویان را به خود جلب کند و از خیزش آنها جلوگیری کند. از سوی دیگر، مأمون هنگامی که بر حکومت مسلط شد، در صدد شهادت امام رضا علیه السلام برآمد تا بدین وسیله نگرانی بنی عباس را برطرف کند و با خشونت شدید اهل بیت علیه السلام را تحت فشار قرار دهد، لذا هوشیاری و خردورزی حکم می‌کرد تا فاطمه معصومه علیه السلام و برادرانش مدینه را ترک کرده، به سوی ایران هجرت کنند.

تقدیر الهی بر آن امر تعلق گرفت که بعد از هجرت امام رضا علیہ السلام در سال ۲۰۰ هجری و پذیرش ظاهری ولایت عهده، حضرت موصومه علیہ السلام یک سال بعد از آن نامه ای را از برادرش دریافت کرد. امام رضا علیہ السلام آن نامه را به یک غلام سپرد و دستور داد که در هیچ مکانی توقف نکند تا در کمترین زمان این نامه را به مدینه منوره برسد. آنگاه نشانه خانه حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام نیز به او داد تا از کسی در مورد آن سؤالی نپرسد. آن غلام نیز خود را به مدینه رسانید و نامه را به حضرت فاطمه موصومه علیہ السلام داد. آن حضرت نیز به محض رسیدن نامه امام هشتم علیہ السلام خود را برای سفر آماده کرد،^۱ گرچه متأسفانه از مضمون نامه هیچ خبری به ما نرسیده است.

هجرت ایشان را به قم په دو گونه می‌توان تحلیل کرد:

۱. جسمه جوشان کوثر، ج ۱، ص ۴۴.

۱. کریمه اهل بیت علیہما السلام، ص ۴۹۳، به نقل از من لا یحضره الخطیب، ج ۴، ص ۴۶۱.

دڙِ عصمت

۱. قمی‌ها از پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند و آن حضرت نیز قمی‌ها را می‌شناخت و سال‌ها قبل، پاسخ پرسش‌های شرعی آنان را نگاشته بود. از طرفی روایات متعددی در فضیلت قم و قمی‌ها از اجداد طاهرینش شنیده بود و می‌دانست که مبارزه قمی‌ها با دستگاه جبار خلافت عباسی، شهره آفاق اسلام است.

قم، پایگاه ستم ستیزان و آشیانه شیفتگان و عاشقان اهل بیت علیهم السلام بوده، از این رو، آن حضرت راهی قم شد تا از مشکلات و سختی های بیشتری که مخالفان اهل بیت علیهم السلام و دست نشاندگان خلافت عباسی برای ایشان پدید می‌آورند، برهد و آنجا را به عنوان پایگاهی مناسب و زمینه‌ای آماده برای اقدامات خدمتی داد.

از مدنیه به قصد فطہ طوسی

هروی خسته پاست مخصوص

گرچہ نشکستہ سینہ و یہلو

در دلش داغه است محظوظ

داغ زهرا و داغ اجدادش

وارث کریلیست محمد وہا

۲. علت ورود آن حضرت را به قم باید فراتر از عوامل مادی دانست. بر پایه برخی از روایات آن حضرت پس از احساس نالمنی و مریضی در ساوه فرمود:

«مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که شهر قم مرکز شیعیان ماست.»^۱

این حدیث نشانگر آن است که روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام در انتخاب مقصد هجرت ایشان تأثیر داشته است، بلکه حضرت معصومه علیها السلام در اندیشه آینده تسبیح و آینده قم به عنوان یکی از بزرگترین کانون‌های تولید اندیشه و معنویت اسلام بودند.

به هر حال وقتی که آن حضرت در ساوه بیمار شدند، در این هنگام از قم و فاصله آن با ساوه پرسیدند و دستور دادند او را به قم بیاورند، بدین گونه خود را به قم رسانند و در این سرزمین مدفون گشتنند.

این جریان به خوبی روش می‌کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته‌اند، از این رو خود را با شتاب به این سرزمین رسانند و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه‌ریزی کردن.

حتی بررسی سطحی فضیلت‌ها و زندگی و شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به آدمی اطمینان می‌بخشد که ایشان نسبت به این دست از مسائل کاملاً آگاه بوده‌اند. لقب «معصومه» را که حضرت رضا علیه السلام به ایشان داده از شواهد این ادعاست. در واقع از این زاویه حضرت معصومه علیها السلام را می‌توان به حضرت زینب علیها السلام تشبیه کرد که به امام سجاد علیه السلام فرمود: «نگران می‌باش در آینده کربلا و قتلگاه سرور شهیدان، حسین بن علی علیها السلام مزار و مطاف حق طلبان و مردمان فراوان و مرکز خیر و برکت خواهد شد.»^۲

۱. تاریخ قم، ص ۳۰۸.

۲. ترجمه نفس المهموم، ص ۴۹۴.

از نگاه دیگر می‌توان گفت حضرت رضا علیه السلام می‌خواستند قم را به پایگاهی عظیم و جاودان برای تسبیح تبدیل کنند، از این رو هم خواهر بزرگوارش فاطمه معصومه علیها السلام را به قم رهنمون ساخت هم از زکریا بن آدم که از دانشوران بزرگ جهان اسلام و از رجال عظیم الشأن شیعه بود خواست در قم بماند و در رشد و بالندگی معنوی و علمی مردم آن دیار بکوشد. خلاصه اینکه آن حضرت با ورودشان به قم، آینده قم را رقم زند و محوریت این شهر را برای تسبیح ماندگار ساختند.

نباید از نظر دور داشت که زندگی به ظاهر کوتاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشحون از دردها و رنج‌ها و حوادث اندوه‌گینی است که کمتر بانوی با این سن و سال تاب و تحمل آن را دارد.

اسارت و دوری از پدر و شهادت آن حضرت به دستور هارون الرشید در زندان در سال ۱۸۳ ق و بعد از آن، دوری از برادر و امام و ولی و صاحب امرش امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که به دستور مأمون در سال ۲۰۰ سفری تبعیدگونه را به آن امام همام تحمیل کرد مزید بر علت بود.

این بانوی عظیم الشأن پس از تحمل غم و اندوه فراوان، نامه‌ای از محبوب خود دریافت نمود و تحمل رنج سفر به دیار غربت را بر خود هموار ساخت و به همراه تنی چند از برادران و برادرزادگان و غلامان و کنیزان، راه مرو را در پیش گرفت.

در این سفر طولانی، وقتی به شهر ساوه رسیدند، بنا به نقلی دشمنان اهل بیت علیها السلام به همراه مأموران حکومتی به کاروان آل رسول حمله کردند و تعدادی از همراهان و برادران آن حضرت را به شهادت رسانند.

سراججام غم هجران علی بن موسی الرضا علیه السلام و سنگینی این واقعه و فشار و اندوه از دست دادن همراهان، ایشان را به سختی بیمار کرد، از این رو به خادم خود فرمود: «مرا به شهر قم ببرید.»^۱

در واقع هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم و دفن ایشان در این شهر مقدس یک حادثه تصادفی نبود، بلکه از پدیده‌های مهم آن دوران بود که با دقت بسیار برنامه ریزی شده بود، از این رو می‌توان هجرت ایشان را مهاجرت حضرت رضا علیه السلام به مرو و از پاره‌ای زوایا به هجرت امیر مؤمنان از مدینه به کوفه و حتی هجرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه تشبيه کرد.

چگونگی رحلت حضرت معصومه علیها السلام

حضرت معصومه علیها السلام پس از هفده روز عبادت و انس با معبدود در شهر شیعه نشین قم و در منزل موسی بن خرچ، بزرگ خاندان اشعری، در اثر شدت بیماری و به مصدق فرموده قرآن کریم بِيَأْنَهَا أَنَّقُسْ الْمُطَمَّنَةُ أَرْجِعْ إِلَيْكَ رَأْيِنَةَ مَرْضِيَّةَ^۲ در حالی که راضی به قضای ربوبی و مرضی الهی بود با نفسی مطمئنه به دیدار رب خویش شتافت.

بعد از وفات آن حضرت، شهر قم غرق در ماتم و غم شد. مردم بعد از غسل و کفن ایشان، پیکر مقدس آن بانوی الهی را به سوی باغ بابلان که متعلق به موسی بن خرچ بود تشییع کردند.

۱. تاریخ قم، ص ۳۰۸.

۲. سوره فجر، آیات ۲۷-۲۸.

البته مؤلف بحر الانساب، علت بیماری آن حضرت را مسموم شدن ایشان در ساوه در اثر سمی که به بانوان کاروان داده شد می‌داند.^۱

مؤلف تاریخ قم نیز از حضور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در شهر ساوه خبر داده است که با کاروانی جهت ملاقات برادرش، از مدینه راهی مرو بود و در ساوه بیمار شد و سپس به قم آمد.^۲

صاحب ریاض الانساب هم می‌گوید:

اما سنتی فاطمه، ملقب به معصومه خاتون دختر امام کاظم علیه السلام در علوّ مرتبه زیاده از حد بیان است، در سال دویست و یک هجری زمان ولایت عهدی حضرت امام رضا علیه السلام با برادران خود فضل و علی و جعفر و هادی و قاسم و زید با بعضی از برادرزادگان و چند خدمه از بغداد به عزم دیدار برادر، عازم خراسان شد. بعد از طی طریق، چون به شهر ساوه - که یک منزلی قم است - رسیدند ملحdan ساوه خبر شدند؛ در صدد برآمده با امام زادگان محاربه کردند. آخرالامر، تمامی امامزادگان که ۲۳ نفر بودند شهید شدند. چون اهالی قم خبر یافتدند، بستافتند، [اما] وقتی رسیدند که امامزادگان شهید شده بودند، [پس] آنها را دفن نموده، سنتی فاطمه را با خدم و حشم به شهر قم بردند.^۳

همچنین جعفر مرتضی عاملی بر این عقیده است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در این تهاجم به دست عباسیان مسموم شده است.^۴

۱. بحر الانساب، ص ۸۳.

۲. تاریخ قم، ص ۳۰۹.

۳. ریاض الانساب و مجمع الالقب، ج ۲، صص ۱۵۹-۱۶۰.

۴. الحیاة السیاسیة للامام الرضا علیه السلام، ص ۴۲۸.

در کتاب «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی» نیز به مسمومیت کریمه اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است.^۱

به هر حال، آن حضرت به جهت دیدار امام زمان خود، عزم سفر نمود و سختی راه را به جان خرید و با پیمودن مسافتی طولانی از بیابان‌های گرم و سوزان سرزمین‌های حجاز گذشت و شهیده راه ولایت گردید، زیرا «الا من مات علی حب آل محمد علیهم السلام مات شهیداً».^۲

مواسم دفن

هنگام دفن حضرت معصومه علیها السلام آل سعد بر سر کسب افتخار تدفین و دیعه آل طه علیهم السلام به گفت و گو پرداختند و بالاخره تصمیم گرفتند، این کار را به پیرمرد صالحی به نام « قادر » بسپارند و چون او حاضر نبود، مردم در انتظار آمدن آن پیرمرد مؤمن بودند که ناگاه دو سوار را دیدند که با روی پوشیده از جانب ریگزار به سوی آنان می‌آیند، آنگاه چون به نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شدند و بر جنازه حضرت معصومه علیها السلام نماز خوانند و پیکر مطهرش را داخل سردابی که مهیا شده بود به خاک سپرندند و رفتند و کسی هم آنها را نشناخت.

۱. جغرافیای تاریخ سرزمین‌های شرقی، ص ۲۲۶.

۲. این حدیث از جمله احادیث نقل شده حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که مشهور به حدیث فاطمیات است. (این روایت را زمخشری در تفسیر کشاف خود ذیل آیه شریفه

﴿فَلَا أَنْتَ لِكُمْ عَلَيْهِ أَجْرٌ إِلَّا الْمَوْهَةُ فِي الْقُرْبَى﴾ آورده است.)

در این رابطه، صاحب تاریخ قم چین می‌نویسد:

و روایت کرد مرا «حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه» از «محمد بن حسن بن احمد بن الولید» که او را روایت کردند که چون «فاطمه» را وفات رسید، بعد از غسل و تکفین او را به مقبره «بابلان» بر کنار سردابی که از برای او ترتیب کرده بودند، حاضر آوردند. آن سعد با یکدیگر خلاف کردند در باب آنک سزاوار است که در سرداب رود؟ و «فاطمه» را بر زمین بنهاد و دفن کند.^۱

در میان این گفت و گویی، از جانب رمله^۲ دو سوار برآمدند، دهن بسته و روی بدین مردم نهادند. چون به نزدیک جنازه «فاطمه» رسیدند، از اسب فرود آمدند و بر «فاطمه» نماز گزارند و در سرداب رفته و «فاطمه» را دفن کردند، پس از سرداب بیرون آمدند و برنشستند و بر فرتند و هیچ کس معلوم نشد که آن دو سوار که بودند.^۳

به قول مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی جهانگیر هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصوم بوده‌اند که برای این امر مهم به قم آمده بودند.^۴

۱. «ط»: سزاوار است که محرومی در سرداب رود و فاطمه را در قبر بگذارد.

۲. «ط»: جانب قبله.

۳. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۹۰.

۴. فروغی از کوثر، ص ۳۵.

سه نکته درباره دفن حضرت فاطمه معصومه

نکته اول: دفن حضرت به طور خاص؛ یعنی آمدن ناگهانی دو شخصیت ناشناخته برای دفن آن بزرگوار است که در منبع معتبری چون تاریخ قم آمده است؛ همان طور که امام موسی بن جعفر علیهم السلام به نیشابور آمدند و در مراسم بانو شطیطه شرکت کردند.^۱

به تعبیر دیگر، همان طور که امیر مؤمنان علیهم السلام خودشان عهده‌دار مراسم غسل و کفن فاطمه زهراء علیهم السلام شدند^۲ و مریم صدیق را خود عیسی بن مریم غسل داد^۳ دو سوار نقابدار ناشناخته برای اهل قم که برخی احتمال داده‌اند آن دو، حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام بوده اند برای دفن حضرت معصومه علیهم السلام حاضر شدند و این از فضیلت‌های بزرگ آن حضرت به شمار می‌آید.

نکته دوم: گفت و گو و اختلاف میان شیعیان قم درباره کسی که می‌خواهد فاطمه معصومه علیهم السلام را دفن کند، نشانگر آن است که اهل قم برای ایشان بسیار احترام قائل بوده اند و مقام و منزلتش را ارج می‌نهادند، و گرنه یک زن غریب مسافر چه اهمیتی دارد که بحث شود چه کسی او را دفن کند. بلکه این گفت و گو و اختلاف نظر میان شیعیان، نشانگر آن است که مردم قم، حق آن حضرت را تا حدودی می‌شناخته و از مصادیق «عارفًا بحقها» بوده‌اند.

۱. وسیله المعصومیه، ص ۶۵؛ منتخب دریای سخن، ص ۳۴.

۲. مستدرک سفینة البحار، ج ۸، ص ۲۵۷؛ کریمه اهل بیت، ص ۱۰۶.

۳. حیاتُ السَّتَّ، ص ۸.

۴. ر.ک: الیاس محمدبیگی، برگی از تاریخ قم، صص ۴۲-۳۷.

۱. الخرائج والجرایح، ص ۲۹۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، صص ۴۵۷-۴۵۸.

۳. همان.

نکته سوم: در آن زمان در قم چند قبرستان بوده است و زنان و مردان شیعه نیز در همان قبرستان‌ها مدفون می‌شده‌اند، پس دفن آن حضرت در محلی خاص و نه در سایر قبرستان‌ها نشانگر اهمیت خاصی است که مردم قم به ایشان می‌داده‌اند.

تاریخ وفات

سال وفات حضرت فاطمه معصومه علیهم السلام ۲۰۱ هجری قمری است و قول دیگری نقل نشده، بلکه حتی بر کاشی مرقد مطهر نیز همان ثبت شده است. ولی در مورد روز وفات سه قول مطرح بوده است: دهم ربیع الشانی،^۱ دوازدهم ربیع الشانی^۲ و هشتم شعبان.^۳ البته در تحقیقی که آستان مقدس در ابتدای قرن چهاردهم (مجموعه مکاتبات تولیت از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۷ شمسی) انجام داده و در کتاب «برگی از تاریخ» مربوط به اسناد و مکاتبات تولیت در تاریخ مذکور است، از ۱۷ شعبان سال ۲۰۱ بنا به نقلی از کتاب «ریاض» شیخ حر عاملی سخن به میان آمده است.

در این مورد، حتی با مرحوم حاج شیخ عباس قمی علیه السلام مکاتبه‌ای جهت صحت و سقم مطلب انجام گرفته،^۴ ولی ظاهراً جوابی از ایشان دریافت نشده یا اگر جوابی آمده در دسترس ما نیست.

در سال‌های اخیر نیز آستان مقدس بین دهم و دوازدهم ربيع الثانی را جمع کرده و سه روز متوالی مجالس سوگواری با عنوان «ایام معصومیه» برگزار می‌کند.

بحثی درباره ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

نکته اصلی در این‌باره این است که یقیناً حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج نکرده‌اند که علت آن را در چند احتمال می‌توان جست‌وجو نمود:

۱. احتمال اول: اینکه حکام بنی عباس به خصوص هارون الرشید برای حفظ خلافت و حاکمیت خویش در جامعه، چنان خفقان و اختناقی ایجاد کرده بودند که به قول معروف شمشیر را از رو بسته بودند و با برخوردهای ستمگرانه و بی‌رحمانه و خشن، جامعه‌ای وحشتناک و رعب‌آور ساخته بودند و این مسئله می‌توانست در روابط اجتماعی بین مردم تأثیر به سزاگی بگذارد. با این اوصاف و اوضاع، کسی جرأت نداشت به در خانه امام کاظم علیه السلام مراجعه کند و مردم از اینکه با یکی از دختران آن حضرت ازدواج کنند می‌ترسیدند. از طرف دیگر در ازدواج فرزندان، پدر، نقش به سزاگی دارد، ولی با توجه به اینکه امام هفتمن همیشه تحت مراقبت یا بازداشت بود، این عدم حضور پدر در خانه، مشکلی به مشکلات اضافه می‌نمود.

خلاصه اینکه سرکوبی بی‌رحمانه حکومت عباسی یکی از موانع ازدواج حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بوده است و سیره پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام بر این بوده که پیروانشان را به امر ازدواج تشویق می‌کردند و قاعده هم آن است

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام ازدواج کند، ولی به خاطر ستم‌هایی که بر خانواده و ایشان از ناحیه حکومت روا می‌شد زمینه ازدواج برای حضرتش فراهم نشد. مگر قاعده این گونه نبوده و نیست که فاطمه زهراء علیها السلام روزانه و آشکارا غسل و کفن می‌شد و قبر مطهرش آشکارا می‌گردید، ولی ستم‌ها چه کرد؟ به این پرسش هم تاریخ باید جواب دهد که چرا فاطمه معصومه علیها السلام با آن که ازدواج، مستحب و یکی از سنت‌های مؤکد شریعت مقدس بوده است ازدواج نکرد؟

۲. احتمال دوم: در بحث عدم ازدواج آن بانوی بزرگوار این است که ایشان در دوران حیات خود «هم کفو» نداشته و به این جهت ازدواج نکرده است. این مطلب را عده‌ای از صحابان قلم و پژوهش از کتاب تاریخ قم گرفته و پسندیده‌اند؛ آنجا که گفته است: «همچنین به من رسیده است که رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند، زیرا کسی که همسر و هم کفو ایشان باشد نمی‌بافتند».^۱

مرحوم آیت الله ثقفی تهرانی در شعری به موضوع اشاره کرده است:

کفو تو را چون نکرد فلق فداوند ز آن ننمودی به عمر فویش شوهر

البته عده‌ای هم این احتمال و نقل را صحیح نمی‌دانند، بلکه می‌گویند: اولاً، سیره ائمه اطهار چنین نبوده که پیدا نشدن «هم کفو و هم سنگ» مانع ازدواج باشد.

۱. تاریخ قم، ص ۳۲۰، چاپ آستان مقدس.

ثانیاً در عصر حیات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام جوانان شایسته ای از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم کفو آن حضرت وجود داشتند.

۳. احتمال سوم: نیز وجود دارد که یعقوبی آن را چنین بیان کرده است: «موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش شوهر نکنند و هیچ یک از آنان شوهر نکرد، مگر ام سلمه و...».^۱

به اجماع، همه معتقدند که این کلام یعقوبی دارای خدشه است، چون خلاف سیره پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام است.

از طرفی متن کامل وصیت‌نامه آن حضرت موجود است که فرموده‌اند: و تنها در صورتی که فرزندم علی اجازه دهد هر یک از پسرانم مأذون اند خواهراشان را شوهر دهند، زیرا او به چند و چون ازدواج خویشان خود آگاه‌تر است و... نه برادران خواهرا و نه عموهای دخترانم و نه صاحب منصبی مجاز نیست دخترانم را به ازدواج کسی درآورد، مگر به اذن و دستور فرزندم علی و او از همه به ازدواج بستگان خود آشناتر است. از این رو اگر او خواست و مصلحت دید که یکی از آنان را شوهر دهد، می‌تواند چنین کند و اگر خواست شوهر ندهد، می‌تواند چنین کند...^۲

۱. ترجمه تاریخ یعقوبی، آیتی، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۱۵؛ بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۰ و ح ۴۹، ص ۲۲۵.

در این باره چند نکته قابل ذکر است:

۱. امام کاظم علیه السلام در این وصیت‌نامه، حجت را بر فرزندان و سایرین تمام می‌کند و علی بن موسی الرضا را با قاطعیت، وصی و جانشین خود قرار می‌دهد و به امام رضا علیه السلام اختیار تام می‌دهد تا جایی که حتی امر ازدواج خواهرا را به ایشان واکذار می‌کند و تبعیت از امام هشتم را برهمگان لازم می‌داند.
۲. احتمال دارد نسخه‌ای از وصیت‌نامه حضرت که در دسترس یعقوبی بوده، جمله «إلا يأذنه و أمره» افتاده باشد یا از روی سهوه جمله را نیاورده یا در نسخه‌ای از روی تقيه مطالب دیگری آمده باشد و سپس در دسترس یعقوبی قرار گرفته است، پس این احتمال، دارای چندین اشکال اساسی است. حتی برخی بحث خواستگاری مأمون از حضرت را علت ترک ازدواج یا هجرت بیان کرده‌اند^۱ که این هم مدرک و سندی ندارد.

در پایان بحث ذکر چند نکته ضرورت دارد:

۱. موضوع بسیار مهم، این است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران حیات پدرش کودکی ۶ ساله بوده که پدر روانه زندان شد و ۴ سال بعد که پدر به شهادت رسید، لباس عزا به تن حضرت بود. از طرف دیگر جو بسیار سنگین سیاسی و اجتماعی علیه خاندان نبوت و امامت، و آنگاه تبعید برادر به طوس، مجالی را برای ازدواج باقی نگذاشت و حتی شرایط بسیار عادی و ساده ای هم برای آنها فراهم نشد.

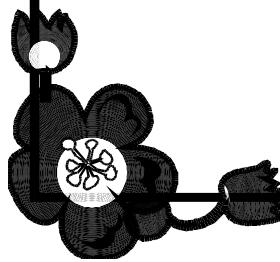
۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۲۰۵؛ گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۳۸۲؛ انجمن فروزان، ص ۵۹.

۲. روحیه ولایت پذیری و مطیع ولایت بودن حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و سایر فرزندان امام کاظم علیه السلام است، زیرا احکام و عقاید و اطاعت از ولایت در عمق جان آنها نفوذ کرده بود.

به بیان دیگر، شخصیتی مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در دامن امامت به دنیا می‌آید و در مکتب امامت پرورش و رشد می‌کند و خود مبلغ حدیث غدیر و ولایت است که اینها همه نشانه عظمت و بزرگی آن بزرگوار است، امکان ندارد خلاف وصیت پدر بزرگوارشان عمل کنند.

بخش دوم:

جایگاه علمی و فرهنگی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



حضرت موصومه علیکم نیز امام رضا علیهم السلام را در این مسیر همراهی می‌فرمود. بانوی کرامت با برگزاری جلسات علمی متعدد، نقش بزرگی ایفا کردند؛ به گونه‌ای که سلسله سند و محتوای احادیث آن حضرت گویای چنین مجالسی است.

نکته مهم اینکه در خاندان عصمت و طهارت و امامت، فرزندان توسط خانواده آموزش داده می‌شدند و علوم الهی را از پدر، مادر و برادر فرا می‌گرفتند. در عصر موسوی نیز این سیره حسنیه ادامه داشت و حضرت فاطمه موصومه علیکم از همان دوران کودکی به آموزش علوم دینی پرداخت. استعداد ذاتی، طهارت روح و برخورداری از استادان موصوم که به تعبیر قرآن کریم «وَالْسِعُونَ فِي الْعِلْمِ»^۱ که از علوم الهی بهره وافی دارند آن حضرت را به مرحله‌ای والا از کمال علمی رساند.

در سال ۱۹۹ق. سپاه جلویی برای دستگیری محمد بن جعفر بن محمد عازم مدینه شد. جلویی دستور داشت محمد را به قتل برساند و خانه‌های آل ابوطالب را در مدینه غارت کند. وقتی سپاه او به در خانه امام کاظم علیهم السلام رسید، امام رضا علیهم السلام تمام زنان را در یک اتاق جمع کرد و جلوی در خانه ایستاد. جلویی گفت: من ناچار باید داخل خانه شده، لباس‌های زنان را بگیرم و غارت کنم. امام علیهم السلام سوگند یاد فرمود که تمامی جامه‌های زنان را به او بدهد. آن حضرت پیوسته اصرار می‌کرد و مانع داخل شدن جلویی به خانه می‌شد. آنگاه امام علیهم السلام تمام لباس‌ها حتی خلخال‌ها و گوشواره‌ها و آنچه را که در خانه بود

۱. سوره آل عمران، آیه ۷۶.

در عصر استبداد هارون، فعالیت فرهنگی امام رضا علیهم السلام آغاز گردید، زیرا هارون به سبب خوفی که از عواقب شهادت امام کاظم علیهم السلام داشت، چندان متعرض امام رضا علیهم السلام نمی‌شد و حتی سعی می‌کرد خودش را از این جنایت تبرئه کند.

بعد از هارون، امین در دوران حکومت خود (۱۹۸-۱۹۳ق.) گرفتار اختلافات داخلی شد و در این زمان، فرصتی برای آزار امام رضا علیهم السلام پیدا نکرد، بنابراین فرصت خوبی برای فعالیت‌های فرهنگی امام رضا علیهم السلام ایجاد شد.^۲

در زمان خلافت هارون و مأمون، ترجمه آثار علمی بیگانگان به اوج خود رسید، زیرا مأمون می‌خواست در برابر مکتب اهل بیت علیهم السلام عرضه اندامی داشته باشد و بدین وسیله، مشتریان مکتب اهل بیت را کم کند و از فروغ آن بکاهد.^۳

امام رضا علیهم السلام در این شرایط، انقلاب فکری عمیقی ایجاد کرد و جامعه را از سقوط در گرداد خطرناک انحراف و التقطاط رهایی بخشید. همچنین پرده برداشت^۴ و فضائل اهل بیت علیهم السلام را آشکار کرد.

۱. سیره پیشوایان، ص ۴۷۲.

۲. همان، ص ۴۴۹.

۳. عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۶۳.

به جلوی داد.^۱

یقیناً در این حادثه دردناک یکی از حاضران و شاهدان عینی حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} بوده است.

این حادثه یادآور هجوم دردناک به در خانه فاطمه زهراء^{علیها السلام} و تداعی کننده دود و آتش و مسماز و سینه و پهلوی شکسته و بازوی کبود می‌باشد.^۲

حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} به مرحله‌ای از کمال علمی رسید که روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه‌ای نوشته، برای گرفتن پاسخ، روانه منزل امام کاظم^{علیه السلام} شدند، اما در آن زمان، حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} در سفر بودند و امام رضا^{علیه السلام} نیز در مدینه تشریف نداشتند. هنگامی که آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند از اینکه خدمت امام معصوم^{علیه السلام} نرسیده بودند و دست خالی و بدون پاسخ به سؤالات علمی و دینی خویش به وطن بر می‌گشتند بسیار اندوهگین بودند.

حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شده، پاسخ پرسش‌های آنان را نوشت و به آنها عنایت فرمود.

آنها نیز با گرفتن پاسخ سؤالات مدینه را با شادمانی ترک کردند. سپس در بیرون مدینه با امام کاظم^{علیه السلام} مواجه شدند و واقعه را به اطلاع آن حضرت رساندند و دست خط حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} را به امام^{علیه السلام} ارائه دادند.

۱. عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲. نگارش این مطلب مصادف با ایام فاطمیه ۱۴۳۵ق. می‌باشد.

حضرت امام کاظم^{علیه السلام} پس از مطالعه جواب سؤالات، شادی و ابتهاج و سرور و رضایت خود را با این جمله بیان فرمودند: «فداها ابوها»^۱ پدرش به فدایش.»

بر این اساس حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} در عصر خویش از بانوان داشتمند، محدث و پارسا به شمار می‌آمده است. با وجود نازارمی‌ها و ناملایمات فراوان، روایاتی که از آن بانوی مکرّمه به دست ما رسیده در محور اصول اعتقادی شیعه و تأکید بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} و تثبیت جایگاه رفیع غدیر در فرهنگ تشیع است.

نقل حدیث

حضرت معصومه^{علیها السلام} در حادترین شرایط سیاسی و پرخفقان‌ترین دوره از ادوار ائمه^{علیهم السلام} به سر می‌برده و دارای مقاماتی است که تا به امروز برای ما کشف نشده است. آنگونه که از کتب حدیثی استفاده می‌شود، ایشان دارای اجازه روایت بوده‌اند و در سلسله اسناد روایت، نام مبارکشان می‌درخشد. البته ما جز چند حدیث، چیزی از آن حضرت نمی‌یابیم یا اگر احادیثی از آن

۱. این مطلب را جناب حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر مهدی‌پور در کتاب کریمه اهل بیت^{علیهم السلام}، ص ۶۳ از مرحوم مستنبط از کتاب «کشف اللثالتی» نقل کرده‌اند که تا به حال به چاپ نرسیده است. گفته می‌شود نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شوشتاری‌های نجف موجود است.

بزرگوار نقل شده به علت فشار سیاسی و تحریم اندیشه شیعی، در کتب روایی ثبت نشده یا از بین رفته است.

به بیان دیگر، بانوی مجله‌ای که مقام معنوی و علمی ایشان برکسی پوشیده نیست و از جمله نادره‌های بانوان جهان اسلام به شمار می‌آیند و ائمه علیهم السلام زیارت‌ش را تأکید کرده‌اند، چگونه ممکن است از پدر و برادر امامش نقل حدیثی نداشته باشد.

مفاهیم روایات کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بر محور ولایت است و معانی زیر از آنها القاء می‌گردد.

۱. ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام.

۲. تشبیت جایگاه غدیر در فرهنگ تشیع.

۳. هشدار به جامعه از فراموشی روز غدیر خم.

۴. موقعیت علی بن ابی طالب علیهم السلام نسبت به پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم.

۵. برابری دوستی خاندان عصمت و طهارت با شهادت در راه خدا.

در ادامه بحث به ذکر احادیثی می‌پردازیم که از بانوی کرامت نقل شده است.

حدیث اول: یاد کرد غدیر فم

عن بکر بن احمد القصری، قال : حدثتنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا،

قالت: حدثتني فاطمه، زينب، ام كلثوم، بنت موسى بن جعفر الكاظم، قلن: ...

عن فاطمه بنت النبي صلوات الله عليه و آله و سلم عن النبي صلوات الله عليه و آله و سلم يوم غدیر خم:

«منْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهٖ»^۱ هر که من رهبر و مولای او هستم، پس علی مولای اوست.»

حدیث دوه: حماسه غدیر

قال شمس الدین ابوالخیر الجزری المقری الشافعی، فی کتابه «اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب»... .

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به نقل از حضرت زهراء علیها السلام می‌فرماید: آنسیتم قول رسول الله صلوات الله عليه و آله و سلم یوم غدیر خم «منْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَىٰ مَوْلَاهٖ» و قولة صلوات الله عليه و آله و سلم «انتَ مِنِي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسَىٰ عَلِيَّ»؛^۲ آیا کلام رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم را در روز غدیر فراموش کردید که فرمود: هر کسی که من مولا و رهبر او هستم، علی نیز مولای اوست، و آیا فراموش کردید که به علی علیهم السلام فرمود: یا علی، موقعیت تو نسبت به من، مانند هارون به موسی است.

حدیث سوه: دوستی آل محمد صلوات الله عليه و آله و سلم

... عن فاطمة بنت موسى بن جعفر علیهم السلام... عن فاطمة بنت رسول الله صلوات الله عليه و آله و سلم
قالت: قال رسول الله صلوات الله عليه و آله و سلم:

۱. احقاق الحق، قاضی سید نورالله حسینی مرعشی تستری، ج ۶، ص ۲۸۲. چاپخانه اسلامیه تهران.

۲. اسنی المطالب، ص ۴۹؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱، صص ۱۹۶-۱۹۷. (دارالكتاب العربي بیروت، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.)

«اَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبٍّ آَلَّ مُحَمَّدَ مَاتَ شَهِيدًا؟^۱ آگاه باشید هر که بر دوستی خاندان پیامبر ﷺ از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است.» زمخشیری مفسر اهل سنت این حدیث را در تفسیر خود ذیل آیه شریفه: «فَلَمَّا أَسْعَكُمْ عَيْنَهُ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَةُ فِي الْقُرْبَنِ^۲» آورده است. این روایت بلند و جامع، آذین‌بند ایوان طلای حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام است.

حدیث چهارم: فضائل شیعه

... حدثتنی فاطمه و زینب و ام کلثوم بنات موسی بن جعفر علیهم السلام ... عن فاطمه بنت رسول الله علیه السلام قالت: فاطمه معصومه علیها السلام به سند روایت دوم از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: در شب معراج، داخل بهشت شدم، آنجا قصری دیدم از در میان خالی که دارای دری بود آراسته به در و یاقوت و بر آن در پرده‌ای آویخته بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ، عَلَى وَلِيِ اللَّهِ؛ خَدَائِي جَزْ خَدَائِي يَگَانِهِ نَيْسَتِ، مُحَمَّدُ رَسُولُ خَدَائِسِ، وَ عَلَى وَلِيِ وَ صَاحِبِ اخْتِيَارِ (رَهْبَرِ) مَرَدَمِ اَسْتِ.»

-
۱. محمد رازی، آثار الحجه، ج ۱، ص ۸-۹؛ عوالم العلوم، ج ۲۱، ص ۳۵۴، ح ۳.
 ۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

بر پرده نوشته بود: «بَخْ بَخْ، مَنْ مِثْلُ شِيعَةَ عَلِيٍّ؟ بَهْ بَهْ، چَهْ كَسَى مَانَدَ شِيعَةَ عَلِيٍّ اَسْتَ؟»

داخل شدم، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری از نقره داشت که به زبرجد زینت شده بود و بر آن در، پرده‌ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده است:

«مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَى وَصِيَّ الْمُصْطَفَى؛ مُحَمَّدٌ فَرَسْتَادِهِ خَدَائِسَ وَ عَلَى وَصِيَّ مُصْطَفَى اَسْتِ.»

و بر پرده نوشته شده بود: «بَشَرٌ شِيعَةَ عَلِيٍّ بِطِيبِ الْمَوْلِدِ...؛ بَشَارَتْ بَدَهْ شِيعَيَانَ عَلِيٍّ رَأَهْ پَاكَ سَرْشَتَیِ.»

داخل شدم، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم، این قصر دری از یاقوت سرخ داشت که با مروارید زینت داده شده بود و بر آن در، پرده‌ای آویخته شده بود، سرم را بلند کردم، دیدم بر پرده نوشته شده بود: «شِيعَةَ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ شِيعَيَانَ عَلِيٍّ، هَمَانِ رَسْتَگَارَانِ اَنَّدِ.»

گفتم: ای حبیبم، جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: از آن پسر عم و جانشین تو علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت عربان و پابرهنه محشور می‌شوند، جز شیعیان علی و همه مردم را به اسم مادرانشان صدا می‌زنند، مگر شیعیان علی که به اسم پدرانشان صدا زده می‌شوند.

گفتم: ای جبرئیل! چرا چنین خواهد بود؟ گفت: چون اینها علی را دوست می‌دارند، لذا پاک سرشت هستند.^۱

۱. ابو محمد جعفر بن احمد القمی، مسلسلات، ص ۱۰۸؛ بحار، ج ۶۸، ص ۷۶-۷۷.

حدیث پنجم: طهارت امام حسین علیه السلام

... حدّتنی الحسن بن یزید عن فاطمة بنت موسی عن عمر بن علی بن الحسین، عن فاطمه بنت الحسین علیهم السلام عن اسماء بنت ابی بکر عن صفیه بنت عبدالمطلب قالت:

لَمَّا سَقَطَ الْحُسْنَيْنُ عَلِيَّلَهُ مِنْ بَطْنِ أُمَّهِ وَ كُنْتُ وَلِيَتُهَا قَالَ النَّبِيُّ عَلِيَّلَهُ: يَا عَمَّةً هَلْمَى إِلَىَّ ابْنِي، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِيَّلَهُ إِنَّا لَمْ نُنْظَفُهُ بَعْدُ، فَقَالَ عَلِيَّلَهُ يَا عَمَّةً أَنْتِ تُنْظَفِينَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ نُظَفَهُ وَ طَهَرَهُ!

فاطمه معصومه علیها السلام از عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و آله و آله صفیه نقل می فرماید:

آنگاه که امام حسین علیه السلام از مادر متولد شد، من پرستاری کودک را به عهد داشتم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و آله و آله فرمود: عمه! فرزندم را برای من بیاور. گفتم یا رسول الله، ما او را پاک نکرده‌ایم. فرمود: ای عمه! تو می‌خواهی او را پاکیزه گردانی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی او را پاکیزه گردانیده و مطهرش نموده است.

عظمت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

توصیف مستقیم ائمه علیهم السلام نسبت به جایگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱. صدقه، الامالی، ص ۱۱۷؛ بحار، ج ۴۳، ص ۲۴۳. (با کمی اختلاف در سند ولی متن روایت همین است). و آنچه که مهم است منبع اول است که نام مبارک حضرت معصومه در سند ذکر شده و دو نسخه خطی از امالی در کتابخانه حضرت به همین سند موجود است.

روشن ترین برهان برای شناسایی مقام معنوی آن حضرت است. اندکی تأمل در شرح حال آن بانوی بزرگوار، راز عظمت و جاودانگی و تفضل و عنایات پروردگار را بـر ما آشکار می‌سازد. طهارت و پارسایی آن حضرت، فروغ هدایت و جلوه حسنایی است که زینده‌ترین نقش انسانی را در نگارستان هستی با نسیم روح بخش معنویت بهشتی هویدا کرده و کویر جامعه بشری را با شمیم دلنواز عشق و معرفت ولای عطرآگین ساخته است.

معصومه آل طه علیها السلام یاس خوشبوی گلستان ولایت و امامت است؛ بانوی عظیم الشانی که تالی تلو معصوم علیها السلام و گنجینه بـینهایت الهی است و سرزمین قم به زلال قدسی خضورش روح معرفت و حیات طبیه یافته است. روایت شده است که قم، جای پای جبرئیل و آن جایی است که آبی جوشیده که هر کس از آن آب بنوشد از بیماری در امان باشد و از آن آب، گلی سرشه شد که با آن شکل پرنده^۱ (به دست عیسی مسیح علیها السلام) ساخته شد. همچنین آمده است که امام علی بن موسی الرضا علیها السلام از آن چشمـه آب خورده و بـدان موضع غسل فرمودهـاند و از همین مکان، قوچ ابراهیم علیها السلام و عصای موسی علیها السلام و انگشتـی نوح علیها السلام بـیرون آمده است.^۲

۱. سوره آل عمران، آیات ۴۸-۴۹ (اشاره به حکایت ساخت پرنده و پرواز دادن آن به اذن الهی و به دست حضرت عیسی علیها السلام است).

۲. تاریخ قم، چاپ آستانه مقدسه، صص ۱۳۲-۱۳۳؛ بـحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷، ح ۴۷.

شخصیت معنوی هر کسی تا حدّی وابسته به ایمان و تقوای پدر و مادر و محیط پرورش اوست و روحیات و اخلاق نیک والدین آیینه تمام نمای فرزندان است.

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در خاندان رسالت و امامت و ولایت دیده به جهان گشود و در حريم بهشتی چنین خانواده ای غنچه وجودش شکفت و در پرتو تعلیم و تربیت معنوی پدر و مادر و برادر، مراحل رشد و تعالی ایمان را طی نمود؛ به گونه‌ای گفته می‌شود در میان فرزندان امام کاظم علیهم السلام با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا علیهم السلام کسی همسنگ حضرت معصومه علیها السلام نبود.^۱

به فرموده شیخ عباس قمی:

و اما دختران حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل آنها سیده جلیله، معظمه فاطمه بنت موسی علیها السلام معروف به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است که دارای قبة عالیه و ضریح و صحن‌های متعدد و خدمه بسیار و موقوفات است و روشنی چشم اهل قم و ملاذ و معاذ عامه خلق است.^۲

مورخ شهری عباسقلی خان سپهر در وصف آن حضرت، چنین بیان کرده است: ناموس خداوند عالمیان، عابده و زاهده متقیه عارفه کامله، مستوره مخدّره، معصومه فاطمه دختر حضرت امام موسی کاظم علیهم السلام را مقامی عالی و

۱. تواریخ النبی والآل، ص ۶۵.
۲. متهی الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰.

منزلتی متعالی و شانی رفیع و مکانی منیع است که خداوندش عطا فرموده است... مزار کثیر الانوارش در مدینة المؤمنین قم است، و حرم محترمش ملجمً زائرین و تمام مسلمین و مؤمنین و محل اجابت دعوات، و بروز کرامات و خوارق عادات و درگاه عرض بنیانش مسکن عباد و موطن زهاد است.^۱

از طرفی در هر عصری وجود اولاد حضرت زهرا علیها السلام در بین مردم، موجب حرکت، برکت و شکوفایی و پویایی بوده و هست. امام خمینی علیهم السلام در این باره فرموده‌اند:

«اکنون بحمد الله اولاد فاطمه زنده‌اند، در قم اولاد فاطمه هستند، در مشهد اولاد فاطمه هستند... تا اولاد فاطمه زنده‌اند اجازه نمی‌دهند که دشمنان به مقدسات اسلام تجاوز کنند.»^۲

هستند چهارصد و چهل و پانز از شرف

مدفون به امر حق شده دُر این صدف

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو کشف»

فقق مدان میان قم و کعبه و نیف

جان می‌دهند اهل فود در نثار قم^۳

۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶۴. (سخنرانی ۲۹/۱۲/۱۳۴۱، مسجد اعظم قم).

۳. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۲.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای دامت برکاته اهمیت شهر مقدس قم را آنقدر مهم می‌داند که از آن به عنوان ذخیره الهی و قبة الاسلام نام می‌برند.^۱

ایشان هویت شهر قم را که بر گرد مرقد دختر موسی بن جعفر بنا شده است،^۲ یادآور شده، با دقت نظر به وجود بارگاه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عالمان و فقیهان در شهر مقدس قم و با اهمیت سنجی دقیق، ویژگی‌های شهر مقدس قم را این‌گونه تشریح می‌فرمایند:

در این شهر عزیز، سه نقطه برجسته در میان همه نقاط روشن، چشم را به خود جلب می‌کند: اول، حرم مطهر و مضجع شریف فاطمه معصومه علیها السلام است، آن بزرگواری که این سرچشمme جوشان و خروشان، نخستین بار از کنار مرقد او جوشید و برکاتش به همه عالم و به خصوص به دنیای اسلام رسید... .^۳

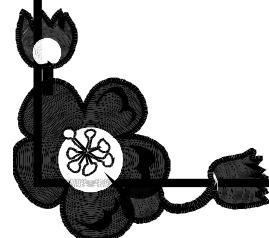
۱. حدیث ولایت، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. قم در اندیشه امام خمینی رض و مقام معظم رهبری، ص ۱۰۴، از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم.

۳. همان، ص ۱۰۲.

بخش سوم:

مِنْ قَمْ، وَصَفَ حَضْرَتْ فَاطِمَةَ مُعْصُومَةَ عَلَيْهَا



در این حديث به آیه شریفه استدلال شده و منظور از «مضجع» به صراحة روایت، همان محل اخذ تربت اولیه انسان است که بازگشت بدن نیز به همان مضجع و تربت قطعی است.

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

جانم به فدایت، فشار قبر چه می‌شود؟ فرمود: هیهات! بر مؤمن چیزی از فشار قبر نیست. به خدا سوگند! این زمین بر مؤمن افتخار می‌کند و می‌گوید: بر پشت من راه رفت و زمین می‌گوید: به درستی که من تو را دوست داشتم، آن هنگامی که بر پشت من راه می‌رفتی و اکنون به من سپرده شده‌ای، خواهی دید که چگونه با تو رفتار می‌کنم. او نگاه به اندازه دید چشم برایش گشایش می‌یابد و فرمود: وقتی مؤمن را به قبر می‌رسانند، بقیه های زمین به سوی او هجوم می‌آورند که همگی مثل باغ‌های سبز هستند و هر بقیه‌ای می‌گوید: خدایا! او را در دل من قرار بده. پس او را می‌آورند و در آنجایی قرار می‌دهند که قضای الهی بر آن تعلق گرفته و آن تربتی است که از همان خلق شده است.^۱

در این روایت به صراحة بیان شده که مدفن هر کسی، همان خاک و تربتی است که از آن خلق شده است. پس مدح و شای تربت و مدفن هر کسی در حقیقت، ستایش طینت و خاک سرشت اوست، لذا توصیف تربت مقدس قم، یعنی وصف و مدح سرشت پاک حضرت معصومه علیها السلام که جسم دنیا ایش از همان خاک خلق شده است.

۱. لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۴۴.

روایات زیادی از زبان ائمه علیهم السلام به توصیف قم پرداخته و مدح بسیار بالایی از شهر قم و اهل آن را بیان داشته است. در واقع این احادیث، کاملاً با حضرت معصومه علیها السلام مرتبط می‌باشد و دلیل آن، مجموعه احادیثی است که بر خاقت انسان از خاک و بازگشت به همان خاک دلالت دارد.

در روایتی آمده است:

خداؤند فرشته ای موکل بر هر مولودی خلق کرده است که به او «ملک الارحام» می‌گویند. وقتی بچه ای به دنیا می‌آید به او امر می‌شود که نقطه‌ای را که درون رحم مادر قرار دارد، با خاکی بیامیزد که مرگ او بر روی آن خواهد بود. انسان (در دنیا) هر کجا برود، آخر الامر به جایگاه برداشتن تربتش باز می‌گردد و در آنجا می‌میرد.^۲

و آیه شریفه:

«فُلْ تَوْكِنْتُمْ فِي بَيْوَقْكُمْ لَبَرَّ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَّا مَضَاجِعُهُمْ»^۳؛
(بغواگر در خانه هایتان هم باشید، حتماً آنهایی که کشته شدن برایشان مقرر گردیده بیرون خواهند آمد تا به مضاجع (آرامگاه و خوابگاه) خویش برسند).

۱. لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

خاک قم، آمیخته با ولایت اهل بیت علیهم السلام

خاک قم و شهر قم در روایات معصومین در حدّ بسیار بالای ستوده شده است؛ از جمله صفوان بن یحیی می‌گوید: روزی در محضر ابوالحسن امام هفتم علیه السلام بودم که ذکر و یادی از قم و اهل قم و میل و اشتیاق آنها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام شد. پس حضرت به آنها درود فرستاد و فرمود: خداوند سبحان از آنها راضی باشد. سپس فرمود: همانا برای بهشت، هشت در است و یکی از آن درها برای اهل قم است و آنها شیعیان برگزیده ما از بین سایر شهرها هستند. خداوند تعالی ولایت ما را با سرشت و طینت آنها عجین کرده است «خمر الله تعالی ولایتنا فی طیتهم».^۱ بحث عجین شدن طینت اهل قم با ولایت اهل بیت علیهم السلام در این روایت بیان و تأکید شده که اهل قم از شیعیان برگزیده‌اند و یک در بهشت مخصوص آنهاست.

در فضل او بس است که فلّاق عالمیان

یک دری ز بهشت فلد گشاید از این زمین
قم (ا نموده مدفن افیا) مؤمنین
از لطف مق شرافت این فاک (ا ببین

۱. تاریخ قم، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۹؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۳۹.

بوی بهشت می‌زد از مرغزار قم

هر ذرّه اش به پشم چه کمال الجواهر است^۱

تقدیس خاک قم و آمرزش اهل آن

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خاک قم، مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت علیهم السلام و ما از اهل قم هستیم. و هیچ جبار و ستم کاری قصد بدی به آنها ننماید، مگر آنکه به زودی در آتش جهنم معذب و معاقب می‌شود.»^۲ ابن بابویه قمی در فضیلت قم واهل قم روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل کرده که مردی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: یابن رسول الله من می‌خواهم از شما مسئله‌ای را بپرسم که کسی قبل از من نپرسیده و بعد از من نیز نخواهد پرسید. امام علیه السلام فرمود: شاید قصد داری از حشر و نشر بپرسی؟ عرض کردم بله، قسم به او که محمد صلوات الله علیه و آله و سلم را حفّاً بشیر و نذیر مبعوث کرد، سؤال من غیر از این چیزی نیست. حضرت فرمود: مکان حشر همه مردم، بیت المقدس است، مگر قطعه‌ای از سرزمین جبل که به آن قم می‌گویند. آنها (یعنی اهل قم) در قبرهایشان محاسبه می‌شوند و از آنجا محشور شده، به بهشت می‌روند. سپس فرمود: اهل قم آمرزیده شده‌اند.

۱. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۴۹؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۱.

راوی می‌گوید: آن مرد از جای خود برخاست و به روی دو پا ایستاد و گفت: یابن رسول الله این مخصوص و ویژه اهل قم است؟ حضرت فرمود: بله و هر کس که مثل آنان بگوید. (به ولایت علی ﷺ و اولاد او عقیده داشته باشد).^۱

(وزی ۵) هشتر و نشر و قیامت به پا شود

ایمان و کفر و نیک از هم جدا شود

بهر حساب فلق، په میزان به پا شود

بر اهل قم محسنه در قبرها شود

فره گلی ۵) دفن شود در مزار قم^۲

قم دارالمؤمنین

ابومسلم عبدی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: خاک قم مقدس است و اهل قم از ما اهل بیت هستند و ما از آنهایم و هیچ جبار و ظالمی به آنها ظلم و بدی نکند مگر اینکه خداوند متعال در عقوبت و کیفر آنان تعجیل نماید. (این تعجیل عقوبت تا زمانی است) که اهل قم نسبت به برادران خود خیانت نکنند، و اگر چنین کنند خداوند، ظالمان را بر آنها مسلط می‌گردد، اما اهل قم، انصار قائم ما عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف و دعوت کنندگان حق ما هستند.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲۱۸؛ قم از منظر اهل بیت علیه السلام، ص ۴۹.

۲. قم از منظر اهل بیت علیه السلام، ص ۴۹.

سپس حضرت علیه السلام سرش را به آسمان بلند کرد و فرمود: خدا آنها را از هر آفتنی نگهدار و از هر هلاکتی نجاتشان بده.^۱

قم باب الجنه

انس بن مالک می‌گوید: روزی خدمت پیامبر اکرم علیه السلام نشسته بودم، وقتی که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد، پیامبر علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن به سوی من بیا، سپس وی (علی علیه السلام) را بغل گرفت و دست به گردن او انداخت و میان دو چشم را بوسید، آنگاه حضرت فرمود: ای علی! همانا خداوند ولایت تو را به آسمان ها عرضه نمود. آسمان هفتم برای پذیرش ولایت تو سبقت گرفت، پس خداوند آن را بر عرش زینت بخشید. سپس آسمان چهارم پیشی گرفت و خداوند آن را با «بیت المعمور» زینت بخشید. سپس آسمان دنیا سبقت گرفت، خداوند آن را به ستارگان آذین کرد. سپس ولایت تو را به زمینی ها عرضه کرد، پس مکه برای پذیرش آن پیشی گرفت و خداوند آن را با کعبه زینت بخشید. بعد مدینه سبقت گرفت و خداوند آن را به واسطه من زینت بخشید، بعد از آن کوفه پیشی گرفت و خداوند آن را به واسطه تو زینت داد. بعد قم برای پذیرش ولایت تو پیش قدم شد و خداوند آن را به واسطه عرب (اععریها) زینت بخشید و دری از درهای بهشت را به سوی آن باز کرد.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲۱۸؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۴۷.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲۱۸؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۰.

حجت بودن قم و اهل آن بر مردم

علی بن میمون صائغ از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

خداؤند با مردم کوفه بر سایر شهربا احتجاج می‌کند و با مؤمنان اهل کوفه بر مؤمنین اهالی سایر شهرها احتجاج می‌کند و با شهر قم بر سایر شهربا و با اهل قم بر تمام اهل مشرق و مغرب از جنّ و انس احتجاج می‌کند. خداوند «قم» و اهل قم را مستضعف قرار نمی‌دهد (ولایت پذیر هستند) بلکه آنها را موفق داشته، تأیید می‌کند.

راوی می‌گوید: سپس امام علیه السلام فرمود: همانا دین و اهل دین خوارند، اگر چنین نبود، مردم به سوی قم هجوم می‌آورند و در نتیجه قم خراب می‌شد. و اهل قم باطل می‌شدند و دیگر بر سایر شهرها حجت و برهان نبودند. و زمانی که چنین می‌شد (اگر این اتفاق می‌افتد) آسمان و زمین استقرار نداشتند و حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن مهلت داده نمی‌شدند؛ همانا بلاها و گرفتاری‌ها از قم و اهلش دفع شده است.

به زودی قم و اهل قم بر همه آفریدگان حجت خواهند شد و این در زمان غیبت قائم علیه السلام ماست تا ظهور آن حضرت علیه السلام و اگر این نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد و به راستی ملائکه بلاها را از قم و اهلش دفع می‌کند و هیچ جباری (ظالمی) نیت بد به قم نمی‌کند، جزء اینکه در هم شکننده‌ای از جباران (قادم الجبارین) او را در هم می‌شکند و ظالم را با بلای سخت یا مصیبت یا دشمن، از بلا رساندن به قم باز می‌دارد و خداوند قم و اهلش را از خاطرشن

(ظالمان) می‌برد؛ چنانکه آنان خدا را از یاد برده‌اند.^۱

قم معدن علم

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود: به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم و دانش نهان می‌گردد؛ همان‌گونه که مار در لانه خود پنهان می‌شود. سپس علم در شهری که به آن قم می‌گویند ظاهر می‌شود و آنجا معدن علم و فضیلت می‌گردد. حتی در زمین، مستضعف در دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان پرده نشین، و این نزدیک ظهور قائم ماست. پس خداوند قم و اهلش را قائم مقام حجت قرار می‌دهد. و اگر این گونه نبود، زمین اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین برهان و حجتی باقی نمی‌ماند و علم از قم به سایر کشورهای مشرق و مغرب منتشر و سرازیر می‌گردد، پس حجت خدا بر همه مردم تمام می‌شود تا در زمین کسی که علم و دین به او نرسد باقی نماند. سپس حضرت قائم علیه السلام ظهور خواهد کرد، و آن حضرت سبب عذاب و عقوبت خداوند بر بندگان خواهد شد، زیرا خداوند از بندگانش انتقام نمی‌گیرد، مگر بعد از انکار حجت او.^۲

۱. تاریخ قم، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۲، ح ۲۲.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۳، ح ۲۳؛ قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، صص ۲۵-۲۶.

به هر حال، ورود حضرت فاطمه معصومه به قم و این روایات، بیانگر آن است که قم در پیشگاه اهل بیت از جایگاه مهمی برخوردار بوده، اهل بیت علیه عنایات خاص و ممتازی به قم داشته اند و می خواستند قم از نظر علمی و اجتماعی و فرهنگی، پایگاه مذهب تشیع شود. با تشكیل حوزه علمیه چنانکه از همان قرن دوم و سوم شروع شد- مکتب تشیع رونق و گسترش پیدا کرد.

چنانچه از این روایت فهمیده می شود، امامان در حقیقت بنیان گذار حوزه علمیه در قم توسط شاگردانشان بوده اند؛ همانگونه که تشویق های آنها و اشارتشان به پیدایش حوزه علمیه در قم، بلکه تصریح آنها به این موضوع، گواهی صادق بر این مطلب است.

اهل قم یاران ما (اهل بیت) و قم کاشانه آل محمد

زاره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود:

«اهل خراسان پرچم های برافراشته ما، اهل قم یاران ما، و اهل کوفه استوار کنندگان مکتب ما هستند و اهل این مناطق از ما هستند و ما نیز از آنان هستیم.»^۱

حضرت عبدالعظیم حسنی نیز با واسطه از امام کاظم علیه السلام روایت می کند که

حضرت علیه السلام فرمود:

«قم کاشانه آل محمد و مأوا (پناهگاه) شیعیان آنهاست.»^۲

امام باقر علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که آن حضرت فرمود: هر گاه گرفتاری و سختی (بلا و رنج) به شما رسید به قم پناه ببرید، پس همانا قم پناهگاه فرزندان فاطمه و آسایشگاه مؤمنان است؛ «فعلیکم بقم، فانه مأوى الفاطميين»^۱ و زمانی برسد که دوستان ما از ما فرار کنند و از ما دور شوند و این کار به صلاح آنان است، تا به دوستی ما شناخته نشوند، و با این عمل، خون و مالشان محفوظ می ماند و هیچ کس قصد سوء به قم و مردم قم نکند، جز آنکه خدا او را ذلیل و از رحمت خود دور کند.

هستند چهارصد و چهل و هار از شرف

مدفون به امر حق شده دز در این صد

اولاد مرتضی علی آن شاه «لو گُشِف»

فرق مدان میان قم و کعبه و نبف

جان می دهند اهل فود در نثار قم^۲

سلیمان بن صالح می گوید: روزی پیش امام صادق علیه السلام بودیم که از فتنه بنی عباس و از آنچه از آنها به مردم می رسد، یاد شد. پس گفتیم فدایت گردیم، هنگام این فتنه، پناهگاه و محل فرار کجاست؟ حضرت فرمود: به کوفه و حوالی آن و به قم و نواحی آن. سپس حضرت فرمود: در قم پیروان ما و دوستان ما می باشند و آبادی در آن بسیار می شود و مردم به طرف قم روی

۱. تاریخ قم، صص ۱۴۳-۱۴۴؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۵، ح ۳۲.

۲. قم از منظر اهل بیت علیه السلام، ص ۳۲.

۱. تاریخ قم، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴؛ قم از منظر اهل بیت علیه السلام، ص ۳۰.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۳؛ بحار الانوار، همان، ح ۳۱؛ قم از منظر اهل بیت علیه السلام، ص ۳۱.

می آورند و در آن اجتماع می نمایند تا جَمر (رودخانه جمر) وسط شهر قرار می گیرد.^۱

اهل قم یاران امام زمان و خواستگاه انقلاب

عفان یا عثمان بصری از امام صادق نقل می کند که آن حضرت فرمود:

آیا می دانی چرا قم را قم می نامند؟ [عرض کردم: خدا و رسول خدا و شما آگاهتر هستید، فرمود: به آن قم می گویند:] چون اهل قم، با قائم آل محمد اجتماع می کنند و با او قیام می کنند و بر فرمانبرداری آن حضرت استوار هستند و او را یاری می کنند.^۲

از امام موسی کاظم نیز روایت شده که فرمودند:

مردی از اهل قم به حق دعوت می کند [قیام می کند] و مردم دور او مانند براده های آهن، جمع می شوند و تندباده ای حوادث آنها را نمی لرزاند و از جنگ، خسته و ملول نمی شوند. [ترس به دل راه نمی دهند] و به خدا توکل می کنند و عاقبت از آن پرهیز کاران است.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۵.

۲. تاریخ قم، ص ۱۴۶؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

۳. بحار الانوار، همان، ح ۳۷.

قم حرم اهل بیت و سلام خدا بر اهل قم

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت فرمودند: مرحبا (خوش به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. سپس فرمودند:

انَّ اللَّهَ حَرْمًا وَ هُوَ مَكَّةُ وَ انَّ رَسُولَهُ حَرْمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ وَ انَّ لَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرْمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ انَّ لَنَا حَرْمًا وَ هُوَ بَلْدَةُ قَمٍ وَ سَتْدَفَنٍ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ اُولَادِيْ تَسْمِيْ فَاطِمَة، فَمِنْ زَارَهَا وَ جَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ هَمَانَا بَرَىْ خَدَا حَرْمِيْ اَسْتُ وَ آنَّ مَكَّهَ اَسْتُ وَ بَرَىْ رَسُولَ خَدَا حَرْمِيْ حَرْمِيْ اَسْتُ وَ آنَّ مَدِينَهَ اَسْتُ، بَرَىْ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرْمِيْ اَسْتُ وَ آنَّ كُوفَهَ اَسْتُ، وَ بَرَىْ مَا اَهَلَ بَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرْمِيْ اَسْتُ وَ آنَّ شَهْرَ قَمٍ اَسْتُ. وَ بَهْ زَوْدِيْ در آنجا زَنِيْ (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می شود پس هر کس او را زیارت کند بپشت بر او واجب می شود.^۱

همچنین از ائمه علیه السلام روایت شده است: «اگر قمی ها نبودند دین ضایع می شد.»^۲

۱. همان، ص ۲۱۶، ح ۴۱.

۲. همان، ح ۴۳.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرشته‌ای با بال‌های گشوده خود بر فراز قم مسلط است، هیچ ظلم و ستم گری قصد بد به قم نمی‌کند، مگر آنکه خداوند او را ذوب کند مانند ذوب کردن نمک در آب. سپس اشاره فرمود به عیسی بن عبدالله و فرمود: «سلام الله على أهل قم...؛ سلام خدا بر اهل قم.»

خدا شهر آنها را از باران رحمت سیراب می‌کند، و بر آنها برکات نازل می‌کند و گناه‌هایشان را به نیکی تبدیل می‌کند، آنها اهل رکوع و سجود، و قیام و قعودند و آنان فقیهان و عالمان و اهل فهم و درایت هستند و خوب عبادت می‌کنند.^۱

(۹۰) که ظلم در همه جا باب می‌شود

(هم از میان فلق په نایاب می‌شود

(۹۱) زمین په ۵۰۰ه سیمان می‌شود

ظلم به دست قم په نمک آب می‌شود

گردنگشان په بهره ندارند از دیار قم^۲

علاوه بر صفات اسلامی، اخلاقی، اعتقادی و دینی، موضوع پذیرش ولايت امامان علیهم السلام و مذهب حقه و دفاع جدی مردم قم از ولايت و تشیع و تأسیس حوزه علمیه، بیانگر وظیفه‌شناسی آنها در گسترش مذهب و حکومت صالحان

۱. همان، ح. ۴۶.

۲. قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، ص ۴۵.

بوده است؛ چنانکه تاریخ اهل قم و تشیع آنها از قرن دوم و سوم تا قرن حاضر، گواهی صادق بر این مطلب است.

در روایتی امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا علیه السلام نقل می‌فرمایند: هنگامی که به معراج می‌رفتیم، نظرم بر بقیه ای از بقاع زمین افتاد که بسیار سبز و خرم بود و زمین و خاک آن نیکوتر از زعفران و خوش بوتر از مشک بود.

پس ناگاه در آن موضع پیرمردی را دیدم برنسی (کلاهی) بر سر دارد. از جبرئیل سؤال کردم اسم این سرزمین چیست و منزل و مأوای کدام قوم است؟ جبرئیل گفت: این بقیه از سرزمین هایی است که محل زندگی شیعه وصی و پسر عمومیت علی بن ابی طالب است. آنگاه از جبرئیل پرسیدم، این پیر ماندگار در آن کیست؟

پاسخ داد: ابلیس است و او می‌خواهد این قوم را از ولايت وصی تو برگرداند و گمراه نموده، به فسق و فجور ترغیب کند.

از جبرئیل خواستم مرا نزدیک او ببرد. او نیز به کمتر از درخشیدن برق مرا نزدیک او آورد. پس به او خطاب کردم برخیز ای ملعون! و از این موضع دور شو و در طایفه بی‌دین برو و با زنان و اموال ایشان مشارکت کن، که اهل این سرزمین، شیعه من و شیعه وصی و پسر عمومیم علی بن ابی طالب علیه السلام هستند. «از این رو آن مکان قم نامیده شد.»^۱

نور محمدی په به معراج در (سید

ابلیس را به بقیه قم با سپاه دید

۱. بخار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۸.

زد بانگ احمدی که بشو دور ای پلید

این سرزمین بهشت نه جای تو و مرید

افرچ تو ای لعین و پلید و تباها^۱

بر این اساس، قدمت سرزمین قم به قدمت مراجع رسول الله علیه السلام است. در روایت فوق اشاره شده که آن شب بود که سرزمین قم، حیات یافت و در کلام رسول الله علیه السلام بود که وجودش به تحقیق پیوست. پس از آن بود که افخار یافت نامش بر زبان ائمه علیهم السلام جاری شود و مردمانش مورد مدح و شای آل رسول قرار گیرند.

این سرزمین گرم و خشک که نیمی از آب آن املاح و نمک است، این طراوت و فضائل از کجا به او بخشیده شده است؟ بیشک، هویت مذهب شیعی خودش را پس از ورود گوهر تابنا کی از آسمان ولایت آغاز نمود. به بیان دیگر، پایان عمر مبارک حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آغازی برای حیات معنوی این شهر بافضلیت شد و پس از آن بود که بر قبر مبارکش گند و بارگاه نشاندند و عاشقان ولایت و امامت به گرد وجودش حلقه زدند و به یمن وجودش حوزه علمیه ای تأسیس شد که هزار عالم در دامن خود پرورش داد و مكتب توحیدی را با آنان پاسداری نمود.

قم، امروزه میزان هزاران بلکه میلیون‌ها عاشقی است که رنج سفر بر جان خریده، خود را بر دریای کرم و شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام می‌رسانند تا جرعه‌ای از آن بنوشنند و قلوب خود را از انوار معنوی اش روشن نمایند.

۱. ر.ک: حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۳۸

در واقع نام قم، با نام حضرت معصومه علیها السلام عجین شده است و هویت قم، یعنی حضرت معصومه علیها السلام، بنت موسی بن جعفر علیهم السلام و اخت الرضا علیهم السلام یعنی مدینه اهل البيت علیهم السلام.

به راستی در عصر حاضر، انقلاب اسلامی از اینجا شکل گرفت و ۱۵ خرداد و ۱۹ دی از اینجا بود که آن شب های ظلمانی را به نور انقلاب منور ساخت و دل های خفته و چشمان خواب آلود را بیدار کرد و خلاصه از اینجا بود که انقلاب، آب حیات یافت؛ همان گونه که در حدیث آمده است:

«رجل من اهل قم یدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزير الحديد لا تزلّهم الرياح العواصف، و لا يملؤن من الحرب، و لا يجبنون و على الله يتوكّلون و العاقبة للمتقين».^۱

حتی نوجوانی که اهل اینجا بود در دفاع از وطن، نارنجک به کمر بست و به زیر تانک رفت.

از اینجاست که علوم و معارف اسلامی به سرتاسر جهان منتشر می‌شود و فرهنگ غنی و دینی احیا می‌گردد؛ چرا که فرمود: «لو لا القمييون لضاع الدين».^۲

سرزمینی که به واسطه نامساعد بودن آب و هوا، سکونت در آن مشکل بود، اکنون موطن عاشقان امامت و تشنگان علوم و معارف اسلامی است که از سرتاسر جهان به آن روی آورده، در آن سکنا گزیده‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۳.

بدین ترتیب، قم «عش آل محمد و مأوى فاطمیون»^۱ گشته است و کلام امام صادق علیه السلام به تحقق پیوست؛ آنگاه که فرمود: به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آن جمع می‌گردد؛ همانند ماری که در لانه اش جمع می‌شود، پس علم و دانش در شهری که به آن «قم» می‌گویند ظاهر می‌شود و آنجا مرکز علم و فضیلت می‌شود.^۲

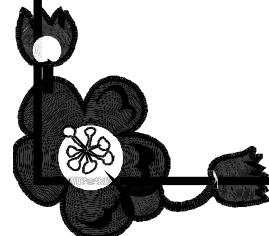
۱. همان، ص ۲۱۴، ح ۳۱.

۲. همان، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

نخشچارم:

عصمت، شفاعت و کرامت

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



مخصوصه علیها السلام

مقام عصمت، خاص چهارده مخصوص پاک علیهم السلام است، ولی آیا عصمت عام محقق است و برای غیر مخصوص ممکن است یا خیر؟ در جواب این پرسش باید گفت بله، عصمت برای عموم، امری ممکن است و برای اثبات آن دلائلی وجود دارد:

۱. امکان ذاتی: بحث امکان ذاتی این است که هیچ دلیلی برای محال بودن و امتناع آن برای انسان وجود ندارد.

۲. عموم قرآن: در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که عموم افراد را به کسب عصمت و عالی ترین درجه تقوا تشویق می کند؛ از جمله این آیات:

الف) ﴿يَتَائِهَا الْأَنْزِيفُ إِمَّا مُؤْمِنًا إِنْ تَنْقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا ترس و پرهیز گار شوید خدا به شما فرقان می بخشد).

این آیه از یک سو، مردم را امر به تقوا می کند و از سوی دیگر پاداش تقوا را کسب فرقان برمی شمارد.

اگر تقوا امری غیر ممکن بود خداوند به آن امر نمی کرد و اگر کسب فرقان ممکن نبود خدا به آن وعده نمی داد؛ لذا می توان گفت کسب تقوا و فرقان که با تلاش در راه فرمانبرداری از امر خدا و اطاعت از عترت حاصل می شود، همان عصمت عملی است و راهش برای همه باز است و اگر کسب آن ممکن نبود خداوند به آن امر نمی کرد.

۱. سوره انفال، آیه ۲۹.

حضرت فاطمه مخصوصه علیها السلام پرورش یافته دامان عصمت و طهارت است. آن حضرت از سرچشمۀ نور سیراب شده و بی شک، کلام و سیره اش ما را به چشمۀ نور خواهد رساند.

آن حضرت یک الگوست؛ الگویی که به کمال رسید و اگرچه مخصوص نبود، اما به عصمت رسید؛ آنچنان که مخصوص علیها السلام به ما آموخت در دامانش پناه گیریم و از او شفاعت بطلبیم: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنۃ».^۱

فاطمه مخصوصه علیها السلام بعد از فاطمه زهراء علیها السلام زنی است که به نصّ اهل بیت علیهم السلام به مقام شفاعت نائل می شود. الگوی زن مسلمانی که عصمت خدادادی ندارد، حضرت مخصوصه علیها السلام است؛ بانوی کرامت و شفاعتی که امام صادق علیه السلام حریمش را حرم خود می داند.^۲

زن مسلمان باید هویت خود را در سیره کسانی چون این بانوی بزرگوار بجوید که نه تنها در پستوی خانه منزوی نبود، بلکه در بیرون خانه و در جامعه ای غیر از جامعه حجاز حرکتی کرد که برای همیشه در تاریخ زنده ماند.

۱. فرازی از زیارت نامه حضرت فاطمه مخصوصه علیها السلام؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۶۵، ح ۴.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۴۱.

ب) ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مُدَائِيَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْرُقُونَ﴾^۱

(پس کسی که از راهنمایی من پیروی کند هرگز (در دنیا و آخرت) بیناک و اندوهگین خواهد شد).

این آیه با کلمه «من» شروع شده و همه مردم را شامل می‌شود، پس هر کسی با اطاعت از قرآن و راهنمایان الهی می‌تواند به مرحله عالی تقوا و عصمت عملی برسد و در مقابل، خداوند برای اطاعت، پاداش آرامش و رفع غم و خوف را وعده می‌دهد که مربوط به آخرت است.

حالاً می‌پرسیم چه کسی از غم و خوف آخرت در امان است؟ پاسخ این است که مسلمًا کسانی که از هادیان الهی اطاعت محض کنند به آرامش می‌رسند، پس وعده خدا بر عدم خوف و غم در آخرت شامل آنها می‌شود و این، همان عصمت عملی است پس کسب تقوای عالیه یا عصمت عملی ممکن است.

ج) ﴿وَالَّذِينَ جَهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّاهُمْ سَبِيلًا وَلِئَنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

(و آنان که در راه ما (با خلوص نیت) به جان و مال، جهد و کوشش می‌کنند محقق آنها را به راه خویش هدایت می‌کنیم و خدا همیشه یار نیکوکاران است).

در این آیه تعبیر **«جَهَدُوا فِينَا»** وسیع و مطلق است و هرگونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او صورت گیرد، شامل می‌شود؛ خواه از طریق

۱. سوره بقره، آیه ۳۸.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

کسب معرفت باشد یا جهاد با نفس یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت یا در مسیر کمک به افراد مستضعف یا انجام هر کار نیک دیگر.

در واقع، کسانی که در این راه‌ها به هر شکل و به هر صورت برای خدا مجاهده کنند، مشمول حمایت و هدایت الهی هستند و خداوند به مجاهدان راهش و عده پیروزی و موفقیت را در برابر جهاد و اخلاص داده است.

کلمه «الذین» در این آیه، همه انسان‌ها را شامل می‌شود و راه رسیدن به شاهراه هدایت و عصمت را جهاد و تلاش پیگیر با نیت خالص معرفی می‌کند. پس کسی که به راه خدا متصل شد از گناهان دوری می‌کند، چون هدایت الهی همیشه شامل حال اوست و در نهایت به تقوای عالیه و عصمت عملی می‌رسد.

۳. عصمت دارای ابعاد مختلف و مراتبی متفاوت است و بالاترین مرتبه آن را انحصاراً چهارده مخصوص **علیهم السلام** دارند و مراتب پایین تر را دیگران مثل پیامبران، فرشتگان و امامزادگان دارا هستند. از جمله کسانی که در این راه قدم برداشته و بدان دست یافته اند، حضرت فاطمه معصومه **علیها السلام** دختر موسی بن جعفر **علیه السلام** است که به دلیل طاعت و بندگی مخلصانه خداوند و اطاعت و پیروی کامل از رهروان راه هدایت و وراستگی به درجه ای والا از تقوا و طهارت روحی رسید و از گناهان و رذایل اخلاقی دور ماند و جان خویش را به ذلال کوثر طراوت بخشید.

او پروردش یافته مكتب ائمه اطهار **علیهم السلام** است که عام و خاص، او را به عنوان مخصوصه شناخته‌اند.

در زیارت نامه دوم آن حضرت چنین آمده است: «السلام عليكِ ايتها الطاهِرَةُ الحَمِيدَةُ الْبَرُّ الرَّشِيدَةُ التَّقِيَّةُ»^۱؛ سلام بر تو ای بانوی پاک و ستایش شده و نیکوکار و هدایت شده و پرهیز کار هدایت شده.»

با توجه به اینکه نام آن حضرت، فاطمه است و امام علی‌الله هرگز در مورد وصف شخصی مبالغه نمی‌کند می‌توان مقام عصرت را برای حضرت فاطمه معصومه  ثابت کرد.

از طرفی مقام شفاعت برای حضرت، نشانگر این است که وی معصوم است، زیرا کسی که در اثر گناه و عصیان، نیازمند به شفیع است نمی‌تواند دیگران را شفاعت کند. از زبان امام رئوف شامن الحجج علی بن موسی الرضا  در زیارت‌نامه خواهرش آمده است:

«يا فاطمة اشفعى لى فى الجنة». ^۲

همچنین در ادامه زیارت‌نامه آمده:

«فإنْ لَكَ عَنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِّنَ الشَّأْنِ»^۳ یعنی حضرت فاطمه معصومه در درگاه الهی مقام ویژه و بزرگی دارد و او واسطه و طریق بهشت است. از آنجا که حضرت معصومه  به عالی ترین مراحل قرب الهی دست یافته، امام معصوم علی‌الله مقام او را ارج گذاشته، از ایشان به بزرگی و عظمت یاد می‌نماید.

به راستی که صفت «الرشیده»^۱ برازنده وجود نورانی آن بانوی عظیم الشأن می‌باشد که سرای قلبش را به نور ایمان زیور بخشیده و از آلایش به تیرگی غفلت و گمراهی مبراً شده و به گونه‌ای رشد معنوی پیدا کرده که مصدق بارز این آیه شرifeه:

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّابَ إِلَيْكُمْ أَلْيَمَنَ وَرَبَّنَمَ فِي قُلُوبِكُمْ وَكُلَّهُ إِلَيْكُمُ الْكُفْرُ وَالْمُسُوقُ وَالْعِصَبَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّشِيدُونَ﴾^۲

(ولکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و کفر و فسق و گناه را منفور شما قرار داده است. اینها هدایت یافته و دارای رشد می‌باشند.)

به همین سبب، منتبه است که امام رضا  به ایشان لقب معصومه را داد و فرمود:

«من زار المعصومة بقُمْ كَمَنْ زارني؟»^۳ هر کسی حضرت معصومه  را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده است. درباره لقب معصومه که برای آن حضرت به کار رفته، روایای صادقه ای نیز در کتاب دارالسلام نقل شده است: در بغداد، مردی نصرانی به نام یعقوب زندگی می‌کرد که به بیماری استسقاء

۱. از القاب حضرت در زیارت‌نامه دوم (انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵).

۲. سوره حجرات، آیه ۷.

۳. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷.

۱. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۳. همان.

دچار شده بود. او هر قدر به پیشکان مراجعه می‌کرد نتیجه نمی‌گرفت تا اینکه مرضش کاملاً شدت پیدا کرد و او را از پا انداخت.

مرد نصرانی می‌گفت: در آن روزها همه‌اش از خدا می‌خواستم یا شفایم بدهد یا با مرگ از مرض رهایی ام ببخشد. او می‌گوید: شبی روی تخت خوابیده بودم، در عالم رؤیا آقایی بلند قد و بسیار نورانی را دیدم که در کنار بسترم حاضر است و تخت مرا حرکت داد و فرمود: «اگر می‌خواهی از این بیماری شفا پیدا کنی، راهش این است که به شهر کاظمین رفته کاظمین را زیارت کنی.»

مرد نصرانی می‌گوید: وقتی از خواب بیدار شدم، رؤیای خود را برای مادرم که در کنارم بود نقل کردم. مادرم گفت: این خواب، شیطانی است، سپس رفت و صلیب و کمربند آورد و به گردنبم آویخت.

من دوباره به خواب رفتم و در عالم رؤیا بانوی مجده‌ای را دیدم که سرتاسر بدنش پوشیده بود، تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز که صحیح صادق طلوع کرده است، مگر پدرم به تو نگفت به زیارت شرف بشوی و شفا پیدا کنی؟

پرسیدم: پدر شما کیست؟ فرمود: امام موسی بن جعفر علیهم السلام است. پرسیدم: شما کیستید؟ فرمود: «آنـا المعصومـة اخـت الرـضا؛ من مـعصـومـه خـواهـر اـمام رضا علـیـهـمـالـحـسـنـاتـ هـسـتمـ.»^۱

۱. وسیله المعصومیه، ص ۳۶، به نقل از دارالسلام، ج ۲، ص ۱۶۹.

مقدمه‌ای بر بحث شفاعت

در عرصه قیامت، کسی نیست جز اینکه نیازمند شفاعت است یا برای ترفیع درجه یا ورود به بهشت، یا تعجیل حساب، یا از میان رفتن ترس و هول صحنه محشر، یا تخفیف و برداشتن عذاب، یا خروج از آتش پس از آنکه مدتی در آن قرار داشت.

گروهی پندارهای غلطی از شفاعت دارند و آن را بی‌شباهت به رابطه بازی‌های دنیا نمی‌دانند؛ در حالی که شفاعت از ارکان عقاید همه فرق اسلامی از اهل سنت و شیعه می‌باشد و از نظر منطق اسلام، یک کلاس عالی تربیتی است.

شفاعت، نور امید برای کسانی است که راه حق را با تلاش و کوشش می‌پیمایند، ولی گاهی گرفتار کمبودها و لغزش‌هایی می‌شوند و این لغزش‌ها ممکن است گرد و غبار نامیدی بر دل‌هایشان بپاشد. در اینجاست که شفاعت، همچون نیرویی محرک به سراغ آنها می‌آید و می‌گوید: مأیوس نشود و راه حق را همچنان ادامه دهید و دست از تلاش و کوشش در این راه برندارید. اگر لغزشی از شما سرزده شفیعانی وجود دارند که به اجازه خداوند رحمان که رحمت عامش همگان را فرا گرفته، از شما شفاعت می‌کنند.

شفاعت، دعوت به تنبیلی یا فرار از زیر بار مسئولیت یا چراغ سبز در برابر ارتکاب گناه نیست؛ بلکه حقیقت شفاعت، دعوت به استقامت در راه حق و کاستن از گناه تا حد امکان است.

مرحوم علامه طباطبائی^ج در این باره چنین فرموده‌اند:

اگر انسان بخواهد به کمال یا خیر مادی یا معنوی برسد، که از نظر معیارهای اجتماعی آمادگی و ابزار آن را ندارد و جامعه، وی را لایق آن خیر و

کمال نمی داند، یا بخواهد از خود شرّ را دفع کند؛ آن هم شرّ که بر اثر مخالفت، متوجه او می شود و از سوی دیگر قادر بر امتنال تکلیف و ادای وظیفه نیست، در اینجا به شفاعت متولّ می شود.

به دیگر سخن، اگر بخواهد به پاداشی برسد که اسباب آن را فراهم نکرده یا از کیفر مخالفت تکلیف خلاص شود بدون اینکه تکلیف را انجام بدهد، در اینجا متولّ به شفاعت می شود.^۱

از سوی دیگر، شفاعت، مایه امید نجات و بازگشت به کارهای شایسته و روزنه‌ای برای دگرگون‌سازی سرنوشت زندگانی دنیوی و اخروی است. چه بسا تبھکارانی که به امید شفاعت به راه راست بازگردند و رابطه خود را با معبد خویش بیش از پیش استحکام بخشنند؛ البته در صورتی که رابطه مذبور را به طور کلی قطع نکرده باشند.

گفتنی است آیات و روایات متعددی بر ثبوت شفاعت دلالت دارند. علاوه بر آنها عقل نیز امکان آن را اثبات می کند تا جایی که دانشمندان اسلامی امکان شفاعت را از اصول مسلم اسلام به شمار آورده‌اند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

برای بهشت هشت دروازه است که از یک دروازه پیامبران و راست گویان وارد می شوند، و در دیگری ویژه شهیدان و صالحان است و پنج در دیگر بهشت، مخصوص شیعیان و دوستان ماست، و خودم همواره بر صراط ایستاده دعا می کنم و عرضه می دارم: پروردگارا

پیروان و دوستان و یاران مرا و هر کس در دنیا با من دوستی داشته، به سلامت بدار و از سقوط در جهنم حفظ کن، که ناگهان از درون عرش ندایی می‌رسد: دعايت مستجاب و شفاعت پذيرفته شد و آن روز هر مردی از شیعیان و دوستان و یاران من، و آنان که با عمل و زبان با دشمنان من پیکار کرده‌اند، تا هفتاد هزار نفر از همسایگان و خویشاوندان خود را شفاعت می‌کنند. یک در دیگر بهشت، مخصوص سایر مسلمانان است؛ آنان که اعتراف به شهادت «لا اله الا الله» داشته و در دل، ذره‌ای بغض و دشمنی ما اهل بیت ﷺ را نداشته‌اند.^۱

در حدیث دیگری درباره شفاعت حضرت زهراء عليها السلام چنین آمده است: وقتی نزدیک جهنم می‌رسد، فاطمه عليها السلام میان دو چشم او را می‌خواند که نوشته شده است: «دوستدار اهل بیت ﷺ». پس عرض می‌کند: «الهی و سیدی» مرا فاطمه و بازدارنده نامیده‌ای و به وسیله من، هر کس مرا و فرزندان مرا دوست بدارد از آتش جهنم ممنوع کرده‌ای. وعده تو حق است و خلاف وعده نمی‌کنی. خدای سبحان پاسخ می‌دهد: راست گفتی ای فاطمه، من تو را فاطمه نامیدم و به واسطه تو کسی را که به تو و فرزندات محبّت کند از آتش جهنم منع می‌کنم. وعده من حق است و خلاف آن نمی‌کنم و همانا من به این عبد گنهکار فرمان دادم به جنهم برود تا تو درباره او شفاعت کنی و من شفاعت تو را پذیرا شوم بدین جهت که قدر و منزلت و جایگاه تو

۱. خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۶، چاپ بیروت.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۵۸.

بر فرشتگان و پیامبران و همه اهل قیامت روشن و آشکار گردد، تا هر کس میان دو چشم مؤمن نوشته شده آن را بخوانی و دست او را گرفته، وارد بهشت نمایی.^۱

بنابراین شفاعت در بیان آیات و روایات و معارف اهل بیت علیهم السلام به این معنا نیست که انسانی گناه بکند و دیگری توصیه کند تا مجازات و عقابی متوجه او نشود یا برای او تخفیفی را در نظر بگیرند؛ بلکه به معنای این است که رسیدن به درجات قرب جز با سرپرستی و ولایت اولیای خدا ممکن نیست. شفاعت به معنای عام، وساطت در فیض برای همه موجودات و مخلوقات و اعم از شفاعت تکوینی و تشریعی است.

شفاعت تکوینی، وساطت موجودی نسبت به موجود دیگر است، مانند: شفاعت مادر در تبدیل غذا به شیر برای برطرف شدن نیاز فرزند.

شفاعت تشریعی، نسبت به خطاها و گناهان بندگان خدا صورت می‌گیرد و همان وساطت برای مرتفع ساختن نواقص و سستی‌هایی است که بندگان خدا داشته‌اند. البته بنا به صریح آیات و روایات، بدون اذن خدای تعالیٰ کسی نمی‌تواند خیری به کسی برساند، مگر به اذن خداوند سبحان.

مقام شفاعت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

شفاعت انسان‌های والای مانند حضرت فاطمه معصومه علیها السلام که در پرتو ولایت ولی خدا درجاتی از ولایت را درک و تحمل کرده اند و به مقام و

۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۸۱، ح ۱.

مرتبه‌ای یا به شأن و موقعیتی دست پیدا کرده‌اند و صاحب مقام ولایت و مقام شفاعت شده اند شأنی از شئون ولایت و شفاعت نبی مکرم صلوات الله عليه و آله و سلم است. در واقع، حریم مبارک قلب آن حضرت پیوسته در معرض تابش انوار الهیه قرار داشته است.

بی‌تردید حضرت معصومه علیها السلام از جمله شخصیت‌های بی‌نظیر جهان اسلام است که به دلیل زندگی و پرورش در جوار امام معصوم علیه السلام خیلی زود توانست قلب پاک خویش را تجلی گاه انوار وجودی ولی خدا کند و با آنان ارتباطی خاص برقرار سازد. آن حضرت، خود را به درک ولایت و نورانیت اولیای معصوم رساند و تمام وجودش را لبریز پرتویی از شاع و وجودی اولیای خدا گرداند. این بانوی عظیم الشأن از معدود امامزادگانی است که در مورد زیارت و شفاعت ایشان، ائمه علیهم السلام مستقیم تأکید فرموده‌اند و از احادیث گهرباری که درباره ایشان وارد شده می‌توان به مقام و منزلت علمی و معنوی وی پی برد. پدر بزرگوار آن حضرت، درباره ایشان جمله معروف «فداها ابوها» را به کار بردن؛ جمله‌ای که پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم در شأن صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام فرموده بودند.

مرحوم علامه مجلسی از صاحب کتاب مجالس المؤمنین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

خداؤند حرمی دارد و آن مکه است، رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم حرمی دارد و آن مدینه است، امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است بدانید و آگاه باشید که قم، کوفه صغیره است. در قم بانوی از فرزندان من که نام او فاطمه بنت موسی

است از دنیا می‌رود و تمام شیعیان من، همگی به شفاعت او داخل بهشت می‌شوند.^۱

امام صادق علیه السلام چهل و پنج سال قبل از ولادت ایشان، حتی قبل از تولد پدر بزرگوارش، با تجلیل، از تولد و رحلت و محل دفن او خبر داده و ثواب زیارت با معرفتش را بهشت و شفاعتش را شامل حال تمام شیعیان دانسته‌اند. در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بعد از امام رضا علیه السلام از نظر علمی و اخلاقی و از جهت شخصیت فردی و کمالات معنوی و روحانی برترین آنان است. این حقیقت از اسمی، القاب، توصیف و تعاریفی که از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام رسیده به خوبی نمایان است.

مرحوم شیخ عباس قمی علیه السلام درباره ایشان می‌گوید:

«بر حسب آنچه به ما رسیده، افضل دختران موسی بن جعفر علیه السلام معروف به حضرت معصومه علیها السلام است که مزار شریفش در بلده قم است.»^۲

همچین مرحوم شیخ فضل علی آقای قزوینی علیه السلام از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی علیه السلام در این باره چنین می‌نویسد:

فضائل و مزايا و مراتب کمال و جلال ظاهري و باطنى، و صورى و معنوى آن برگزیده ذوالجلال، خارج از حد وهم و خيال و بيرون از باطن و مقال است به رنگ و بو و خط و خال چه حاجت روی زیبا را.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۵۹.
۲. منتهاء الآمال، ج ۲، ص ۴۳۰. انتشارات هجرت.

در خانواده رسالت و طهارت بعد از بی‌بی عالم حضرت زهرا علیها السلام و حضرت صدیقه صغیری زینب کبری علیها السلام زنی به این جمال و کمال و علو مکان و رفت شان و بنالت و بزرگی مقام، ثالثة الثلاثة و ثانية الاثنين است و بعضی خصوصیاتی است که مخصوص به خصوص همین بی‌بی است مثل نصّ بر زیارت و امثال آن...^۱

این همه منزلت و عظمتی که برای شهر قم در روایات آمده به دلیل کمال و منزلت فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که در اینجا مدفون است و اگر قم، حرم اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌شود سر آن به جهت وجود گوهری است که در روایت امام صادق علیه السلام به آن اشاره شده است: «تقبض فیها امرأة من ولدي».^۲

بيان امام رضا علیه السلام در متن زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، یعنی «يا فاطمة اشفعى لى فى الجنة فان لك عند الله شأننا من الشأن»^۳ نشانگر وجود مقامی ارجمند در درگاه خداوند برای حضرت معصومه علیها السلام است؛ مقامی که درک آن، تنها برای آنان که به حریم «عنداللهی» راه یافته‌اند، ممکن است، از این رو آنها توان آن را دارند که آن مقام را بشناسند و با الفاظ و واژه‌ها آن را برای دیگران به تصویر کشند.

۱. رواق عصمت، سید علی حسینی، ص ۵۹. از مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرنگی قم. به نقل از نسخه خطی الهدایة المرضیة الى الحضرة الرضویة.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۶۵.

مرحوم قزوینی چنین می‌فرماید:

تنوین «شأناً» [در زیارت نامه آن حضرت] برای تعظیم است و الف و لام «من الشأن» برای عهد و این... مقام کمال و افضل مراتب جلال است که عقول در ادارک آن قاصر و افهام در فهم آن عاجز است، هرچه گفته شود عبارت؛ بلکه یک معنایی است که لفظ و عبارت ندارد؛ بلکه مقامی است که تصور آن نتوان کرد مگر کسانی که دارای آن مقام باشند یا قریب به آن مقام به اندازه حوصله و استعداد.^۱

بدون تردید عظمت و جلالت و منزلت و بزرگی حضرت معصومه  به مرتبه معصومین  نمی‌رسد، ولی مقایسه و تطبیق جمله «فان لک عند الله شأننا من الشأن» با جمله‌های مشابهی که درباره ائمه  آمده است، نشان می‌دهد، حضرت در شأن و مقامی نزدیک به مراتب ائمه  قرار دارد. به تعبیر دیگر، شأن ایشان از همان سخن است گرچه محدودتر و رتبه اش پایین تر از آنهاست، ولی آنچه اهمیت دارد همان تعبیر امامان  درباره وی است که خداوند به حضرتش به دلیل داشتن چنین مقام و مرتبه‌ای اذن شفاعت داده است.

شفاعت شافعان، شامل کسانی است که در زمرة رهروان طریق اهل بیت  باشند. در واقع، حبّ اهل بیت  در بسیاری از موافق قبر و قیامت، نجات بخش انسان است.

۱. رواق عصمت، ص ۶۲.

پیامبر اکرم  در این باره فرموده‌اند:

حبّ اهل بيٰت نافع في سبعة مواطن اهوالهنّ عظيمة، عند الوفاة، و في القبر، و عند النشور، و عند الكتاب، و عند الحساب، و عند الميزان، و عند الصراط؛^۱

محبت اهل بیت  من در هفت محل که ترس و هراسشان بزرگ است نفع می‌رساند: هنگام مرگ، در قبر، موقع حشر و نشر، هنگام کتاب، هنگام دادن نامه عمل، هنگام میزان(وزن کردن اعمال)، هنگام عبور از پل صراط.

در خصوص شفاعت حضرت معصومه  و حشر و نشر و اینکه مرگ با محبت به اهل بیت  دارای ثواب و اجر شهید است روایاتی به دست ما رسیده که نشان از آن موهبت الهی است که روح حضرت به جلوه قدس مزین گردیده و همه شیعیان را در دایره شفاعت خود قرار خواهد داد.

در روایت شریفی امام صادق  فرمود:

«إنّ زيارتها تعادل الجنة؛»^۲ زیارت فاطمه معصومه  برابر با بهشت است.

«الف و لام» در «الجنة» استغراق یا جنس است و معنی اش این است که زیارت آن حضرت موجب می‌شود که زیارت کننده مستحق تمام بهشت باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.

۲. همان، ج ۶۰، ص ۲۲۸.

مقصود از این جمله آن است که زیارت آن حضرت با دخول در بهشت برابری می‌کند.

بی‌شک شفاعت فاطمه معصومه علیها السلام به جهت اتصال به ولایت اهل بیت به قدری گسترده است که امام رضا علیه السلام آن را در ردیف شفاعت و کرامت معصومین علیهم السلام ذکر می‌فرمایند:

السلام عليكِ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَسَرَنَا فِي زَمْرَتِكِ
وَ أَوْرَدَنَا حَوْضَ بَيْتِكِمْ وَ سَقَانَا بِكَأسِ جَدِّكِمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ علیهم السلام...؛^۱ سلام بر تو باد، خداوند متعال در بهشت ما را به شما
 بشناساند و ما را در گروه شما محشور گرداند و ما را در کنار حوض
 پیغمبر شما درآوردد و ما را با جام جد شما از دست علی بن ابی طالب علیهم السلام
 سیراب نماید.

از تحلیل دقیق شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در می‌یابیم که آن حضرت در افقی متصل به امامت و بالاتر از همه شیعیان و واسطه جریان بزرگ فیض رحمت و علم قرار دارد و شفاعت گسترده اش محبین اهل بیت علیهم السلام را در بر می‌گیرد.

خلاصه اینکه دختر بزرگوار امام موسی بن جعفر علیهم السلام از جمله بانوانی است که در وادی عصمت و طهارت قرار دارد و تالی تلو معصوم است. ایشان به جهت صفات معنوی و عفاف و طهارت مادرش، نجمه خاتون و به واسطه برخورداری از تعالیم هدایت بخش دین و قرآن در حریم امن پدرش امام

۱. همان، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵؛ بخشی از زیارت‌نامه حضرت.

کاظم علیه السلام و سپس مأمن ایمان برادرش، امام رضا علیه السلام و به سبب بهره مندی از طاعت و بندگی خالصانه به درگاه رب العالمین به آن درجه از کمال معنوی و صفاتی باطنی رسید که در حقش آمده:

«من زارها فله الجنة؛^۱ هر کس او را بشناسد و زیارت کند سزاوار بهشت است».

آری، حرف دل و زمزمه زبان هر زائر عارف و عارف عالم و غیر عالم، شهری و روستایی، ایرانی و غیر ایرانی، مرد و زن و خردسال و بزرگسال این است که: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة».^۲

کریمه اهل البيت علیهم السلام

آراستگی و وارستگی انسان، جز آنکه پاداش عظیم اخروی به همراه دارد آثار و نمودهای عینی از خود به جای می‌گذارد که در چهره صالحان و سیمای فرزانگان و زندگی روزمره ایشان به روشنی مشاهده می‌شود:

﴿سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ﴾^۳

در واقع سجده‌های طولانی و خضوع و خشوع بندگان صالح بر درگاه حضرت حق، چهره‌ای نورانی از ایشان به جای گذاشته است.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۲. همان.

۳. سوره فتح، آیه ۲۹.

وقتی که معصوم علیها السلام فرمود: «الوضوء على الوضوء نور على نور»^۱ یعنی اینکه وضو بر وضو (تجدید وضو) باعث روشنایی دو چندان درون و بروون تقوایشگان است. همچنین آثار برکات اعمال صالحی چون نماز شب، صله رحم و صدقه که در زندگی عادی انسان‌ها ملموس و محسوس‌اند. این تقوا و وارستگی و پاکی و آراستگی به صفات جمیل الهی است که انسان را یکپارچه نور می‌نماید و راه حق و ثواب را به روشنی درمی‌یابد؛ همان‌گونه که فرمود:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِيْكَ إِنَّمَا مَا إِنْ تَفَعَّلُ أَنَّهُ يَجْعَلَ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾

پس هر آنکه تقوایش باشد، ره گم نکند، بلکه همیشه به راه حق باشد و بدین سبب، رهرو راه دیگران می‌گردد و دریای نور و کرم خویش را بر ره گم کردگان و به بن بست رسیدگان ارزانی می‌دارد چرا که او مصدق **﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَقْنَنُكُمْ﴾**^۲ است.

به بیان دیگر، هر کرامت‌جویی باید ره به کوی او بسپارد و آنگاه که انسانی، جامع چنین ویژگی‌های نورآفرین و برکت‌زای و کرامت‌ساز باشد وجودش سرچشم‌هیض الهی و منبع خیر و برکت و مظہر لطف و کرامت ربوی خواهد بود. این اولیای خدایند که به فرموده امام هادی علیهم السلام:

«عَادَتُكُمُ الْأَحْسَانُ وَ سُجِّيَّتُكُمُ الْكَرْمُ...؛ خَلْقٌ وَ خَوْيٌ جَدَا نَاضِيرَتَانَ،

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۱.

۲. سوره انفال، آیه ۲۹.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۴. البلد الامین، ج ۱، ص ۳۰۲؛ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه، ص ۵۴۹.

کرامت الهی و عادت و سیره و روش خدایی شما نیکی و احسان به خلق اوست».

تنها این حضرات هستند که این حقایق را عینیت بخشیده‌اند و در مکتب سراسر لطف و کرامت خویش، انسان‌هایی پرورش داده‌اند که هم در زمان حیات و بعد از آن، منشاً برکات و کرامات بی‌شمار الهی گردیده‌اند.

بر این اساس، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نمونه‌های عالی و بارز این واقعیت است و به حق ضربی و رواق و بارگاه ملکوتی‌اش چشم‌هیض کرامت و لطف پروردگاری است که بر دل‌های سوخته و دست‌های به آسمان برداشته شده و چشم‌های اشکبار وجود غمبار گرفتاران جاری است. به راستی که روز و شبی نگذرد که در این درگاه سرشار از کرم و خیر و نور، کرامتی بروز نکند. اینجا منبع کرم و شفاخانه دردمدان و نقطه امید آرزومندان و مشکل گشای گرفتاران و امانده از همه جا و پناهنده به این آسمان ملک پاسبان است. آری، به حق حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را می‌توان «کریمه آل علی» نامید و بارگاه ملکوتی‌اش را تجلی‌گاه بیت‌الکرم فاطمی در مدینه دانست، چرا که او عصاره فضائل آن بانو و میراث بر کرامت و بزرگواری آن مادر است.

لقب کریمه اهل بیت علیها السلام در رؤیایی صادقه یکی از بزرگان از طرف معصوم علیها السلام به این بانو اطلاق شده است. مرحوم آیت‌الله سید محمود مرعشی نجفی (متوفای ۱۳۳۸ق.) پدر مرحوم آیت‌الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی (متوفای ۱۴۱۱ق.) بسیار علاقه‌مند بود که به هر طریقی شده، محل قبر مبارک حضرت صدیقه اطهر فاطمه زهرا علیها السلام را به دست آورد. به همین منظور، ختم مجری را انتخاب و چهل شب به آن ختم مداومت نمود تا شاید خداوند به طریقی او را از محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آگاه نماید.

شب چهلم بعد از انجام ختم و توسّل فراوان استراحت کرد. در عالم رؤیا به محضر مقدس حضرت امام باقر یا حضرت امام صادق علیهم السلام^۱ مشرف شد و امام علیهم السلام به ایشان فرمود:

«عَلَيْكَ بَكْرِيَّةُ أَهْلِ الْبَيْتِ؛ بِرٌّ تُوَادِّ بِهِ كَرِيمَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ».

ایشان به تصور اینکه منظور امام علیهم السلام از «کریمه اهل بیت علیهم السلام» حضرت زهرا علیها السلام است عرضه داشت:

قربانت گردم، من این ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را به صورت دقیق تر بدانم و به زیارت شریف شوم.

امام علیهم السلام فرمودند: «منظور من قبر حضرت معصومه علیها السلام در قم است» سپس اضافه فرمودند:

به جهت مصالحی که خداوند اراده فرموده که محل قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای همیشه از همگان مخفی باشد، لذا قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را تجلی گاه قبر مادرش فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده است.

مرحوم آیت الله مرعشی هنگامی که از خواب برخاست تصمیم گرفت نجف اشرف را به قصد زیارت حضرت معصومه علیها السلام ترک نماید، از این رو به همراه همه اعضای خانواده رهسپار ایران گردید.^۲

۱. این تردید از مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی است.

۲. علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت، صص ۴۳-۴۴.

صاحب وسیله المعصومیه می‌نویسد:

«آن حضرت مستغرق عبادت، و از آلایش معاصری معصوم بوده، هیبت عصمت مادرش زهرا علیها السلام در او تجلی کرده بود.»^۱

کرامت آن حضرت اثبات می‌کند که آن بزرگوار دارای قدرت روحی خاص و نورانیت بیشتری نسبت به دیگران است.

به عبارت دیگر، هر قدر قدرت روحی و حیطه تسلط روح و نوع اعمال، قوی تر باشد به همان میزان مؤثر را محکم که معرفی و اثبات می‌کند و از سوی دیگر سیره و آیین، حقانیت راه و طریق آنان را اثبات می‌کند و کرامت نیز مهری به صداقت ادعای او می‌زند.

وقتی می‌بینیم که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر و خواهر و عمه حجت خداوند است و به سیره آنها عمل می‌کند به راحتی به میزان تقرّب او و به عظمت روحش بی می‌بریم. از طرفی کرامات و شفابخشی‌های ظاهر شده از محضر مبارک آن حضرت هیچ فرقی با کرامات ائمه اطهار علیهم السلام ندارد.

یعنی با مقایسه این کرامات می‌توان به قدرت روحی والای این بانوی عظیم الشأن پی برد. مواردی همچون بینایی‌بخشی به کور مادرزاد، شفای مريض سلطانی و شفای فلچ مادرزاد نشان از قداست و حرمت وی در درگاه خداوند و ائمه اطهار علیهم السلام دارد.

۱. وسیله المعصومیه، ص ۶۸.

مصاديقی از کرامات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

۱. کرامات حضرت معصومه در تفسیر آیه تطهیر

مرحوم حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی جهان در این باره چنین نقل فرموده‌اند:

صدرالمتألهین که هم‌اکنون نیز خانه‌اش در کهک محفوظ است، قسمتی از اسفار را در همینجا نوشته است. در حالات صدرالمتألهین است که می‌گویند در حاشیه کتابی چنین نوشته:

«هر وقت یک مطلب فلسفی برایم مشکل می‌شود و راه حلی پیدا نمی‌کرم و هر چه فکر می‌کرم به جایی نمی‌رسیدم، از کهک به قم می‌رفتم و حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می‌کردم و از ایشان می‌خواستم که آن مشکل برای من حل بشود و حل می‌شد.» این بیان صدرالمتألهین نشان از لطف آن حضرت نسبت به یک عالم بزرگ است.

یکی از کرامات‌های حضرت معصومه علیها السلام نسبت به خودم این است که زمانی می‌خواستم کتابی درباره آیه تطهیر بنویسم و اشکالات اهل سنت را به آن پاسخ دهم. یکی از این اشکالات که برخی از بزرگان را نیز متوجه نموده، اشکال وحدت سیاق است.

اشکال این است که آیه تطهیر،^۱ آیه نیست، بلکه نصف آیه است و آیات قبلی و بعدی آن در رابطه با زنان پیغمبر علیه السلام و خطاب به ایشان است. سؤالی

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

که مطرح می‌شود، این است که به چه مناسبت آیه‌ای که در شأن اهل بیت علیهم السلام است در ردیف آیاتی که راجع به زنان پیغمبر علیه السلام آمده ذکر شده است. من هر وقت که قرآن می‌خواندم؛ خصوصاً ماه‌های رمضان که مقید بودم حداقل یک ختم قرآن داشته باشم، وقتی به آیه تطهیر می‌رسیدم، به خودم مراجعه می‌کردم و می‌دیدم که این مسئله برای من حل نشده است. شاید در دلم گله‌ای هم می‌کردم که چرا خدا آیه تطهیر را اینجا قرار داده و به چه مناسبت در جایی آمده که قبل و بعد آن راجع به زنان پیغمبر علیه السلام است؟ آیا جای دیگری در قرآن نبود که این آیه مطرح شود؟

با اینکه این مسئله برای من حل نشده بود، با مرحوم آقای اشرفی، (داماد حضرت امام ره) بنا گذاشتیم که تحلیلی درباره آیه تطهیر داشته باشیم. به حسب ظاهر، آیه تطهیر برای خودمان هم روشن نبود. حتی بعضی از بزرگان هم، برای حل این مشکل در آیه تطهیر، دچار اشتباهاتی شده‌اند. البته، انسان هر چه بزرگتر باشد، اشتباهش هم بزرگتر است؛ مثلاً مرحوم سید شرف‌الدین عاملی با آن قداستش، با آن اهل بیتی بودنش، با آن کتاب‌هایی که در رد اهل تسنن دارد و انصافاً هم کتاب‌هایش جالب است. کتاب المراجعات ایشان در رد اهل تسنن، جداً از کتاب‌های خواندنی است. ایشان در ذیل یکی از کتاب‌هایش، رساله مختص‌الری در مورد حضرت زهرا علیها السلام به نام «الكلمة الغراء فی تفضیل الزهرا علیها السلام» نوشته که در ذیل یکی از همین کتاب‌ها چاپ شده است.

وقتی به کتاب ایشان مراجعه کردم، دیدم چون موضوع راجع به حضرت زهرا علیها السلام است، آیه تطهیر را عنوان کرده است.

ایشان برای حل مشکل، می‌گوید جای آیه تطهیر اینجا نبوده، بلکه در جای دیگر قرآن بوده است؛ در حالی که اگر انسان باب این حرف را مفتوح بکند، در قرآن خیلی اشکال پیدا می‌شود. البته ما معتقدیم که قرآن، سر سوزنی نه کم شده نه زیاد شده و نه جایش تغییر کرده است.

ما فکر کردیم می‌خواهیم شروع به نوشتمن تحلیل آیه تطهیر کنیم و دستمان هم خالی است. در واقع آیه تطهیر برای خودمان هم حل نشده است. پس چیزی که برای خودمان حل نشده، چطور درباره اش کتاب بنویسیم! با خود گفتیم به حرم حضرت معصومه  مشرف می‌شویم و از ایشان استمداد می‌کنیم که ایشان برای رسدین به واقعیت آیه تطهیر به ما کمک کند. وضو گرفتم و خیلی ساده به حرم مشرف شدم. حضرت معصومه  عمه حضرت جواد  است و این امام همام جد مادری ماست. پس حضرت معصومه ، عمه مادری ما هم می‌شوند و به من محرم‌اند.

آن روز که مشرف شدیم با اینکه وضع مالی ما خوب نبود و جنبه‌های مختلف زندگی هم دچار اشکال بود، به حضرت معصومه  عرض کردم: عمه جان! امروز فقط برای فهم یک مطلب به اینجا آمده‌ام؛ از شما نه خانه می‌خواهم، نه پول، نه زندگی، نه ماشین و نه تشکیلات. شما فقط در نوشتمن این کتاب و درباره آیه تطهیر به ما کمک معنوی بکنید. من از شما غیر از این چیزی نمی‌خواهم. این را گفتیم و بیرون آمدیم.

از فردای آن روز، وقتی آقای اشرافی به منزل ما آمد و شروع به نوشتمن کردیم، دیدیم که راه‌هایی برای ما باز شد و مطالبی برای ما روشن گردید که اصلاً این مطالب را به خواب هم نمی‌دیدیم.

نتیجه تحلیل‌های ما این شد که آیه تطهیر باید در همین جای قرآن باشد و اگر از اینجا تغییر می‌دادند و در جای دیگر می‌گذاشتند آن هدف اصلی خداوند تأمین نمی‌شد. هدف اصلی این بود که خداوند می‌خواست مسائلی راجع به زن‌های پیامبر  مطرح کند؛ از جمله اینکه اگر شما کار خیر انجام بدھید، دو برابر ثواب دارید و اگر کار بد انجام بدھید، دو برابر عقاب دارید. شما باید عفاف داشته باشید، و باید تظاهر بکنید:

﴿وَلَا تَبْغُنَ تَبْرُجَ الْجَنِيَّةِ الْأُولَئِكَ﴾

در واقع خداوند دستورهای تند و تیزی به زن‌های پیغمبر داد. شاید این اشکال پیش می‌آمد که این دستورها که خداوند به زن‌های پیامبر داده، مردم خیال کنند که اهل بیت  هم مشمول این سخنان هستند؛ مثلاً حضرت زهرا  نیز مشمول این خطاب است.

به بیان دیگر، خداوند برای اینکه جلوی چنین توهم و چنین احتمالی را بگیرد، به صورت پرانتز، آیه تطهیر را در اینجا آورد و فرمود: حساب اهل بیت  از شما زن‌های پیامبر جداست. خیال نکنید خطاب به شما، خطاب به اهل بیت  هم هست؛ نه، آنها حساب جدایی دارند. خدا خواسته که آنها را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها دور بکند.

در ادامه نیز بحث کردیم که مقصود از اراده و تطهیر چیست.

در واقع اراده ای که در این آیه آمده تشریعی است یا تکوینی؟ بعضی از اهل سنت تأکید فراوانی دارند که این اراده، اراده تشریعی است؛ در حالی که اگر

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

اراده، تشریعی باشد، اراده تشریعی خداوند از همین احکامش است و دلش می‌خواهد احکام را همه عمل بکنند و اختصاصی به اهل بیت علیها السلام که ندارد. واقعاً به برکت حضرت مصوصه علیها السلام که برای هزارمین بار از ایشان تشکر می‌کنم و کم هم تشکر کرده‌ام راه‌هایی برای ما باز شد و توانستیم آیه تطهیر را خیلی روشن و پاکیزه، بدون هیچ تأویلی و بدون هیچ خلاف ظاهری، تحلیل کنیم. شما اهل علم می‌دانید که خلاف ظاهر یعنی چه و در کجا انسان مجبور است که مرتکب خلاف ظاهر بشود. ما با قرآن و شواهد روایی، این معنا را ثابت کردیم که آیه تطهیر منحصر به اهل بیت علیها السلام است و جای آن هم همین جاست و اگر از اینجا بردارند و به جای دیگری بگذارند، آن هدف اصلی صد درصد تأمین نمی‌شود.^۱

۱۰. گرامتی درباره تعویض گنبد مطهر

حضرت آیت الله مسعودی خمینی تولیت سابق آستان مقدس کرامت طرح تعویض گنبد مطهر آن حضرت را چنین بیان فرمودند: آیت الله بهجهت هر روز صبح حدود ساعت ۷ الی ۸ به حرم مشرف می‌شوند شما اگر بروید می‌بینید که اگر دور و بر ایشان صدها نفر هم باشند به هیچ کس توجه ندارند.

یک روز بالای پشت بام رفتم نگاهم که به گنبد افتاد دیدم این مس‌های طلایی به قول خودمان وا داده و طبله کرده است.

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۸۷.

وقتی پایین آمدم به آقای فقیه میرزا^۱ گفتم: من بالای پشت بام رفتم و دیدم وضع گنبد خیلی خراب است؛ بعيد نیست که اگر یک وقت زلزله کوچکی هم بیاید، پایین نریزد. شما بررسی کنید و ببینید که آیا اینجا را می‌شود درست کرد یا نه؟ ایشان گفت: من قبل‌آیده‌ام، حدود سه الی چهار میلیارد تومان پول و حدود سه تا چهار سال هم کار می‌خواهد. چند روزی گذشت، رفتم خدمت آقای بهجهت ایشان، بدون مقدمه فرمود: «این گنبد دارد خشت‌هایش می‌ریزد، خراب شده، چرا درستش نمی‌کنید؟» گفتم: چشم، ان شاء الله خدا توفيق بدهد، درستش می‌کنیم. ایشان گفت: «خراب است، باید درستش بکنید. خداوند پولش را می‌رساند.»

چند روز گذشت، آقازاده ایشان زنگ زد که آقا می‌فرمایند: بیا اینجا! من رفتم آنجا. فرمودند: چرا شروع نمی‌کنید؟ گنبد خراب می‌شود. عرض کردم: «آقا، پول می‌خواهد. ما الان نداریم. خیلی پول لازم دارد.» ایشان فرمود: «پولش را خدا می‌رساند. شما این مطالب را با مقام معظم رهبری در میان بگذارید.» بعد به علی آقا گفتند: ۱۵ میلیون تومان بدهد. فرمودند: «این هم مقدمه کار. این ۱۵ میلیون تومان. شما شروع کن.» گفتم: «آقا! ۱۵ میلیون تومان با ۴ میلیارد تومان چه تنشی دارد!» پول را گرفتم و گفتم: «مثل اینکه خدا می‌خواهد این کار بشود.»

خدمت حضرت آیت الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری - حفظه الله تعالى - رفتم. عرض کردم جریان این طوری است، ایشان فرمودند: «هر چه آقای

۱. معاون اداری مالی وقت.

بهجهت بگوید، من چشم بسته قبول می‌کنم؛ اما پول ندارم بدhem.» گفتمن: آقا! پول نمی‌خواهیم، حمایت شما را می‌خواهیم.

آدم به آقای فقیه میرزایی گفتمن: فکری بکن، ببینیم چه کاری می‌شود کرد؟ پول را از کجا تهیه کنیم؟ ما حدود پنج شش سال قبل، با وزارت مسکن در یک مشارکت، قرارداد بسته بودیم که ساختمانی نیمه‌ساز را تکمیل بکنیم، کسی زنگ زد و گفت: آقا! شنیده‌ام شما ساختمان نیمه تمامی دارید فلان جا و این را می‌فروشید. من خردبارش هستم. گفتمن: دو سه روز صبر کنید.

مهندسان آمدند و برآورد کردند که تعمیر گنبد ۲۴۰ کیلو طلا می‌خواهد و حدود ۵۰۰ میلیون تومان هم دستمزد کار می‌شود. دو سه روزی گذشت، دیدیم آن آقا زنگ زد. گفتیم: پول نقد می‌خواهیم. گفت: پول نقد می‌دهم. ما رقتیم پیش آقای نوربخش، رئیس بانک مرکزی. گفتیم: آقا! ما ۲۴۰ کیلو طلا با قیمت مناسب می‌خواهیم. گفت: باید با آقای رئیس جمهور صحبت بکنید. با آقای رئیس جمهور صحبت کردیم و ایشان بلافضله دستور داد که ۲۴۰ کیلو طلا ظاهراً با نصف قیمت به آستانه مقدسه بدهند. من خودم رفتمن تهران، به خزانه و گفتمن: چقدر پولش می‌شود. گفتند ۶۰۰ میلیون تومان. یکی دو روز نگذشت که سهم آستانه از آن ساختمان نیمه تمام را ۶۰۰ میلیون تومان فروختیم و پولش را به خزانه دادیم و گفتیم: یا الله، شروع کنید.

بحمدالله همه کارها جور شد؛ حتی مهندس طلاکاری آستان مقدس رضوی که گفته بود من اینجا استخدام شده‌ام و نمی‌توانم بیایم، چند روزی که گذشت به من زنگ زد که آقا من بازنشسته شدم و می‌توانم بیایم. بازنشستگی ایشان هم درست شد. در ظرف یک ماه آمدند و در اینجا مشغول شدند و با

دقت و جدیّت، کار کردند. اکنون بحمدالله، کار به نصف رسیده و امیدواریم کمتر از چهار سال، این را تحويل بدھیم.^۱

این مصاحبه در سال ۱۳۸۳ انجام شده و گنبد در حال مرمت بود. در اردیبهشت ۱۳۸۴ مصادف با ۱۷ ربیع الاول کار به اتمام رسید و توسط مرحوم آیت الله العظمی بهجهت علیہ السلام از آن پرده برداری شد.

۳. برکت قم به واسطه گرامت مضرت معصومه

حضرت آیت الله صابری همدانی می‌فرمایند:

بنده خاطره‌ای از مرحوم میرزا محمد تقی اشرافی، پدر مرحوم اشرفی داماد امام علیه السلام دارم. ائمه علیهم السلام عنایت خاصی به قم و به حضرت فاطمه معصومه علیها السلام داشته‌اند. از برکات حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و عنایت ائمه اطهار علیهم السلام در قم، ویژگی‌هایی وجود دارد که حاکی از قداست این مکان و این شهر و عظمت علمی و دینی شهر قم است.

یک روز از منزلم به مدرسه فیضیه آمدم تا در مجلس ختمی که در آنجا برپا بود شرکت کنم. مرحوم اشرفی، یعنی پدر اشرفی داماد، بالای منبر بود و صحبت می‌کرد و ما هم آمدیم و پای منبرش نشستیم. ایشان داستانی نقل کرد که من آن را یادداشت کردم و برای خیلی‌ها هم گفتمن.

ایشان فرمودند: من یک شب در عالم خواب دیدم که به مدرسه فیضیه آمدم. دیدم همه طلاب در طرف دارالشفا اجتماع کرده‌اند، ولی همه وحشت و

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۱۵۷.

ترس دارند. از آنان پرسیدم چه خبر است؟ چه کسی اینجاست؟ گفتند: حضرت علی علیها السلام در آن طرف پرده فیضیه است. ایشان (میرزا محمد تقی) خلی شجاع بود و می‌گفت: من آستین عبایم را پوشاندم و به طرف غرب مدرسه فیضیه آمدم. خودم هم از قبل دیدم که سه نفر آنجا هستند. گفتند: یکی حضرت علی علیها السلام است، دو تا هم کارگر است. آمدم خدمت حضرت و سلام عرض کردم، عرض کردم یا امیرالمؤمنین علیها السلام در اینجا، چه می‌کنید؟ حضرت فرمود: تخم گل‌هایی را در این مکان و در این باعچه می‌کارم. آن حضرت به آن دو نفر کارگر هم دستور می‌داد کار کنند و تخم گل‌ها را کاشتند. سپس با هم آمدیم و به سمت یک حجره‌ای در طرف کتابخانه رفتیم و آنجا نشستیم.

حضرت علی علیها السلام مقداری عسل میل فرمودند و به من هم از آن عسل دادند و بعد فرمودند که این حجره، مربوط به یکی از آذربایجانی‌ها بود که الان در مشهد است، اما اسمش را نفهمود.

وقتی از خواب بیدار شدم، خدمت مرحوم شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه رفتم و گفتمن: آقا من چنین خوابی دیده ام. آقا خلی متأثر شدند و اشک از چشم‌شان جاری شد. آنگاه فرمود: امیدواریم که ما این گل‌ها را شکوفا کنیم و تربیت کنیم تا این تخم گل‌هایی که امام علی علیها السلام کاشته‌اند یک روزی رشد نمایند و برای مردم عطراfasانی کنند.

واقعاً باید گفت یکی از آن تخم گل‌ها امام علیها السلام بود که از این حوزه به عمل آمده و همچنین مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی علیها السلام، مرحوم آیت الله العظمی سید احمد خوانساری، مرحوم اراکی علیها السلام و دیگر علمایی که از برکات همان تأسیس حوزه علمیه، رشد کردند.

امید است که ان شاء الله این تخم گل‌ها هیچ وقت پژمرده نشود و موافقی که دشمن به قم حمله و قصد سویی کرده، مطابق روایات، هر ظالموی که بخواهد قم را از بین ببرد، خدا او را ذلیل و خوار کند که همین طور هم بوده است.

از زمان‌های دور، بسیاری از علماء و بزرگان وقتی در حل مسائل علمی عاجز می‌مانندند و هیچ راهی برای حل مشکلات خود نداشتند همین زیارت حضرت معصومه علیها السلام بهترین راه حل مشکل آنها بود. امام علیها السلام در صحن بزرگ خیارات مکاسب تدریس می‌فرمودند و بعد از درس، هر روز به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف می‌شدند و زیارت می‌کردند و سپس بر می‌گشتند. در واقع توجه علماء و فقهاء و بزرگان به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نشان‌دهنده این است که ارتباط دینی و قلبی محکمی بین فقهاء و علماء و بزرگان با حضرت معصومه علیها السلام بوده است. خود ما هم همین ایام طلبگی از حضرت معصومه علیها السلام خلی استفاده کردیم و در مشکلاتی که داشتیم و حل نمی‌شد، به آن حضرت متولی می‌شدیم. در دوران جوانی، قلب‌هایمان خیلی صاف بود و چون متولی می‌شدیم، به حرم مشرف می‌شدیم، دعا می‌خواندیم و مشکلات ما حل می‌شد. علمایی مثل مرحوم شیخ محمد تقی بافقی یزدی دور حرم حضرت معصومه علیها السلام می‌گشتند و علاقه‌شان به مسجد جمکران نیز زیاد بوده است لذا توصلات بزرگان و فقهاء به حضرت معصومه علیها السلام چیزی است که در همه دوران وجود داشته و ثابت و مسلم بوده است.

عبارت «الاسماء تنزل من السماء» روایت باشد یا نباشد، اما بین همه آقایان معروف است. فیضیه در قم، خودش برای مسلمین، منبع فیض است. در کتابی که گمان می‌کنم از مرحوم فیض کاشانی است، دیدم که ایشان یک

شب به قم می‌آید و در آنجا می‌ماند. همان شب خوابی می‌بیند و به واسطه آن مدرسه فیضیه را می‌سازد؛ یعنی بنای مدرسه فیضیه را آن عالم بزرگ می‌گذارد.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یا مرحوم میرزای قمی و دیگر علماء متوجه این مطلب بودند که قم محل فیض است و آن روایتی را که می‌فرماید: «الولا القمیون لضاع الدین»^۱ علمای ما نوشته و نقل کرده‌اند. در حقیقت این گونه روایتها باعث می‌شده که فقهاء و بزرگان توجه بیشتری به قم داشته باشند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم هم علاوه بر آن معنویاتی که داشت، از این اوضاع اطلاع داشته و شاید بشود گفت که آن روایتی که از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که مردی از قم قیام می‌کند و مردم را دعوت به حق می‌کند و یک عده او را اجابت می‌کنند که: «کَبُرِ الحَدِيدُ؛ مَانَدْ تَكَهَّهَايَ أَهْنَ سَفَتْ مَحْكُمَانَدُ»، همه اینها را دیده‌اند.

همچنین روایتی که تأکید فرموده روزی می‌آید که دین از قم به جاهای دیگر، منتشر می‌شود، همه اینها را یک مژده‌ای می‌دانستند، لذا همه بزرگان و علماء به اینجا توجه داشته‌اند. الان هم ما می‌بینیم که بحمد الله و النعمه از قم است که برکات علمی و دینی نصیب مردم شده است و دارد نصیب دنیا می‌شود، ان شاء الله.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷.

۲. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۲۴۰.

۴. پرداخت شهریه به واسطه حضرت فاطمه معصومه

حضرت آیت الله رمضانی فردوبی از کرامات فاطمه معصومه علیها السلام چنین نقل می‌کنند:

مرحوم آیة الله صدر حجه مشغول نوشتن کتاب «لواء الحمد» بود. ایشان می‌خواست تمام روایاتی را که از طریق غیر شیعه، از پیغمبر ﷺ نقل شده، جمع آوری کند و در مقابلش، روایات خودمان را هم بیاورد، ولی موفق نشد آن را تمام کند. ایشان دستش رعشه داشت و نمی‌توانست بنویسد، از این رو به من فرموده بود تا خدمتش بروم و مطالب را بنویسم. من هم خدمت ایشان می‌رفتم و روایاتی را که ایشان می‌خواند، می‌نوشتم.

روزی خدمت ایشان رفتم و مقداری از روایات را که ایشان خواند، نوشتم. ایشان فرمود: آقای رمضانی! بس است خسته شدی. بنشین تا قدری صحبت کنیم و رفع خستگی بشود. این مرد بسیار بزرگ، اخلاق خیلی زیبایی داشت. ایشان برایم نقل کرد:

بعد از رحلت آیت الله العظمی حائزی حجه رژیم پهلوی بر علاما خیلی سخت گرفت تا جایی که حتی نگذاشتند برای ایشان دو ساعت مجلس ترجمیم گرفته شود. در آن زمان در مسجد امام مجلس گرفتیم، رئیس شهربانی آمد و گفت که آلا و لا بد باید مجلس را جمع کنید.

مرحوم صدر در ادامه فرمود: مریضی من همه اش به خاطر همان پهلوی اول بود. من متصدی شدم تا به طلبه‌ها شهریه بدهم و متصدی حوزه شدم و رسیدگی می‌کردم. ماهی سه تoman به طلبه‌ها شهریه می‌دادم. یک وقت وجوهات نرسید، پیشکارم ملا ابراهیم می‌رفت و از بازاریان پول قرض می‌کرد و

می آورد و شهریه را می دادم. چند ماه به همین منوال، پول قرض می کردم و شهریه را دادم تا یک وقت دیدم ۱۲ هزار تومان مقروض شدم. گفتم این ماه دیگر شهریه نمی دهم، دیگر نمی توانم قرض کنم. قرض نکردم و شهریه را هم ندادم.

وقتی طلبه ها به خانه ام آمدند، من پهلوی در گاه نشسته بودم. طلبه ها که داخل حیاط بودند، گفتند: آقا جان! چرا شهریه نمی دهید؟ گفتم: پول ندارم. اصرار کردند. یک مرتبه صدای گریه طلّاب بلند شد. گفتند: آقا! به قول معروف، نه در غربت دلم شاد و نه روی در وطن دارم. ما در اینجا که شب ها باید بیاییم در حجره هایمان، روزها نیز باید برویم با غها و بیابان ها. آنجا که اگر بیایند ما را می گیرند یا آزار و اذیتمان می کنند یا لباس هایمان را پاره می کنند که باید این لباس متحد الشکل باشد. بعد هم که بخواهیم به طرف وطنمان برویم، ماشین ها ما را نمی برند و می گویند: ماشین هایمان پنچر می شود و سوارمان نمی کنند. با این شهریه شما امورات ما هر طوری بود، سر می شد. این را هم که شما تعطیل کردید، پس ما چه کنیم؟

همان طور که گریه می کردند، من هم گریه ام گرفت و قدری گریه کردم، بعد گفتم: آقایان خواهش می کنم تشریف ببرید! برای فردا یک کاری خواهム کرد، درست می کنم ان شاء الله و به زبان خوش، آنها را روانه کردم.

بعد از رفتن طلّاب تا شام اصلاً فکرم به هیچ جایی نمی رسید، سحر پا شدم و به حرم حضرت معصومه علیها السلام رفتم، نماز خواندم تا اذان صبح شد. نماز صبح را هم خواندم. خلوت بود و هیچ کس در حرم حضرت معصومه علیها السلام نبود. فقط چند تا از این خدمه ها آنجا خوابیده بودند. پای ضریح آمدم و با حالت عصبانیت بسیار، گفتم: عمه جان! این رسمش شد؛ یک عده کسانی که می خواهند حامل

علوم اهل بیت علیهم السلام باشند، حامل علوم آبا و اجدادتان باشند، اینجا کنار شما، از گرسنگی بمیرند! آیا قبول می کنی؟ اگر نمی توانید، دست بر دامن امیر المؤمنین علیهم السلام یا برادرت علی بن موسی الرضا علیهم السلام بشوید. اگر می توانید چرا نمی رسانید؟ اگر این طور باشد، من هم دیگر به زیارت شما نمی آیم.

آنگاه با حالت عصبانیت از حرم بیرون رفتم، ولی پشیمان شدم که چرا این صحبت ها را کردم. هنوز هوا تاریک بود که به خانه رفتم و به اتاقی آمدم که بین بیرونی و اندرونی است. آنجا روی تخت نشستم، هنوز هوا تاریک بود و نمی دانستم چه بکنم. با خود گفتم یکی دو ساعت دیگر طلبه ها که بیایند، من چه کار کنم؟ ناگهان دیدم کربلا یی محمد در می زند. گفتم: بیا تو، آمد، گفت: آقا! یک نفر آمده که یک شاپو سرش است و کراوات هم دارد و چمدانی هم دستش است. می گوید: الان می خواهム خدمت آقا برسم. من ترسیدم که مبادا به شما آسیبی برساند، گفتم که آقا حرم رفته بود، نمی دانم آمده است یا نه. بروم سؤال کنم. گفتم: بگو بیاید و راحتم کند. آمد، شاپو را از سرش برداشت و چمدان را هم گذاشت روی زمین و آمد دست من را بوسید و سلام و علیک و خیلی عذرخواهی کرد که آقا بیخشید، معذرت می خواهム، من بی موقع خدمتتان رسیدم. موقعی که آمدم جلوی تپه سلام، نزدیک شاه جمال که رسیدم یک مرتبه نگاهم به گنبد حرم حضرت معصومه علیها السلام افتاد، یک مرتبه به فکر افتادم - همان موقعی بوده است که داشتم با حضرت معصومه علیها السلام جر و بحث می کردم - که ما داریم مسافرت می کنیم، اگر آمد و پیشامدی شد، پس ما چه کار کنیم؟ اموال همراه من باشد، مال از بین بروند و دین خدا و پیغمبر علیهم السلام و امام علیهم السلام هم در ذمہ ام بماند. وارد شهر شدیم و من از راننده درخواست کردم نیم ساعتی صبر کند تا من خدمت آقا بروم و برگردم. اکنون هم خیلی

عذرخواهی می‌کنم که بی‌موقع خدمتستان رسیدم. حساب‌هایش را کرد و پول‌ها را از چمدانش درآورد و تقدیم کرد؛ به اندازه‌ای که یک سال تمام شهریه را دادم، بیشتر هم دادم و قرض‌ها را نیز ادا کردم.
آنگاه رفتم پای ضریح حضرت مصوصه  و عرض کردم: عمه جان!
خیلی بزرگوار و کریم هستی.

از این مطلب که بگذریم درباره مرحوم میرزا قمی هم نقل شده که پای ضریح حضرت مصوصه  می‌رفته و استفاده‌هایی می‌کرده است. ملاصدرا هم همین طور و نیز سایر علماء که همگی متولی می‌شدند و کراماتی که از حضرت مصوصه  وارد شده، خیلی زیاد است.^۱

۵. حوزه علمیه مورد عنایت اهل بیت

حضرت حجت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری مدیر حوزه علمیه بیان نموده‌اند:

اما خاطره جالبی که بعد از آن احساس کردم مورد عنایت این بزرگواران هستم، این است که در ماه ربیع سال ۱۳۸۱ ه.ش. به ناراحتی قلبی مبتلا شدم و این ناراحتی در ایام اعتکاف رخ داد؛ هنگامی که در مسجد جمکران سخنرانیم تمام شد و به سوی منزل بر می‌گشتیم، به رانده گفتم: حالم مساعد نیست، در ناحیه قفسه سینه احساس ناراحتی می‌کنم. ایشان گفت: شاید سرما

۱. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۲۸۷.

خورده‌اید. درد قفسه سینه شدیدتر می‌شد. سرانجام به پژشک مراجعه کردم و تحت معالجه قرار گرفتم. پژشکان گفتند: باید مراقبت کنید تا – ان شاء الله – مدوا بشوید. در یکی از شب‌هایی که به شدت درد می‌کشیدم، حدود ۱۰ یا ۱۰/۳۰ شب مشرف شدم به حرم کریمہ اهل بیت علیهم السلام. سرم را به ضریح مطهر گذاشتم. هم عوامانه گریه کردم و هم عوامانه گلایه کردم. تعییراتی که آن موقع یادم هست به کار بردم این بود که ما دلمان خوش است که خدمت گزار حوزه شما اهل بیت  هستیم، ولی شما سراغی از ما نمی‌گیرید و ما اگر این مشکلات و ناراحتی هایمان را به شما نگوییم، پس به چه کسی بگوییم؟ از این سری تعییراتی که آدم گاهی خلاصه پیش عزیزانش مطرح می‌کند، مطرح کردم و با چشم گریان از حرم بیرون آمدم و به منزل برگشتم.

در آن ایام نقاحت، روزی یک ساعت به مدیریت حوزه برای رفع مشکلات طلاب سر می‌زدم.^۳ یا ۴ روز این قضیه گذشته بود که یک آقای روحانی آمد و گفت یک کار بسیار ضروری و فوری با شما دارم، به شرط اینکه کسی نباشد، گفتم: الان مهمان دارم، چند تا از ائمه محترم جمعه کشور آنجا آمده بودند. جلسه‌ای داشتیم. ایشان گفت: من صبر می‌کنم. آقایان نزدیک ظهر رفتند. من گفتم: زمینه مساعد است، مطلبی که می‌خواستید، به من بگویید. دیدم ایشان یک نگاهی به من کرد و گفت: شما سه – چهار روز قبل یا سه – چهار شب قبل از حضرت مصوصه  گلایه کرده‌اید؟ من ناباورانه، با تأمل مختصراً گفتم: بله! من از حضرت به خاطر این بیماری که پیدا کردم، گلایه کرده‌ام! حالا چه شده است؟ ایشان در پاسخ گفتند که از من نپرس؛ حالا چه کسی به

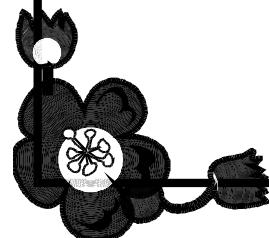
شما گفته؟ همین را بدان که به من گفته‌اند به شما یک پیام بدhem و آن پیام این است که گفتند: به سید هاشم بگویید که از ما گلایه نکند. ایشان خیال می‌کند حوزه را خودش به تنهایی اداره می‌کند، منهای کمک و مساعدت و همراهی ما، ایشان مطمئن باشد که ما در مشکلات به ایشان کمک می‌کنیم و اینکه حوزه را ایشان اداره می‌کند مورد عنایت ماست. یک باره اشکم جاری شد. با خودم گفتم که ما کجا ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام کجا و این همه لطف و توجه آنها کجا! خلاصه از این بنده خدا تشکر کردم و کمی اصرار کردم که این مطلب در خواب به شما گفته شده یا در بیداری؟ ایشان به من گفتند: شما اصرار نکنید پرسید این مطلبی را که گفتیم واقعیت داشته یا نداشته؟ گفتم: داشته، گفت: همین بس است. این پیام آنهاست. چه کار دارید که من چگونه فهمیده‌ام!

بلافاصله به حرم مشرف شدم و از محضر حضرت عذر خواهی کردم. گفتم: گلایه و گریه من عوامانه بوده، ولی شما زود پاسخ دادید! همین که قلبم مطمئن شد که مورد توجه شما هستیم، برای ما کافی است. خوشبختانه بیماری ما هم مرتفع شده است و الان هم توفیق داریم که در خدمت طلاب و حوزه باشیم. این کرامت از چه جنبه مهم بوده است: ۱- حوزه مورد عنایت معصومین علیهم السلام است؛ ۲- خدمت گزاران حوزه مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ ۳- اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود مواطنان؛ هم شکایتها و هم گلایه‌ها را می‌شنوند و هم به موقع پاسخ می‌دهند.^۱

۱. همگام با زائران عارف، ص ۳۶۰.

بنجش پنجم:

زیارت، سنتی اسلامی



به زیارت او خواهم رفت و از هراس‌ها و وحشت‌ها نجاتش خواهم داد.

زيارت، شرفیابی به محضر اهل بیت علیه السلام و کسب فیوضات و برکات معنوی از ساحت قدسی آنان است.

زيارت، حضوری عارفانه و مشتاقانه در بارگاه پاکان و تشرف به حرم‌های مقدس و نورانی آنان است.

زيارت، دانشگاه انسان‌سازی و معنویت و مکتب خودسازی و معرفت و فرصتی طلایی برای طهارت و پاکی اخلاق و پاکسازی درون است. از این گذشته، سیره عملی پیامبر علیه السلام هم بر زیارت بوده است. چنانچه روایت شده آن حضرت قبر مادرش را زیارت کردن و اشخاص همراه خود را گرداند و آنان را به زیارت قبور سفارش کرد:

زارَ النَّبِيِّ قَبْرَ أُمِّهِ فَبَكَى وَ أَبَكَى مَنْ حَوَلَهُ... إِسْتَأْذَنْتُ رَبِّي فِي أَنْ
أَزُورَ قَبَرَهَا، فَأَذِنَ لِي، فَزُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكَّرُ كُمُّ الْمَوْتِ؛^۱ پیامبر
اکرم علیه السلام قبر مادر خود را زیارت نمود و در کنار قبر او گریست و کسانی را که در اطراف او جمع شده بودند گرداند... فرمود: از خدایم اجازه گرفته‌ام که قبر مادرم را زیارت کنم، شما نیز قبرها را زیارت کنید، چون که زیارت آنان، مرگ را به یاد می‌آورد.

از عایشه هم نقل شده که پیامبر علیه السلام درباره کیفیت زیارت قبور فرمود: پروردگارم دستور داد که به بقیع بیایم و بر خفتگان در آن، طلب آمرزش کنم.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۵؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۵.

زيارت، رسمي دیرین و سنتی مطلوب است که از دیرباز میان اغلب اقوام متمند و همه پیروان ادیان الهی متداول بوده است. در اسلام نیز همه فرق اسلامی، زیارت را موجب تعالی و عروج انسان می‌دانند؛ چنانکه زیارت قبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از برترین مستحبات می‌دانند. زیارت، نوعی دیدار و یک پیوند روحی است؛ توجه قلبی، اظهار احترام و سلام کردن است.

زيارت، تقرب به خداست. از طرفی رفتن به زیارت، بهره‌های معنوی فراوانی دارد و انسان را در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت یاری می‌دهد. دیدار مرقد پیامبر علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان دین و خواندن دعا و زیارت پیش مزارشان، موجب زنده ماندن یاد، اهداف، فرهنگ و تعالیم آن بزرگواران است. زیارت، سفری پر از شور و شوق و سرشار از اخلاق و کشش به سوی برگزیدگان الهی و فرزندان و یادگاران پیامبر علیه السلام است، چرا که فرمودند:

مَنْ زَارَتِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَانْقَذَتُهُ مِنْ
اَهْوَالِهِ؛^۲ کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب الحج، ص ۳۳۲، ح ۲۳.

عاشه می‌گوید: پرسیدم: ای رسول خدا! چگونه بگوییم؟ آن حضرت فرمود: بگو سلام بر اهل این دیار، از مؤمنان و مسلمانان، خداوند، پیشینیان و متاخرین ما را رحمت کند، ما به همین زودی به شما ملحق می‌شویم.^۱

دیدار پیغمبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان علماء، چه در حیات و چه در ممات آنها، با رفتن بر سر تربت آنها و نحوه زیارت و برخورد با قبور و تربت آن ذوات مقدس به نام «زیارت‌نامه» مشهور است.

این سخنان (زیارت‌نامه) در کتب محدثین، متكلمين، فقهاء، علماء و بزرگان با عنوان «كتب زیارت» یا «مزار» تدوین شده است تا جایی که مرحوم آقابزرگ تهرانی رحمه‌الله در کتاب «الذریعه» اسامی ۲۷ کتاب «زیارات» و ۵۲ کتاب «مزار» را ثبت کرده است.

بدون شک، اهمیت زیارت از همان زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ مورد عمل و توجه بوده و از خود آن وجود مقدس احادیثی درباره زیارت خود ایشان و ائمه معصومین علیهم السلام و قبور مسلمین رسیده است. پس از آن حضرت نیز امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام توجه خاصی به زیارت داشته اند و سخنان گرانقدیری از آن بزرگواران درباره اهل بیت علیهم السلام و جایگاه زیارت آنان به ما رسیده است.

بحث زیارت و احترام به بزرگان و رهبران دین و قبور صالحان و اولیائی الهی چنانچه اشاره شد از صدر اسلام مورد توجه بوده و تا قرن یازدهم در این مسئله هیچ اختلافی بین شیعه و اهل سنت وجود نداشته و اعتقاد به این مسئله

۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۶۴؛ سنن نسائی، ج ۳، ص ۷۶

اختصاصی به شیعه نداشته است، بلکه فرقین کتاب‌ها و رساله‌هایی در این موضوع نگاشته‌اند.

برخی از این آثار به جنبه‌های نقلی مسئله پرداخته و آداب زیارت و کیفیت آن را با استناد به احادیث و آثار بیان کرده‌اند و برخی هم به بحث‌های عقلی آن پرداخته و فیلسوفانه آن را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

زیارت در منابع و نکاه اهل سنت

اهل سنت در منابع روایی و تاریخی، موارد زیادی از زیارت پیامبر ﷺ اصحاب و علماء را ذکر کرده‌اند؛ از جمله تمذی نقل می‌کند: وقتی برادر عاشه (عبدالرحمن بن ابی بکر) درگذشت، جنازه او را به مکه برده، در آنجا به خاک سپرده‌ند. وقتی خواهر وی عاشه از مدینه به مکه آمد، به زیارت قبر برادر رفت و در کنار خاکش دو بیت شعر در سوگ او سرود و سخنرانی گفت.^۱

روایات متعددی آمده که دختر گرامی رسول اکرم ﷺ حضرت فاطمه زهراء علیهم السلام هر جمعه به زیارت قبر عمومی خود حمزه می‌رفت و در آنجا اقامه نماز می‌کرد و گریه می‌نمود.

«کانت فاطمة - رضي الله عنها - تَزُورُ قبرَ عَمِّهَا حَمْزَةَ كُلَّ جُمْعَةٍ فَتُصَلِّي وَ تَبْكِي عَنْهُ».^۲

۱. صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۵.

۲. سنن ابو داود، ج ۲، ص ۱۹۶؛ نیشابوری، مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۷۸۸.

این روایت به صورتی دیگر هم نقل شده است:

«کانت فاطمة بنت رسول الله ﷺ تزور قبر حمزة بن عبدالمطلب کل جمعة و علمته بصَّخْرَةٍ؛^۱ فاطمه دختر رسول خدا ﷺ در هر جمعه ای قبر حمזה را زیارت می نمود و آن را با سنگی علامت نهاده بود.»^۲

متقی هندی هم روایت کرده که شخصی نزد رسول خدا ﷺ آمد و از قساوت دل شکایت کرد، حضرت فرمود: «به قبرستان برو و از قیامت عبرت بگیر.»^۳

همچنین غزالی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می کند که آن حضرت فرمود: «من زارنی بعد وفاتی فکانّما زارنی فی حیاتی؛^۴ هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان حیاتم مرا زیارت کرده است.» غزالی در ادامه می گوید:

یکی از آداب حج آن است که به مدینه و زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ برود و این زیارت نامه را بخواند. (منظور از زیارت نامه پیامبر ﷺ این عبارات است: السلام عليك يا رسول الله، السلام عليك يا نبی الله، السلام عليك يا امین الله،...).^۵

۱. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۱.

۲. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۷۶۲، ح ۴۲۹۹۹.

۳. احیاء العلوم، ج ۱، ص ۸۱.

۴. همان، صص ۸۴-۸۲.

زحلی هم می گوید:

«مسلمانان و پادشاه آنان تصمیم گرفتند که بر در غار اصحاب کهف مسجدی ساخته تا آنکه مسلمانان در آن نماز خوانده، به آن مکان تبرک جویند.»^۱

و نیز می گوید:

«یتفع الانسان بصحبة الاخيار و مخالطة الصالحة والاولياء؛^۲ انسان از همراهی نیکان و معاشرت با افراد صالح و اولیائی خدا بهره می گیرد.»
فخر رازی امام المشكّکین در فصل چهارم رساله «زيارة القبور» می گوید:^۳

فایده‌های زیارت قبور

اول، هرگاه انسان قبری را ببیند به باد احوال میت افتاده، می فهمد که آن شخص قبلًا در غرور دنیا بوده، سپس مرده است و سعادت او باقی مانده و لذت‌هایش از بین رفته است و می‌داند که حال او نیز چنین خواهد شد و همین مانع از محبت و گرایش به دنیا می‌گردد.

دوم، همانا انسان می‌بیند هر که عالم و زاهد بوده، مردم به زیارت او رغبت دارند، گویی که اصلاً نمرده است، اما کسی که مالک تمام دنیا بوده هرگاه

۱. التفسیر المنیر، ج ۱۵، ص ۲۲۶.

۲. همان.

۳. ابوالفضل محمد بن عمر فخرالدین رازی (۵۴۳-۶۰۶) حدود ۲۰۰ جلد کتاب تألیف کرده و رساله مذکور را به تقاضای سلطان محمد غیاث الدین بن سام نوشته است.

بمیرد کسی او را زیارت نمی‌کند، به طوری که گویا اصلاً در دنیا نبوده است. پس می‌فهمد که رغبت در دین، موجب قرب حتی در زندگی دنیاست تا چه رسد به آخرت! و نیز وقتی کار دنیا موجب دوری در زندگی دنیاست، پس در آخرت چگونه خواهد بود؟ به همین جهت، انسان در طلب دین و روی گردانی از دنیا رغبت پیدا می‌کند و عمل کنندگان بر مثل چنین چیزی عمل کنند.^۱

احترام به تربیت و ضریح و مراقد انبیا و امامان علیهم السلام و اولیا، امری فطری است و هر کس آن را انکار کند، مکایره با عقل کرده است.

مورخ ارجمند و دانشمند معاصر حجت الاسلام و المسلمین مرحوم علی دوانی رحمه اللہ فرمود: ملاقات با شیخ عبدالعزیز داغستانی، امام الحرم مدینه منوره را فراموش نمی‌کنم که آیت الله مکارم شیرازی به وی گفت: ما در تاریخ دیده‌ایم که وقتی ابوهریره بعد از وفات رسول خدا علیهم السلام وارد مدینه شد، رفت و دو گبده کوچک روی دسته‌های منبر پیغمبر را بوسید. اگر این درست است، پس چرا شرطه‌های (امروزی) این قدر مردم را که می‌خواهند ضریح پیغمبر علیهم السلام را ببوسند اذیت می‌کنند؟ شیخ عبدالعزیز گفت: «هؤلاء جهال؛ اینها نادان هستند.»^۲

۱. فلسفه زیارت (شرح و تحقیق زیارت القبور فخر رازی)، احمد عابدی، ص ۲۸.

۲. ر.ک: همگام با زائران عارف، ص ۳۸۷.

زیارت در نظم شعرای اهل سنت

عبدالرحمن جامی، شاعر بزرگ و عارف معروف اهل سنت و حنفی مذهب است. وی متوفای ۸۹۸ هجری قمری است و قبل یا بعد از سفر حج چون به یاد زیارت مرقد منور رسول خدا علیهم السلام می‌افتد، شور و شوقش را به آستان ملک پاسبان آن حضرت، ضمن قصیده‌ای ابراز می‌دارد که مطلع و مختتم آن بدین گونه است:

لی حیب عربیٰ مدنیٰ قرشی

که بود درد غمش مایه شادی و خوشی

گرچه صد مرحله دور است ز پیش نظرم

وجهه فی نظری کلّ غداة و عشی

و چون بعد از سفر حج به زیارت مولای متقیان علی علیهم السلام مشرف می‌شود، این قصیده نغز را در همان نجف اشرف می‌سراید:

اصبحت زائرًا لک یا شحنة النجف

بهر نشار مرقد تو نقد جان به کف

تو قبله دعایی و اهل نیاز را

روی امید سوی تو باشد ز هر طرف

می بوسیم آستانه قصر جلال تو

در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف

گر پرده‌های چشم مُرّضع به گوهرم

فرش حریم قبر تو گردد ز هی شرف

خوشحال از تلاقی خدّام روضه‌هات

باشد کنم تلافی عمری که شدتلف

رو کرده‌ام ز جله اکناف سوی نو

تاگریم ز حادثه دهر در کنف؟

دارم توقع اینکه مثال رجای من

یابد ز کلک فضل تو توقيع لاخف

مه بی‌کلّف ندیده کسی وین عجب که هست

خورشیدوار ماه جمال تو بی‌کلّف

بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است

ابواب کنت کنز به مفتح من عَرَف

جز گوهر ولای تو را پرورش نداد

هر کس که با صفائ درون زاد چون صدف

خصم تو سوخت در تب تبّت چو بوهُب

نادیده از زبانه قهرت هنوز تف؟

نسبت کنندگانِ کفِ جود تو را به بحر

از بحر جود تو نشناسد غیر کف

رفت از جهان کسی که نه بی‌بر بی‌تورفت

لب بر نفیر یا اسفا، دل پر از اسف

او صاف آدمی نبود در مخالفت

سرّ پدر که یافت ز فرزند ناخلف

زان پایه برتری تو که کنه کمال تو

داندشدن سهام خیالات راهدف

ناجنس را چه حد که زند لاف حبّ تو

او را بود به جانب موهم خود شعف

جنسيت است عشق و موالات را سبب

حاشا که جنس گوهر رخشان بود خَرَف

مشکل بود ز خوان نوالت نواله یاب

خر سیرتی که دیده بر آبست یا علف

بر کشف سرّ لو گُشِف آن را کجاست دست

کز پوست پا برون ننهادست چون کشف

جامی ز آستان تو کانجا پس سجود

هر صبح و شام اهل صفا می‌کشند صف

گردي به دیده رُفت و به جیب صفا نهفت

اهدى الى احْبَة اشرف التّحف؟

جامی چون در همان سفر حج به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شد، چنین سرود:

هرست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین

حقدام مرقدش به سرم گرنہنپای
حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدين

ركبُ الحجيج این تر و حون این این
آن به که حیله‌جوي کند ترک شيد و شين

کعبه به گرد روضه او می‌کند طواف

از قاف تا به قاف پرست از کرامتش

آن را که بر عذار بود جعد مشکبار
جامی گدای حضرت او باش تا شود
میران ز دیده سیل که در مشرب کریم
جامی که در شهر خود هرات می‌زیسته، وقتی به زیارت حضرت امام
رضاعلیّه می‌آید، چون به روضه حضرت می‌رسد، امام بر حق و روضه منور او
را این چنین وصف می‌کند:

سلام علی آل طه و یاسین
سلام علی روضهٔ حل فیها
امام ییاهی به الملک والدین
حریم درش قبله‌گاه سلاطین
در درج امکان، مه برج نمکین
رضا شد لقب، چون رضا بودش آیین
اگر نبودت تیره چشم جهان بین
غبار درش را به گیسوی مشکین
برو دامن از هر چه جز اوست بر چین
چه غم گر مخالف کشد خنجر کین

هنگامی که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می‌شود، بر اثر شور و شوقی که از
آن زیارت داشته، قصیده‌ای نغز می‌گوید که آن را در اینجا می‌آوریم:
این بارگاه کیست که از عرش برتر است
وزنور گنبدش همه عالم منور است
از شرم شمه‌های زرش کعبین شمس
در تخته نرد چرخ چهارم بششدر است
وز انعکاس صورت گل آتشین او
بر سنگ جای لغزش پای سمندر است
هر نگاهبانی کفش مسافران
بر درگهش هزار چو خاقان و قیصر است
این بارگاه قافله سالار اولیاست
این خوابگاه نور دو چشم پیمبر است
این جای حضرتی است که از شرق تا به غرب
وز قاف تا به قاف جهان سایه گستر است
این روضه (رضاست) که فرزند کاظم است
سیراب نوگلی ز گلستان جعفر است
سر و سهی ز گلشن سلطان اولیاست
نوباده حدیقه زهرا و حیدر است
مرغ خرد به کاخ کمالش نمی‌پرد
بر کعبه کی مجال عبور کبوتر است

خالد نقشبندی

خالد نقشبندی از دانشمندان شافعی کُرد و اهل سلیمانیه عراق و از مشایخ
بزرگ صوفیه نقشبندی است که در سال ۱۲۴۲ ق در دمشق وفات یافت. وی

تا همچو جان زمین تن پاکش به بر گرفت
 او راهزار فخر بر این چرخ اخضر است
 خورشید کسب نور کداداز جمال او
 آری جزا موفق احسان مقرر است
 بتوان شنید بوی محمد ﷺ ز تربیتش
 مشتق بلی دلیل به معنای مصدر است
 زوار بر حریم وی آهسته پامند
 کز خیل قدسیان همه فرشش ز شهر است
 شاهها ستایش توبه عقل و زبان من
 کی می توان که فضل تو از عقل برتر است
 اوصاف چون تو پادشاهی از من گدا
 صیقل زدن بر آینه مهر انور است
 جانابه شاه مسند لولا و کز شرف
 بر تارک شهان اولو العزم افسر است
 و آن گه به حق آنکه بر اوراق روزگار
 بابی ز دفتر هنرشن باب خیبر است
 دیگر به نور عصمت آن کس که نام او
 قفل زبان و حیرت عقل هنرور است
 دیگر به سوز سینه آن زهر داده ای
 کز مائیش هنوز دو چشم جهان تراست

دیگر به خون ناحق سلطان کربلا
 کزوی کنار چرخ به خونابه احمر است
 وانگه به حق آنکه ز بحر مناقب
 انشاء بوفراس زیک قطره کمتر است
 دیگر به روح اقدس باقر که قلب او
 مرخیزن جواهر اسرار را در است
 وانگه به نور باطن جعفر که سینه اش
 بحر لباب از در عرفان داور است
 دیگر به حق موسی کاظم که بعد از او
 بر زمرة اعاظم و اشرف سرور است
 آن گه به قرص طلعت تو کز اشعاش
 شرمنده ماه چهارده و شمس خاور است
 دیگر به نیکی نقی و پاکی نقی
 آن گه به عسکری که همه جسم و جوهر است
 دیگر به عدل پادشاهی کز عدالت
 با بره شیر شرزه بسی به ز مادر است
 بر «حالد» آر رحم که پیوسته همچو بید
 لرزان ز بیم زمزمه روز محشر است
 تو پادشاه دادگری این گدای زار
 مغلوب دیو سرکش و نفس ستمگر است

نا اهلم و سزا نوازش نی ام ولی

نا اهل و اهل پیش کریان برابر است

جلال الدین محمد دوانی

جلال الدین محمد دوانی فیلسوف و متکلم نامی سده نهم هجری، متوفای ۹۰۸ هجری است که نسبش به محمد بن ابی بکر می‌رسد، و به همین جهت، لقبش «صدیقی» و تا اواخر عمر سنی شافعی بوده و مذهب اشعری داشته است. او در سفری که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علی‌الله شرفیاب می‌شود، از کثیر شوکی که به آن زیارت داشته، در حرم مطهر حضرت ایستاد و رساله «زوراء» را که متنی مختصر و فلسفی - کلامی است، نوشت. همچنین خطاب به آن باب مدینه علم پیغمبر قصاید و رباعیاتی می‌سراید که از جمله آنهاست:

روی بنها که جهان ظلمت انکار گرفت

صیقلی زن که مرا آینه زنگار گرفت

تو بی آن شاه که از کوژه حسنت خیلی

ملک جان و دل و دین جمله به یکبار گرفت

آفتاب ازل از مشرق رویت چو دمید

همه ذرات جهان لمعه انوار گرفت

صدق دعوی تو از نور جیبت پیداست

منکر از کور دلی شیوه انکار گرفت

چون دوانی نخورد دُرد غم از کاسه چرخ

هر که جامی ز کف ساقی ابرار گرفت

رو رخت طلب به ساقی کوثر کش
وز کوثر کثرت می وحدت در کش
لامضماً اصلاً ابداً شارها
رمزی است در این می ارتقانی در کش

در ملک حقیقت است آن شاه مدار
دست طلب از دامن آن شاه مدار!
او باب مدینه علوم است درای
زان در که رسی زود به مسنده یار!

اوی نور دو چشم عاشقان از رویت
ای قبله ارباب وفا ابرویت
تا آخر کار آورد دل سویت
هر سو دل گمراه به پهلو گردد

قاضی میرحسین میبدی

او شاگرد جلال الدین دوانی بود و در سال ۹۰۹ هجری از دنیا رفت. وی در اشتیاق به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علی علی‌الله قصیده نابی دارد که چند بیت آن چنین است:

بس که تابد مهر حیدر هر دم از سیهای من

آسمان را سرفرازی باشد از بالای من

چون سخن گویم ز معراجش که آن دوش نبی است

پای در دامن کشد فکر فلک پیهای من

خاک راهش در دو چشم من به جای سرمه است

نیک دیدم، آفرین بر دیده بینای من

ای صبا در گردنش خاکم به سر سوی نجف

بعد مردن چون فرو ریزد به هم اعضای من^۱

در یک کلام، زیارت و توسل نشانه معرفت و عشق به کسی است که او را زیارت می‌کنیم. شخص زائر و حاجتمند برای کسی که به زیارت شیخ میرود و به وسیله او از خدا حاجت طلب می‌کند، این را می‌داند که در هر اوضاع و شرایطی به زیارت او می‌رود و همواره از وی التماس دعا دارد. اینها همه نشانه عشق و اخلاص و ارادت است و اختصاص به ما مسلمانان و شیعیان ندارد. غیر از فرقه افراطی و هایی، همه پیروان ادیان و مذاهب و کیش‌هایی که حتی جنبه الهی ندارند، به این مسئله معتقدند و به آن دل می‌بندند.

نوشته‌اند که وقتی مرقد منور امام حسین علی‌الله‌آل‌الحسین را بارها به امر متول عباسی خراب کردند، مرد عربی به زیارت آمد و چون دید که مرقد منور را خراب کرده‌اند، از هر نقطه بیابان کفی خاک برداشت و بو کرد تا اینکه به موضع تربیت پاک آن وجود مقدس رسید و پس از بوییدن آن، گفت: به خدا بوی عطر می‌دهد و مرقد مطهر همین جاست. همین امر نیز باعث شد که دیگر معرض آن تربیت پاک نشدن، و بار دیگر قبه و بارگاه سالار شهیدان را تجدید بنا کرددند.^۲

زیارت، ابتعای وسیله نزد خداوند متعال

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُوا اللَّهَ وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَهَدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُنْلَحُونَ﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیز کاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید).

در این آیه شریفه برای رستگاری سه دستور بیان شده است:

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا و پرهیز کاری پیشه کنید.
۲. وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.
۳. در راه خدا جهاد کنید.

آنچه از آیه شریفه محل بحث ماست دستور دوم است؛ یعنی:

﴿وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾

«وسیله» در اصل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که موجب تقرب به دیگری از روی رغبت و علاقه گردد.

دستور دوم، ذکر خاص بعد از عام است، و تقوا عام است و جامع همه اقسام اعمال از واجب و مستحب و ترک حرام و مکروه است و گرفتن وسیله، یعنی رسیدن به هدف والا و اتخاذ وسیله، یعنی اتخاذ چیزی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند.

۱. سوره مائدہ، آیه ۳۵.

۱. کلیه اشعار رار.ک به همگام با زائران عارف، صص ۳۸۹-۳۹۷.

۲. همگام با زائران عارف، ص ۳۹۷.

پس وسیله به معنای تقرب جستن برای وصول به تقواست و کسی که در صدد ابتغای وسیله باشد، در پی تحصیل تقواست.
واژه وسیله در آیه شریفه، دارای معنای وسیعی است و مصاديق مختلفی دارد و هر کار و هر چیزی را که باعث نزدیک شدن به پیشگاه ذات اقدس الهی می‌شود شامل است که مهم ترین آنها ایمان به خدا، اظهار به عبودیت و اقرار به گناه و ایمان به پیامبر ﷺ، جهاد در راه خدا، اقامه نماز، روزه، حج، صله رحم، صدقه آشکار و پنهان است.
علی ﷺ در نهج البلاغه می‌فرمایند:

إنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سَبَحَنَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ، وَ بِرَسُولِهِ، وَ الْجَهَادِ فِي سَبِيلِهِ فَانِهِ ذُرُوةُ الْاسْلَامِ وَ كَلْمَةُ الْإِخْلَاصِ فَانِهَا الْفَطْرَةُ وَ...؛^۱ بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه خداست که قله کوهسار اسلام است، و همچنین نماز که آئین اسلام و زکات که فریضه واجب است، و روزه ماه رمضان که سپری در برابر گناه و کیفرهای الهی است، و حج و عمره که فقر و پریشانی را دور می‌کند و گناهان را می‌شوید، و صله رحم که ثروت را زیاد و عمر را طولانی می‌کند؛ انفاقهای پنهانی که جبران گناهان می‌نماید و انفاق آشکار که مرگ های ناگوار و بد را دور می‌سازد و کارهای نیک که انسان را از سقوط نجات می‌دهد.

نکته مهم اینکه من الله بودن وسیله، یک اصل قرآنی است که تصور اثرگذاری غیرخدا را رد می‌کند:

﴿وَمَا يِكُمْ مِنْ يَقْعِمُ فِيمَنَ اللَّهُ﴾^۲

(آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست).

حضرت آیت الله جوادی آملی دام عزه می‌فرماید:

بر این اساس می‌توان گفت ابتغای وسیله آنگاه ثمر دارد که همه مواردی که وسیله نامیده شده‌اند، از خدا دانسته شوند؛ یعنی سالک باید بداند مرکب و توشه و راه را خدا بهره او کرده است تا به لقای حق برسد و نباید غیر خدا اعم از خود و دیگری را در فراهم ساختن این امور مؤثر بداند.^۲

به عبارت ساده‌تر منظور از توسل این نیست که کسی حاجت را از پیامبر ﷺ یا امامان بخواهد، بلکه منظور این است که او در پیشگاه خداوند به مرتبه و مقامی رسیده که به مقام و مرتبه او در پیشگاه خدا می‌توان توسل جست و این در حقیقت توجه به خداست، نه غیر خدا و طبق دستور صریح قرآن توسل ممکن است و دستور صادر شده است، ولی باید وسیله حقیقی را شناخت تا انحرافی پیش نیاید.

۱. سوره نحل، آیه ۵۳.

۲. تفسیر تسنیم، ج ۲۲، ص ۴۰۶.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

ائمہ علیهم السلام وسیله خدا

پیامبر گرامی خدا علیه السلام می فرماید:

الائمة من ولد الحسين علیهم السلام من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصى الله (عزوجل) هم العروة الوثقى و هم الوسيلة الى الله (عزوجل)،^۱ ائمہ از فرزندان (نسل) حسین علیهم السلام می باشند، هر که آنها را اطاعت کند یقیناً خدا را اطاعت کرده و هر کسی از فرمان آنان سرکشی کند از خدا سرکشی کرده است و آنها رسیمان محکم (دستگیره مستحکم) و وسیله به سوی خدا می باشند.

پیامبر که امین وحی خدادست، ائمہ بعد از خود را به ما معرفی می کند و اطاعت‌شان را اطاعت خدا می داند. بر این اساس هر عقل سلیمی می داند که آن بزرگواران پیش خدا مقام و منزلتی دارند که با تممسک به آنها می توان به خدا نزدیک شد؛ یعنی آنها می توانند وسیله تقرب باشند. از طرفی روشن است که هیچ مسلمانی با زیارت و بوسیدن مضاجع و مقابر و ضرایح شریف، قصدش این نیست که به صاحبان آنها نسبت خدایی بدهد و آنان را عبادت کند تا شرک لازم بیاید، بلکه زیارت، در واقع همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی و عاطفی با اولیاء خداست و این ارتباط، تأثیر فوق العاده سازنده‌ای بر تربیت نفوس انسان‌های با ایمان دارد.

۱. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۲۳؛ الحویزی، نور الشقین، ج ۱، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۴۴.

پیامبر خدا علیه السلام می فرماید:

«الزيارة تنبت المودة؛^۱ زیارت (دیدار) رویاننده محبت و دوستی است. وقتی زیارت می تواند پرورش دهنده دوستی و محبت باشد، یقیناً همان زیارت، انسان را به راه سعادت و کمال معنوی و سرنوشت اخروی رهنمون می کند؛ بلکه انسان به وسیله زیارت، هدایت‌ها و ارشادهای حضوری پیامبر علیه السلام و ائمہ علیهم السلام را دریافت می کند؛ چنانچه پیامبر علیه السلام فرمود:

«هر کس قبرم را زیارت کند، گویا مرا در زمان حیاتم زیارت کرده و هر کس قبرم را زیارت نکند به من جفا کرده است.»^۲

بر این اساس، مقصود از زیارت، تقرب به پیشگاه باری تعالی و لقاء الله است. فرد زائر با این کار، خود را در حوزه روحانیت و فیض بخشی مزور (معصوم علیهم السلام) قرار می دهد تا به این واسطه به توشه معنوی و اخلاقی و تربیتی بر خوبیش بربندد و حداقل تأثیر آن، یاد مرگ (معد) و رفتن و عدم بقای آدمی است.

انسان‌هایی که دارای روح و جانی باصفا و زلال به حکم پسر اُلٰئکَ مُؤْمِنِينَ هستند می توانند از اقطار آسمان‌ها و راه‌های آن گذر کرده، به بصیرت و رشد برسند و از فیض مزور (معصوم علیهم السلام) که از طرف خداوند فیاض، نشئت می گیرد بپرهمند شوند.

محل زیارت معصوم علیهم السلام حضور بی کسان با «کس بی کسان» است و

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۵.

۲. علامه امینی، الغدیر، ج ۵، ص ۱۰۴.

محلی است که راه آسمان از اینجا نزدیک‌تر است و به عرش رسیدن ساده‌تر. اینجا سوخته‌دلانی می‌آیند تا شفاعتی نزد خالق پیدا کنند.

از این گذشته، زیارت به عنوان دیدار محبت آمیز فرزندان پیامبر خدا^{علیهم السلام} نیز سفارش شده، چون همه ما وظیفه داریم که پیامبر^{علیهم السلام} و خاندان او را به دستور خداوند سبحان ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُ عَنِيهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَةِ﴾^۱ تکریم و تعظیم کنیم و زیارت فرزندان و ذریه او را به جا آوریم.

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی^{علیهم السلام} می‌فرماید:

من زارنی او زار احداً من ذریتی، زرته يوم القيمة فانقدذته مِنْ اهوالِهَا^۲ کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او خواهم رفت و او را از هراس‌های قیامت نجات خواهم داد.

در این روایت، پیامبر خدا^{علیهم السلام} زیارت ذریه‌اش را از ما خواستار شده و نتیجه و پاداش آن را دیدار خودش در قیامت و رهایی از سختی‌های قیامت بیان فرموده است.

اما مزادگان و سادات، یادگاران و نشانه‌هایی از آن حضرت و اهل بیتش می‌باشند. پس همان طور که می‌توان به خود آن حضرت و امامان معصوم^{علیهم السلام} توسل پیدا کرد، می‌توان به ذریه و پاره‌های تن آنان نیز توسل جست.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۱.

یکی از ذریه‌های عظیم الشأن رسول الله^{علیهم السلام}، حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام} است که به تصریح امام رضا^{علیه السلام} از ذرای پیامبر خدا^{علیهم السلام} می‌باشد که در زیارت‌نامه ایشان می‌خوانیم: «السلام عليك يا بنت رسول الله». ^۱

حضرت فاطمه معصومه، شفیعه شیعیان، عالمه و محدثه خاندان وحی و امامت و ولایت، معصومه و میرزا از گناه، طاهره، حمیده، تقیه و نقیه^۲ است و معصومین^{علیهم السلام} توجه ویژه و عنایت خاصی به ایشان دارند و جایگاه ممتاز و برتری در بین اهل بیت^{علیهم السلام} دارد. عظمت و تعالی روح آن حضرت، آنقدر متعالی است که در بضاعت امثال نگارنده نیست، از این رو برای درک مقام حضرتش دست به دامان روایاتی می‌شویم که ثواب و پاداش زیارت آن بانوی کریمه را برای ما بیان کرده‌اند.

روایاتی درباره زیارت حضرت معصومه^{علیها السلام}

۱. سعد بن سعد اشعری از امام رضا^{علیه السلام} روایت کرده که فرمود: «يا سعد مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^۳ ای سعد! کسی که او (فاتمه معصومه) را زیارت کند، بهشت برایش خواهد بود.»

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶، زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه^{علیها السلام}.

۲. انوار المشعشعین، ج ۲، ص ۲۸۵، زیارت‌نامه دوم حضرت.

۳. ثواب الاعمال، ص ۹۸؛ عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۲۶۷؛ کامل الزیارات، ص ۳۲۴؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۸، ح ۶۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۷۶.

۲. روی عن عدّه من اهل الرّى انهم دخلوا على ابی عبدالله علیه السلام و قالوا: نحن اهل الرّى، فقال علیه السلام: مرحباً باخواننا من اهل قم، فقالوا: نحن من اهل الرّى، فاعاد علیه السلام الكلام، قالوا ذلک مراراً، و اجابهم علیه السلام بمثل ما اجاب به اوّلاً، ثم قال علیه السلام: «إنَّ لِلَّهِ حُرْمَةً وَ هُوَ مَكَّةُ، وَ إِنَّ لِرَسُولِهِ حُرْمَةً وَ هُوَ الْمَدِينَةُ، وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ علیه السلام حُرْمَةً وَ هُوَ الْكُوفَةُ، وَ إِنَّ لِنَا حُرْمَةً وَ هُوَ بَلْدَةُ قَمٍ، وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِّنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فاطِمَة، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۱

روایت شده که گروهی از اهل ری خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند (وارد شدند) و گفتند: ما اهل ری هستیم. حضرت فرمودند: مرحبا (خوش به حال) برادران ما از اهل قم، گفتند: ما اهل ری هستیم، حضرت دوباره جمله اول را تکرار فرمود. آنها چندین مرتبه کلام خود را تکرار کردند و امام علیه السلام جواب آنها را مثل بار اول دادند. پس فرمود: همانا برای خدا حرمی است و آن مکه است، و برای رسول خدا علیه السلام حرمی است و آن مدینه است، و برای امیر المؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و برای ما (اهل بیت علیه السلام) حرمی است و آن شهر قم است. به زودی در آنجا زنی (دختری) از اولاد من به نام فاطمه دفن می شود. پس هر کس او (فاطمه) را زیارت کند بپشت بر او واجب می شود. (یعنی اینکه سزاوار بپشت است).

۳. عن ابن الرضا علیه السلام قال: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمِّي بَقْمَ فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛^۱ امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که قبر عمه ام (فاطمه معصومه علیه السلام) را در قم زیارت کند، بپشت برای اوست.

۴. عن علي بن موسى الرضا علیه السلام قال: «نعم من زارها عارفاً بحقها فله الجنة»؛^۲ سعد اشعری قمی می گوید: در محضر امام رضا علیه السلام بودم، امام علیه السلام به من فرمود: ای سعد برای ما در نزد شما (در قم) قبری وجود دارد. سعد می گوید عرض کردم فدایت گردم، آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: بله، کسی که با معرفت به او، وی را زیارت کند، بپشت برای اوست.

۵. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدُلُ الْجَنَّةَ»؛^۳ از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: همانا زیارت قبر (فاطمه معصومه علیه السلام) معادل و برابر بپشت است.

جناب عباسقلی خان سپهر، مورخ شهیر در ضمن بیان دوران زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام وقتی به بیان شرح حال دختران آن حضرت می رسد در بحث فضائل حضرت فاطمه معصومه علیه السلام و قم مطالبی را بیان می کند و روایتی را نقل می کند که در هیچ یک از منابع حدیثی شیعه، بلکه در دیگر منابع نیز نقل

۱. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.

۳. تاریخ قم (چاپ آستان مقدس)، ص ۳۱۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۷.

۱. بحار الانوار، ج ۶، صص ۲۱۶-۲۱۷، ح ۴۱.

نشده است. ایشان سند و مدرکی را نیز بیان نکرده‌اند و آن را به امام رضا علیه السلام نسبت داده که حضرت فرمودند:

«من زار الموصومه بقم کمن زارني؟^۱ هر کس موصومه را در قم زیارت کند مانند این است که مرا زیارت کرده است.»

نگاهی به مضمون احادیث

در بعضی از احادیث آمده است که زائر باید مزور را بشناسد و جایگاه او را در نزد خدا بداند، در این صورت، خدای متعال هم در مقابل زحمت او، بهشت را برایش تضمین می‌کند یا اینکه زیارت‌ش معادل بهشتی شدن می‌گردد.

نکته بسیار مهم در زیارت حضرت فاطمه موصومه علیها درک مقام و عظمت آن حضرت و علم به شان و بزرگی اوست. جمله «عارفاً بحقها» یعنی اینکه مقام ایشان از مقام موصوم علیها پایین‌تر و از دیگران بالاتر است.

علاوه بر این، جمله «عارفاً بحقها» جمله حالیه است؛ یعنی زیارت‌کننده، در این حال با این وصف، یعنی با صفت عرفان به حضرت و عارف و آشنای به حق او، ایشان را زیارت کند. در این صورت، عبارت «وجبت له الجنۃ» جزای جمله شرطیه «من زارها عارفاً بحقها» خواهد بود، پس جزا مترتب است بر زیارت با عرفان؛ آن هم عرفان به شان، جایگاه، مقام، عظمت، معرفت، عبودیت و ولایت‌پذیری.

۱. ناسخ التواریخ، ج ۷، ص ۳۳۷.

آن بانوی کریمه، دختر امام، خواهر امام و عمه امام علیهم السلام است. او دارای سیمای بلندی است که عقل ما انسان‌ها به سادگی به افق آسمانی و بلند او نمی‌رسد و به همین جهت است که حرمش حرم اهل بیت علیها است؛ یعنی مرکز پخش علوم قرآنی و علوم اسلامی است و علم از اینجا به سایر جاها منتشر می‌گردد. حرمش حرم اهل بیت علیها است، یعنی محیط مقدسی است که ورود اغیار ممنوع است و به این جهت، قداست خاصی دارد. زیرا ناموس خدا و ناموس ائمه اطهار علیها در اینجا جای گرفته است. آن حضرت قدیسه عالم و سرتاپی او قداست است و از اینجاست که جایگاهش حرم خوانده می‌شود. حضرت موصومه علیها مبلغ فرهنگ اصیل اهل بیت است که جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام فرمود:

خدا حرمی دارد و آن مکه است، و رسول خدا حرمی دارد و آن مدینه است، و امیر المؤمنین حرمی دارد و آن کوفه است، و إنّ لنا حرمًا و هو بلدة قم؛ ما خاندان پیغمبر علیها (یازده امام) حرمی داریم و آن شهر قم است.

و همچنین می‌فرمایند:

و ستدفن فيها امرأة من اولادى تسمى فاطمة فمن زارها وجبت له الجنۃ؛ بانوی از دختران من به نام فاطمه در آنجا دفن می‌شود و کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

از این روایت کاملاً استفاده می‌شود که حرم بودن این مکان مقدس و این شهر پرقداست به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است که به اینجا آمده‌اند. نشستن در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام یکی از نعمت‌های بهشتی است که خداوند به ما عنایت فرموده و خدمت در آن نیز افتخار و عنایت الهی است و همیشه باید شکرگزار خداوند باشیم و از او بخواهیم: «اللهم اني اسئلک ان تختم لى بالسعادة فلا تسلب منّى ما انا فيه؛ خدایا اين نعمت بهشتی و خدمت جاودانگی را از ما سلب نگردان» در حین زیارت صاحب خانه‌مان که محل شستشوی جان در «زلال محبت» و «غباروبی دل با نسیم ولایت» است باید نشان «معرفت» را کسب کرد. باید بدanim آنچه مایه کمال زیارت می‌گردد، معرفت و شناخت مقام و موقعیت مزور است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و ناآگاهانه ضریح و شبکه‌های فولاد یا در و دیوار، گردش کورکورانه در اطراف ضریح و تماشای آثار هنری، چرا که این اعمال به سیاحت، بیشتر شباهت دارد تا زیارت.

در واقع اجر و پاداش و ثواب اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده، بر زیارت واقعی مترب است؛ زیارتی که منشأ تحول در زائر باشد و او را به یقین برساند که فرقی بین حیات و ممات این ذوات مقدس وجود ندارد. آری، این است معنای حقیقی «فلا تسلب منّى ما انا فيه».

آداب سفر زیارت

کسی که می‌خواهد به دیدار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام برود، باید خویشن را مهیا کند و آداب ظاهری و باطنی را مراعات نماید؛ از جمله اینکه

لباس نظيف و پاک بپوشد، خود را خوشبو کند و قدم‌ها را کوچک بردارد؛ وقتی بر در حرم ملکوتی رسید، بایستد و از خداوند سبحان، ملائکه الهی، انبیا و اولیا و فاطمه معصومه علیها السلام اذن دخول بگیرد؛ آنگاه با تواضع، ادب و حضور قلب به داخل حرم مشرف شود. اینها آداب ظاهری زیارت است، ولی برای به جا آوردن یک زیارت بامعرفت و مقبول و دارای اثر معنوی چه باید کرد؟ در جواب این سؤال باید گفت که برای تحقق زیارت به معنای واقعی و حقیقی، باید آدابی را جست و آنها را مراعات کرد.

بخشی از این آداب، قبل از زیارت آغاز می‌شود و تا پس از زیارت نیز ادامه دارد. برخی از آداب، ظاهری و مربوط به اعمال زائر است و برخی هم باطنی و مربوط به باطن زائر و انسان است.

۱. آداب ظاهری زیارت

الف) اعلام مسافرت

پیامبر خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرمودند:

حَقٌ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا أَنْ يُعْلَمَ إِخْرَانَهُ وَ...;^۱ بر مسلمان لازم است هنگامی که می‌خواهد به سفر برود برادران مسلمانش را آگاه سازد، و بر برادران دینی او وظیفه است که به هنگام برگشتن برادر دینی‌شان به استقبال او بروند.

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

ب) داشتن همسفر خوب

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «الرَّفِيقُ ثُمَّ الْطَّرِيقُ»^۱ همسفر خوب (مناسب) انتخاب کن آنگاه اقدام به سفر نما».

در روایت دیگری نیز می‌فرمایند:

«به تنهایی (بدون رفیق و همسفر) سفر نکن که شر و خطر شیطان، تنها سفر رفته را همراهی کند (یعنی در کمین او باشد) در حالی که چنین شر و خطری از دو مسافر همراه هم، بسیار دور است».^۲

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «قبل از انتخاب راه و مسیر، از خوب بودن رفیق و همسفر خود تحقیق و پرس و جو کن».^۳

ج) غسل و خواندن برخی ادعیه

از جمله می‌توان این دعا را قرائت کرد:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَأَشْرَحْ بِهِ

۱. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۶۷.

۲. همان، ص ۲۲۸.

۳. همان، ص ۲۲۹.

صَدْرِي وَنَورٌ بِهِ قَبْرِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهُورًا وَحِرْزاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَعَاهَةٍ وَسُوءِ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَطَهَّرْ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَمُخْنِي وَعَصَبِي وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حِجَّتِي وَفَقْرِي وَفَاقِتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

با نام خدا و مدد خدا، و هیچ نیروی و قدرتی جز به مدد الهی وجود ندارد، و بر آیین رسول خدا ﷺ و سخنگویان و راستگویی خدا، درود خداوند بر تمامی آنها باد، خداها با این غسل دلم را پاک و سینه‌ام را گشاده ساز و قلبم را نورانی کن. خداوندان، این غسل را مایه نورانیت و پاکی و محفوظ ماندن و سبب شفای من از هر درد و بیماری و آفت و بدی که از آن هراس دارم و می‌پرهیزم قرار ده، و قلب و اعضا و استخوانها و خون و مو و پوست و معز و اعصابم و آنچه را که زمین از من می‌کاهد با این غسل پاک گرдан. خداها در روز نیازمندی و تهییدستی و بی‌چیزی ام در پیشگاه تو، این غسل را شاهدی به سود من قرارده، ای پروردگار جهانیان که تو بر هر چیز توانایی.

د) همراه داشتن تربت امام حسین علیه السلام

مقداری از تربت امام حسین علیه السلام را با خود بردارد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ طِينَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَلِيَكَ وَابْنِ وَلِيَكَ أَخْذُهُنَا حِرْزاً لِمَا

۱. همان، ج ۹۸، ص ۲۵۸؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۳.

أَخَافُ وَمَا لَأَخَافُ^۱ خَدِيَا إِنْ خَاکَ قَبْرُ حَسِينٍ أَسْتَ کَهْ وَلَىٰ وَفَرَزَنْدَ ولَىٰ تَوْسَتَ، آن را بِرْگَرْفَتَمْ تَا از آنچَه مَیْ تَرَسَمْ وَنَمَیْ تَرَسَمْ پَناهَمْ باشَدَّ».

ه) آغاز نمودن سفر با صدقه

در روایتی آمده است:

«فَتَّبَعَ سَفَرَكَ بِالصَّدَقَةِ وَأَخْرَجَ إِذَا بَدَا لَكَ فَإِنَّكَ تَشْتَرِي سَلَامَةً^۲ سَفَرْ خُودَ را با صدقه آغاز کن، آنگاه هر زمان که خواستی سفر کن، چون با صدقه سلامتی خود را تضمین نموده ای».

و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْتَرِيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَةَ سَفَرِيِّ وَمَا مَعِيِّ فَسَلَّمْنِي وَسَلَّمْ مَا مَعِيِّ وَبَلَغْنِي وَبَلَغْ مَا مَعِيِّ بِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ^۳ بارالها من با این صدقه، سلامتی سفرم و هر چه را با خود دارم خریدم، خدايا مرا و آنچه را به همراه دارم حفظ کن و مرا و آنچه را به همراه دارم به سلامت بدار و مرا و آنچه را همراه دارم به زیبایی خودت به مقصد برسان».

و) دعا و ذکر هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه

امام صادق علیه السلام همیشه هنگام سوار شدن به مرکب می فرمود:

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳.

۳. همان، ج ۹۷، ص ۱۰۷.

«منزه است خدایی که این مرکب را مسخر ما قرار داد. نمی توانستیم به آن نزدیک شویم. بعد از آن، حضرت هفت مرتبه «سبحان الله» و هفت مرتبه «الحمد لله» و هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می گفت.^۱ همچنین خواندن این آیه شریفه سفارش شده است:

﴿سُبْحَنَ اللَّهِيْ سَخَرَ لَنَا هَذِهِ وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾^۲

(پاک و منزه است کسی که این را مسخر ماساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم).

ز) آداب دیگر

انگشتتر عقیق، خصوصاً با نگین زرد رنگ یا فیروزه بر دست کردن. خواندن یازده مرتبه سوره توحید و سوره قدر و آیت الكرسي و سوره های فلق و ناس و دست کشیدن بر تمامی بدن پس از آن.

۴. آداب معنوی زیارت

الف)قصد قربت و اخلاص

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:
رُوروا فی اللَّهِ وَ جَالِسُوا فِي اللَّهِ وَ اعْطُوا فِي اللَّهِ وَ امْنَوْا فِي اللَّهِ، زَالِوْا

۱. من لا يحضر الفقيه، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲. سوره زخرف، آیه ۱۳.

اعداء الله و واصلوا اولیاء الله؛^۱ برای خدا زیارت کنید، برای خدا همنشینی کنید، برای خدا ببخشید و برای خدا منع کنید، از دشمنان خدا ببرید و با دوستان خدا پیوند زنید.

صادق آل محمد ﷺ نیز می‌فرماید:

تزاوروا فانّ فی زیارتکم احیاء لقلوبکم، و ذکرًا لاحادیثنا و...؛^۲ به زیارت یکدیگر بروید همانا به خاطر زیارت (و دیدار) دل هایتان زنده می‌شود و احادیث ما یاد می‌شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می‌کند. اگر به آنها عمل کنید کمال و نجات می‌یابید، و اگر رهایشان کنید، گمراه و هلاک می‌شوید. پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.

در واقع زیارت، برای کنار گذاشتن ریا و شرک است. زیارت، برای معرفت است و احساس نیاز، نه برای عنوان حاجی، کربلایی و مشهدی و نه بازار خودفروشی و عجب و سوءاستفاده، بلکه در این بازار باید تأمل کرد و آن تحفه را از هرگونه ریا و تکبر و خودنمایی، خودپرستی، علم کردن و قصد غیر، خالص نمود و برای جلب رضای حق حضور پیدا کرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باب اخلاق احادیث فراوانی دارد؛ از جمله می‌فرمایند:

۱. «الإخلاصَ غَايَةُ الدِّينِ؛^۳ اخلاق، غایت و هدف دین است.»

۱. غررالحكم، ص ۲۷۵، شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحكم، ج ۴، ص ۱۱۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۲.

۳. غررالحكم، ص ۱۹.

۲. اخلاص، عبادت مقربان است.^۱

۳. اخلاص، اساس و ملاک عبادت است.^۲

۴. اخلاص، اوج ایمان است.^۳

۵. خالص گردانیدن عمل، سخت تر از خود عمل است و پاک کردن نیت از فساد و ناخالصی برای عمل کنندگان، از جهاد طولانی، دشوارتر است.^۴
اگر زیارت با اخلاص باشد، اگرچه کم و اندک، ولی بسیار ارزشمند خواهد بود؛ همچنان که در کتاب شریف کافی در خطاب خداوند تبارک و تعالیٰ با حضرت موسی آمده:

«ای موسی هر کاری که برای من انجام شود، اندکش زیاد است و آنچه برای غیر من انجام شود، زیادش هم اندک است.»^۵

از طرفی زیارت اگر با نیت ناخالص همراه باشد، ما را از رسیدن به ثواب و آرزوها و گرفتن برکت‌ها محروم می‌کند. اگر خدا به بندهای خیر دنیا و آخرت بدهد، به او دو چیز می‌دهد: یکی اخلاص و دیگری نیت پاک.

پس اگر کسی خالصانه، با دلی پاک و بی‌غل و غش به سوی حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قدم بگذارد، زائر و میهمان دلدار اوست. البته انتخاب

۱. همان، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴.

۵. اصول کافی، ج ۸، ص ۴۶؛ تحف العقول، ص ۴۹۳.

حاجت خاص، مانند حل مشکلات دنیوی و جسمی و گرفتن حاجات، منافاتی با اخلاص ندارد.

ب) صداقت

امیر المؤمنین علی علی‌الله فرمود:

«به هر کس چهار چیز داده شود، به او خیر دنیا و آخرت داده شده است: راستگویی در کلام، امانتداری، عفت شکم (از حرام‌خواری) و خوش اخلاقی.»^۱

در زیارت باید صداقت داشته باشیم و راستگویی را سرلوحه گفتار و عمل خودمان قرار بدھیم و از دروغ پرهیز کنیم. چنانچه معروف است که می‌گویند نجات انسان در صداقت او و هلاکت و بدختی اش در دروغ‌گویی است.

یعنی هرگاه که برای زیارت وارد شدیم سخنان و راز و نیازمان، زیارت واقعی باشد و با خدا، رسول خدا علی‌الله و ائمه علی‌الله و امامزادگان صادق باشیم. به بیان دیگر خود را بهتر از آنچه که هستیم نشان ندهیم، زیرا آنها از همه چیز آگاه هستند، پس اگر به خطای خود اعتراف کنیم، برای آنان زیباتر از عمل است.

امام المتقین امیر المؤمنین علی علی‌الله این گونه ما را به رعایت صدق دعوت فرموده است:

«علیک بالصدق فانه خیر مبنی؛^۲ بر تو باد صداقت، چرا که آن بهترین زیربناست.»

۱. شرح غرر آقا جمال خوانساری، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. غرر الحکم، ص ۴۴۳.

ج) تشنگی معنوی

تشنگی معنوی از مهم‌ترین ارکان استفاده بیشتر از نعمت‌های الهی است. هر مقدار تشنگی و احساس نیاز بیشتر و عمیق‌تر باشد، به همان میزان، لذت استفاده بالاتر خواهد بود.

خداآوند سبحان می‌فرماید:

﴿وَأَلَّوْ أَسْتَقْمُو عَلَى الظَّرِيقَةِ لَا سَقَيَّتُهُمْ مَاءً عَذَّقًا﴾^۱

(و اینکه اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم).

خدای متعال در این آیه تأکید می‌فرماید که ایمان و تقوا نه تنها سرچشمه برکات معنوی است، بلکه موجب فزوی ارزاق مادی، وفور نعمت، آبادانی و عمران و برکت مادی نیز هست. پس آنچه مایه وفور نعمت می‌شود، استقامت بر ایمان است، نه اصل ایمان، چرا که پای بسیاری در این راه، لنگ و لرزان است.

در بحث زیارت نیز باید گفت که احساس نیاز و تشنگی، یکی از شروط اصلی استفاده کافی است و این حاصل نمی‌شود مگر با شناخت نعمت و نعمت‌دهنده؛ یعنی اینکه امام معصوم یا امام‌زاده، به اذن الهی توانایی برآورده کردن حاجت ما را دارد، پس زائر باید به ارزش گوهر وجودی آنان پی ببرد. علاوه بر شناخت نعمت و نعمت‌دهنده، باید در درون زائر، احساس نیاز و

۱. سوره جن، آیه ۱۶.

درد هم به وجود آمده باشد و با درد دل و با زبان دل نه زبان ظاهری، ناله کند؛
گویی به طبیی پناه آورده و از او دوا می‌طلبد.

د) حلال بودن مخارج زیارت

﴿يَأَيُّهَا أَرْسَلْتُكُمْ مِّنَ الظَّبَابِ وَأَعْلَمُوا صَلِحًا﴾^۱

(ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید).

غذا و مال حلال، کلید قبولی اعمال و توفیقات و نورانیت انسان است، ولی
غذا و مال حرام، مانع استجابت دعا و قبولی اعمال است. با غذا و مال حرام
نمی‌توان زیارت مقبول به جا آورد و امید جواب سلام از زیارت شونده را داشت.
شخصی خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله، دوست دارم
دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: «غذای خود را پاک کن و از هرگونه
غذای حرام بپرهیز.»^۲

حلیت غذا و لباس و مخارج در سفر عاشقانه زیارت، کلید بزرگ و سرّ اعظم
قبولی و کمال است.

به بیان دیگر، حلال بودن مال و غذا و مخارج، آثار فراوانی از قبیل
استجابت دعا و نماز و عبادت دارد و نیت و قلب زائر را صاف و چشم را از
خشیت خدا اشکریزان می‌کند، ولی اگر مال حلال نباشد، آثار عکس می‌گذارد.

۱. سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

ه) طهارت ظاهری و باطنی

از صفات تمام پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام و اولیائی خدا از جمله حضرت
فاطمه معصومه علیها السلام، ظاهر، زکی، نقی، مطهر، طهر، صفائی، خالص، راضی
و مرضی بودن است که همگی بر پاکی و طهارت روح و اعمال آن بزرگواران
دلالت دارد.

زائر نیز لازم است پاک باشد تا بتواند با پاکان برتر و برگزیدگان عالم ارتباط
برقرار کند. این پاکی هم باید در مال باشد هم در عمل. پس عمل ما باید از
حرام و ظلم پاک شود. اگر در گذشته مرتکب حرام شده ایم قبل از زیارت توبه و
استغفار نماییم و اگر حقی از مردم بر گردن ما وجود دارد، ادا نموده یا حلالیت
طلب کنیم. اگر زائر با نیت پاک از هر قصد و غرض گناه‌آسود و انحرافی به
حرم‌های اهل بیت برود و با قلب پاک و بدون کینه و حقد و حسد و حقه و
دشمنی در این اماکن مقدس حضور یابد و جان را در معرض تابش نور ولایت
قرار دهد و صادقانه توبه کند، یاری آن حضرات را بسیار نزدیک و کارگشا و
کارساز خواهد دید.

و) نیت صحیح

لطف امامان به زائران در گرو نیت زائر است، اگر زائر در پی رفع
گرفتاری‌های دنیوی خویش باشد، به همان اندازه از فیض بهره مند خواهد شد
و اگر در پی کسب معارف والا باشد به مراحل عالی معنوی خواهد رسید. قلب
زائر باید متوجه باشد که در حرم چه کسی وارد شده و جایگاه رفیع صاحب حرم
را نزد خدای متعال بداند. زائر باید پیوسته ذکر خدا را بر دل و زبانش جاری
سازد و بداند که تنها در این صورت است که جایگاه مؤمن عارف به حق اهل

بیت ﷺ نزد خداوند متعال والا خواهد بود و فیض الهی به واسطه زیارت آن بارگاه ملکوتی نثار او خواهد شد.

آداب حین تشرف

برخی از آداب تشرف به حرم اهل بیت ﷺ عبارتند از:

۱. نزد در حرم ایستادن و اذن دخول خواندن و سعی در خضوع و خشوع و رقت قلب داشتن.
۲. بر عتبه بوسه زدن و سر به سجده شکر گذاشتن.
۳. پای راست را به هنگام ورود و پای چپ را در وقت خروج مقدم داشتن.
۴. در صورت عدم ازدحام جمعیت به گونه‌ای که موجب مزاحمت و اذیت دیگر زائران نباشد، به ضریح نزدیک شدن و بوسه بر آن زدن.
۵. به هنگام زیارت حضرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بالای سرحضرت رو به قبله ایستادن و زیارت‌نامه خواندن، ولی برای معصوم علیهم السلام پشت به قبله و رو به ضریح ایستادن و زیارت‌نامه حضرت را خواندن.
۶. تا حد امکان به حال ایستاده زیارت خواندن.
۷. گونه راست را به ضریح گذاشتن و دعا کردن به حق مزور و شفاعت وی را از خدا خواستن.
۸. خواندن دو رکعت نماز زیارت.
۹. به رسم ادب هنگام خروج بدون رو برگرداندن از ضریح، عقب عقب رفتن.
۱۰. چنانچه زمان اقامه نماز جماعت فرا برسد، شرکت در جماعت را برآغاز یا ادامه زیارت مقدم داشتن.

۱۱. هنگام خواندن زیارت‌نامه یا عرض حال یا راز و نیاز صدا را بلند نکردن.
۱۲. هنگام تشرف، با زائران و خادمان با صدای بلند صحبت نکردن.
۱۳. تلاوت قرآن کریم و هدیه ثواب آن به روح مقدس ائمه علیهم السلام.

آموزه‌هایی از زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

محور دیگری که خبر از مقام و عظمت آن حضرت دارد زیارت‌نامه ایشان است که برادر بزرگوارش امام علی بن موسی الرضا علیهم السلام به سعد بن سعد اشعری تعلیم داده‌اند. این زیارت‌نامه دارای رازها و رمزها و تصريحات و اشاراتی طریف است. البته در این نوشтар به دنبال وثاقت و اعتبار زیارت‌نامه نیستیم، گرچه در وثاقت و اعتبار آن اصلاً جای شکی وجود ندارد. برخی از نکته‌ها و آموزه‌های تربیتی و معرفتی که می‌توان از زیارت‌نامه استخراج کرد عبارتند از:

۱. ذکر تسبيحات حضرت زهراء علیها السلام قبل از خواندن زیارت‌نامه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرینه‌ای بر شبهات بانوی این بارگاه به حضرت زهراء علیها السلام است.
۲. آموزش آداب زیارت، از قبیل: ایستادن نزدیک سر مبارک و رو به قبله بودن.
۳. سلام بر پیامبران اولوالعزم و چهارده معصوم علیهم السلام به صورت خطاب (جز امام زمان علیهم السلام) مصدق روایت امام صادق علیهم السلام است که فرمود: «انّ لنا حرماً و هي بلدة قم» که باعث ایجاد فضایی معنوی و ملکوتی و عطرآگین، به واسطه نام مبارک ائمه علیهم السلام گردیده است.

۴. بیان عقاید مذهب حقّه جعفری به صورت فشرده، مانند: اعتقاد به نبوت، امامت، معاد و رجعت.

۵. بیان مهم‌ترین و بارزترین صفات ائمه علیهم السلام و انبیا^ی اولوالعزم علیهم السلام و سلامی خاص به آخرين پیامبر خدا علیهم السلام و بیان ختم نبوت.

۶. توجه به غیبت امام زمان علیهم السلام و بیان القاب و اوصاف آن حضرت با ضمایر غایب.

۷. بیان ارتباط نسبی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام با پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان حضرت زهرا علیها السلام.

۸. درخواست از خدا برای همنشینی در بهشت با اهل بیت علیهم السلام و معارفه در بهشت (عرف الله بیننا و بینهم فی الجنۃ).

۹. درخواست توفیق انجام تولی و تبری.

۱۰. دعا برای همراهی اهل بیت علیهم السلام و دستیابی به شفاعت آنها.

۱۱. بیان شأن و منزلت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (فان لک شأنًا من الشأن).

۱۲. توجه به اهمیت آخرت (حشر و نشر با ائمه علیهم السلام).

۱۳. درخواست فرجام نیک و عاقبت به خیری از درگاه الهی.

۱۴. درخواست از خداوند برای خشنودی و رضایت اهل بیت علیهم السلام.

- .١٣. حاج بیوک آقا واعظ تبریزی، *وسیله الموصومیه*، بی جا، بی نا، ۱۳۷۱ق.
- .١٤. حسن بن محمد بن حسن قمی (قرن چهارم)، *تاریخ قم*، مترجم، حسن بن محمد بن حسن بن عبدالملک قمی (قرن نهم)، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵.
- .١٥. سید رضی، *نهج البلاغه*.
- .١٦. سید علی حسینی، *رواق عصمت*، انتشارات زائر، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵ش.
- .١٧. سید علیرضا کباری، *جغرافیای تاریخی هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام*، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- .١٨. سید محمد حسین طباطبایی، *تفسیر المیزان*، تهران، دارالكتاب الاسلامیه، ۱۳۹۶ق.
- .١٩. سید محمد حسینی، زیارت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
- .٢٠. سید هاشم بحرانی، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بی تا.
- .٢١. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- .٢٢. شیخ صدق، امامی، مؤسسه اعلمی، چاپ پنجم، بیروت، بی تا.
- .٢٣. -----، *خلاص*، قم، بی نا، ۱۳۶۲ش.
- .٢٤. -----، *عيون اخبار الرضا علیه السلام*، دارالمرتضی، لبنان، ۱۴۴۹ق.
- .٢٥. -----، *من لا يحضره الفقيه*، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- .٢٦. شیخ عباس قمی، *سفینة البحار*، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
- .٢٧. -----، *منتھی الامال*، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، زمستان ۱۳۸۷ش.
- .٢٨. شیخ عبد علی بن جمعة العروسوی الحویزی، *نور الفقیلین*، نشر العلمیه، چاپ نهم، بی تا.
- .٢٩. شیخ عبدالله بحرانی اصفهانی، *عوالم العلوم*، انتشارات امیر، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن قولویه، *کامل الزیارات*، نجف، ۱۳۵۶ق.
- ابو حامد غزالی، *احیاء العلوم*، دارالكتاب العربي، بیروت، بی تا.
- ابو محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکلینی رازی، اصول کاف*، دارالكتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ش.
- آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان.
- احمد بن حسین، *سنن بیهقی*، دارالعرفة، بیروت، بی تا.
- احمد بن علی بن شعیب نسائی، *سنن نسائی*، دارالفکر - بیروت ۱۴۶۶ قمری.
- احمد عابدی، *فلسفه زیارت*، شرح و تحقیق زیارت القبور (فخر رازی)، انتشارات زائر، چاپ اول ۱۳۷۶ش.
- اسماعیل محمدی، علی کاظمی، قم در اندیشه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری مدظله العالی، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- امام خمینی علیه السلام، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- تاریخ یعقوبی، ترجمه آیق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بی تا.
- تحقيق الیاس محمد بیگی، *برگ از تاریخ قم*، پژوهشکده علامه طباطبایی آستانه مقدسه، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- جعفر مرتضی عالمی، *الحیاة السياسية للامام الرضا علیه السلام*، ۱۴۱۶ق.

۴۷. قاضی سید نور الله حسینی مرعشی، **احقاق الحق**، چاپخانه اسلامی، بی‌تا.
۴۸. کریمه اهل بیت علیہ السلام، چاپ نهضت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. مجموعه مقالات، جلد اول تا چهارم، کنگره بزرگداشت شخصیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و مکانت فرهنگی قم، انتشارات زائر، چاپ اول.
۵۰. محمد باقر مجلسی علیه السلام، **بخار الانوار**، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. محمد بن احمد انصاری قرطبی، **الجامع لاحکام القرآن**، دارالحیاء التراث العربي، بیروت، بی‌تا.
۵۲. محمد بن عبدالله، مستدرک **حاکم**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۶۲ ق.
۵۳. محمد بن عیسی، **صحیح ترمذی**، مصر، مطبع مصطفی، ۱۳۸۶ ق.
۵۴. محمد هادی امینی، فاطمه بنت الامام موسی الكاظم علیهم السلام، چاپ مهدیه، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۵۵. مدرسی طباطبایی، تربیت پاکان، چاپ اول، ۱۳۳۵ شمسی، چاپخانه مهر قم.
۵۶. -----، تربیت پاکان، چاپخانه مهر قم، ۱۳۳۵ ش.
۵۷. مسلم بن حجاج قشیری، **صحیح مسلم**، دارالفکر، بیروت.
۵۸. ملک الكتاب شیرازی، **بحر الانساب**، تهران، نشر بیهقی، ۱۳۳۵ ق.
۵۹. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق علیهم السلام، ۱۳۷۵ ش.
۶۰. مهدی طیب، ره توشه دیدار، نشر سفینه، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۶۱. مهدی منصوری، **حیاة السّت**، انتشارات کتابفروشی صحفی، بی‌تا.
۶۲. میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶۳. ناصر مکارم شیرازی، **تفسیر نمونه**، دارالكتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۶۳ ش.
۶۴. الیاس محمدبیگی، **فروعی از کوثر**، انتشارات زائر، چاپ یازدهم، پاییز ۱۳۹۰ ش.

۳۰. شیخ علی نمازی شاهروdi، مستدرک **سفينة البحار**، مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. شیخ محمد شریف رازی، قم، آثار الحجۃ، ۱۳۳۶ ش.
۳۲. شیخ محمد علی بن حسین نائینی اردستانی کچوئی قمی، **انوارالمشعشعین**، ناشر: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۳۳. شیخ مفید، ارشاد، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۴. الصواعق المحرقة، ابن حجر هیشمی، احمد، ط ۲ قاهره، مکتبة علی یوسف سلیمان، ۱۳۸۵ قمری.
۳۵. عباس فیض، **گنجینه آثار قم**، چاپ اول، ۱۳۴۹ شمسی، چاپخانه مهر استوار قم.
۳۶. عباس فیض، **گنجینه آثار قم**، چاپخانه مهر استوار قم، چاپ اول، ۱۳۴۹ ش.
۳۷. عباسقلی خان سپهر، ناسخ التواریخ، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳ ش.
۳۸. عبدالله جوادی آملی، **تسنیم تفسیر قرآن کریم**، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۳۹. عبدالله جوادی آملی، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، معاد در قرآن، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم، زمستان ۱۳۹۰.
۴۰. عبدالواحد آمدی، **غیر الحکم و درر الكلم**.
۴۱. علامه امینی، الغدیر، دارالكتب العربي، بیروت، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ق.
۴۲. علی اشرف عبدی، قم از منظر اهل بیت علیهم السلام، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴۳. علی اشرف عبدی، **همگام با زائران عارف**، آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، انتشارات زائر، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۴۴. علی اصغر فقیهی، **تاریخ مذهبی قم**، انتشارات زائر، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. علی بن عیسی اربیل، **کشف الغمة**، چاپ بیروت، بی‌تا.
۴۶. علی متقی هندی، **کنزالعمال**، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۵ ق.